

کاروان
حجتی بافقہ آقا طریقت

مناسک حج

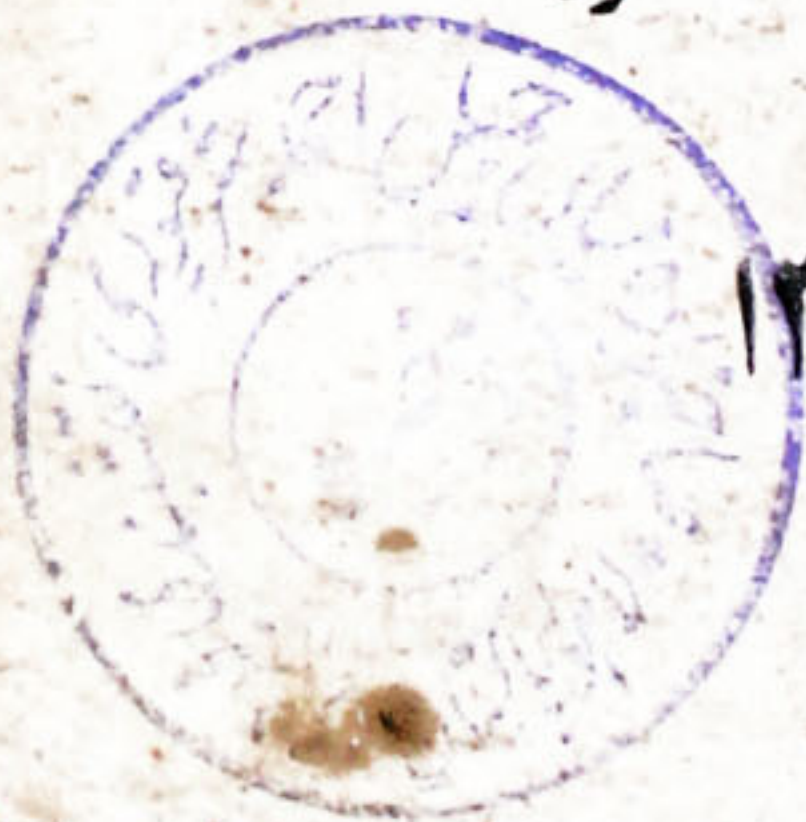
مطابق بافتاوی

۱۵۹ -

حضرت حجة الامام والمسلمين آية الله العظمى

آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی

متع الله المسلمين بطول بقائه الشريف



سوال المکرم ۱۳۸۹

حاج پیرم

بسم الله الرحمن الرحيم

للم لئن لست لستو رعتك نفسي وأهلي وذرعتي وذرعتي

صيرت وأمانتي وخارجة على

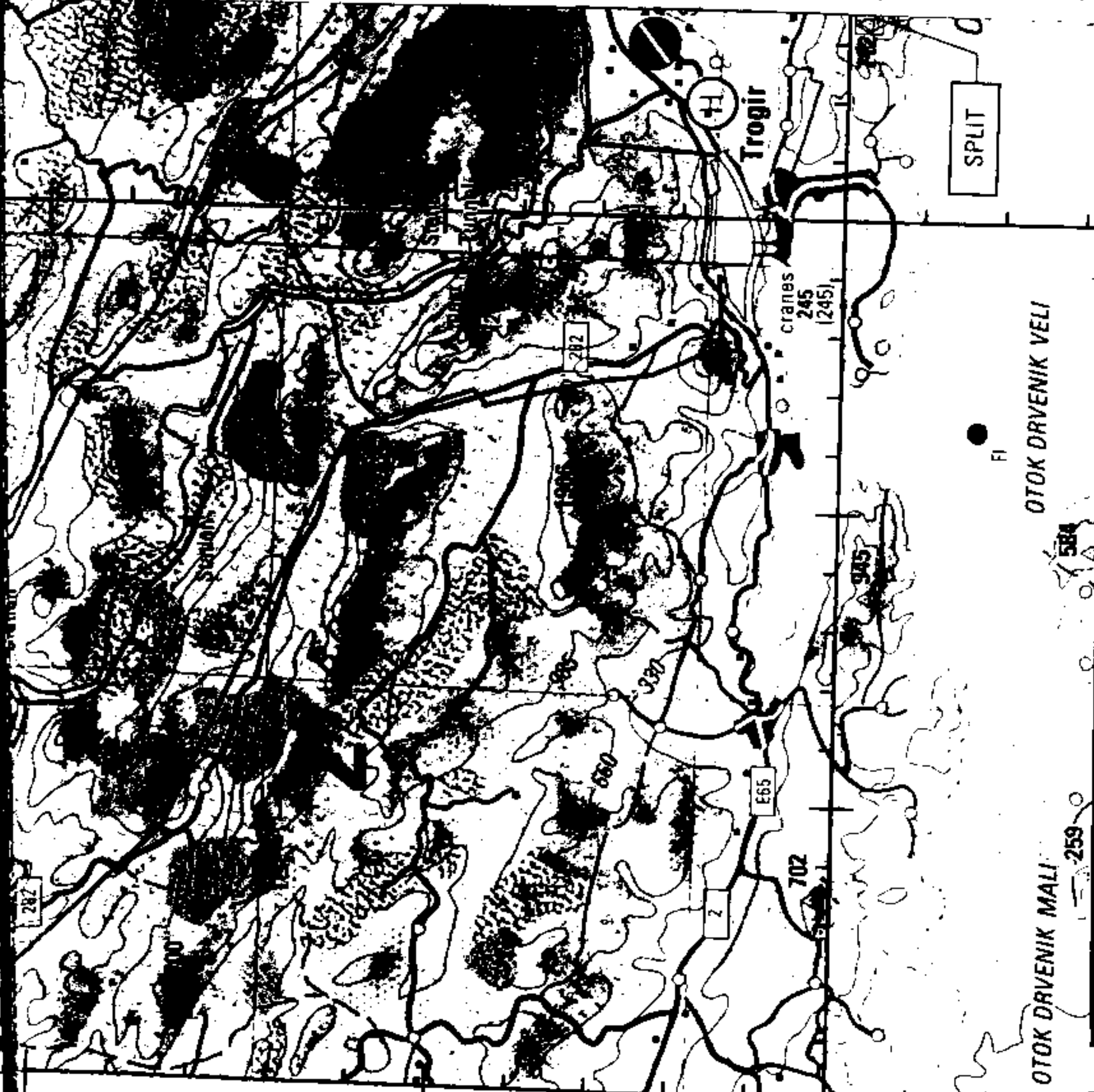
- isola
- catena di montagne
- piano
- penisola
- fiume
- baia
- stretto
- picco
- baia

CONVERSION OF ELEVATIONS

FEET	METRES	FEET	METRES
1000	305	10000	3048
900	274	9000	2743
800	244	8000	2438
700	213	7000	2134
600	183	6000	1829
500	152	5000	1524
400	122	4000	1219
300	91	3000	914
200	61	2000	610
150	46	1500	457
100	30	1000	305

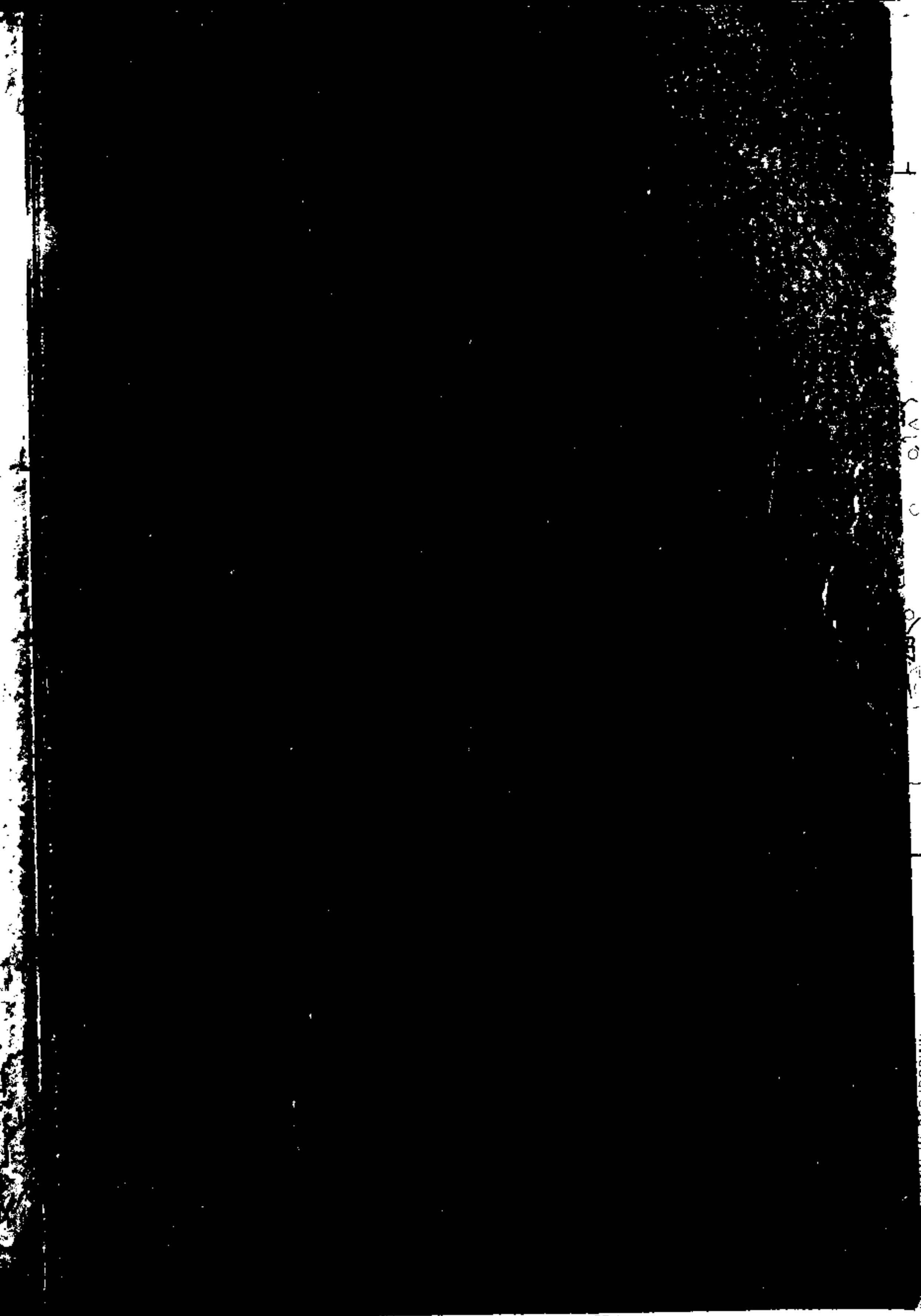
LOCATION DIAGRAM

NAVY INDEX NUMBER IS DECLASSIFIED



baia

bay. cove. harbor



کتابت دار
طریقہ

335

مناسک حج

مطابق بافتاوی

حضرت حجۃ الامام والمسلمین آية الله العظمی

آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی

مع الله المسلمين بطول بقائه الشريف



سوال الکریم ۱۹

باب پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انش لنفسی واولی ووالی وذریتی وذریتی
حرمی واولیائی واولیائی واولیائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَلَىٰ بَابِ مَنْاسِكِ حَجْرِي أَيْتِ بِشَاوِرِنْدَه
مُحَمَّدُ رِضَا الْمَوْسَوِي الْقَلْبَايَا



52872

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

فَضِيحَاتُ حَجِّ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ
إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ آيَةٌ ٩٧

يَكْفِي أَوْ اجْتَبَاتِ وَأَرْكَانِ دِينِ وَشَعَائِرِ إِسْلَامِ حِجِّ بَيْتِ
اللَّهِ الْحَرَامِ أَيْتِ كَمَا فِي آيَاتِ كَرِيمَةٍ قُرْآنِ مُجِيدٍ وَأَحَادِيثِ

شریفه کمال ترغیب و تشویق و اهتمام نسبت بآن ظاهر است و وجوب آن بر کسی که دارای شرایط باشد از ضروریات دین است که انکار آن موجب کفر میشود و تأخیر انداختن آن گناه کبیره و مورد ندامت شدید و توعیدات عظیمه و موجب محرومیت از ثوابهای بسیار و خیرات بی شمار است و هر کس مستطیع شود و حج را بجا نیاورد تا بمیرد مطابق بعضی روایات باو گفته میشود بمیر، یا یهودی یا نصرانی.

پس بر هر مسلمانی که مستطیع گردد واجب است بدون تأخیر و مسامحه در مقام اطاعت امر خدا بر آمده و بحج بیت الله مشرف شود و از برکات کثیره و وسایل آمرزش و تحصیل رحمت حق و اصلاح نفس و کمال معرفت و تهذیب اخلاق و تربیت روح و فوائد اجتماعی و مشاهده نفوذ امر خدا و شوکت و عظمت اسلام در آن اجتماع روحانی مستفیض و بهره مند و باجر فراوان نایل شود.

مسئله ۱ - بر هر مکلفی که مستطیع

است که در تمام عمر یک مرتبه حج کند و آنرا میگویند.

مسئله ۲ - کسی که مستطیع

در همان سال اول استطاعت بحج برود و تأخیر آن بدون عذر گناه کبیره است و اگر در سال اول نرفت و تا سال بعد از استطاعت افتاد حج از او ساقط نمیشود و باید بهر طور شده حج کند .

مسئله ۳- حج بر سه قسم است (حج قران) و (حج افراد) و این دو قسم وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که خانهای آنها از مکه معظمه کمتر از ۱۶ فرسخ دور میباشد و این دو حج بدون عمره تمتع است اگر چه بعد از آن واجب است عمره مفرده بجا آورد و قسم سیم حج تمتع است و آن وظیفه کسی است که از منزل او تا مکه ۱۶ فرسخ شرعی یا بیشتر باشد .

مسئله ۴- آنچه ذکر شد از تعیین و وظیفه نسبت بحج الاسلام است اما در حج مستحبی اهل مکه هم میتوانند حج تمتع بجا آورند و اشخاصیکه منزلشان ۱۶ فرسخ یا زیادتر از مکه دور باشند میتوانند حج قران یا افراد بجا آورند بلی تمتع برای هر دو طائفه در حج مستحبی افضل است .

حج تمتع

چون نوع واجب حج بر فارسی زبانان و ایرانیان

بلکه بر بیشتر مسلمین حج تمتع است در این رساله فقط احکام و مسائل حج تمتع بیان خواهد شد انشاء الله تعالی .

مسئله ۵ - حج تمتع مرکب از دو عبادت است که

اول را عمره تمتع و دوم را حج تمتع گویند و باید عمره تمتع قبل از حج تمتع بجا آورده شود و اگر کسی بشرحی که بعد گفته خواهد شد بواسطه عذری نتواند عمره تمتع را پیش از حج تمتع بجا آورد حج او حج افراد میشود .

مسئله ۶ - در حج هم مثل عبادات دیگر نیت لازم است

و همین مقدار که قصد او پیش از پوشیدن لباس احرام عمره تمتع . بجا آوردن عمره و حج واجب خودش باشد برای اطاعت فرمان خدا کافی است و لازم نیست که در ابتدا ، صورت حج تمتع را بداند پس اگر وقتی میخواهد احرام به بندد تمام کارهای واجب حج را نداند ولی نیت کند که برای اطاعت امر خداوند عالم عمره و حج واجب خود را بجا میآورد و قصدش این باشد که بعد از مشغول شدن بعمل هر چه را لازم است مطابق رساله ای که پیش اوست یا مطابق دستور مجتهد یا مسئله گوی مورد وثوق که همراه اوست انجام دهد کفایت میکند و عمل او صحیح است .

دستور عمره تمتع

مسئله ۷- دانسته شد که اول از کارهای حج تمتع عمره

تمتع است و کارهای واجب عمره تمتع پنج چیز است ۱- احرام

۲- طواف خانه کعبه ۳- دو رکعت نماز طواف ۴-

سعی بین صفا و مروه ۵- تقصیر که احکام هر يك شرح

داده میشود.

احرام عمره

مسئله ۸- کارهاییکه پیش از احرام بستن و در

وقت مهیاشدن برای احرام و در حال احرام وبعد از آن

مستحب است ده چیز است : ۱- مستحب است پیش

از احرام پاکیزه کردن بدن و گرفتن ناخن و شارب و

زایل کردن موی زیر بغل و موی عانه (زیر شکم) بانوره

۲- غسل احرام در میقات و جایز است که پیش

از رسیدن بمیقات غسل کند هر گاه بترسد که در میقات

آب نیابد و اگر پیش از میقات غسل کرد و در میقات

آب یافت مستحب است که در میقات دو باره غسل کند و

اگر بعد از غسل خواب برود یا چیزی را که برای محرم

جایز نیست بخورد یا بپوشد یا استعمال بوی خوش کند

مستحب است دو باره غسل را بجا آورد و اگر محدث بحدوث
 اصفر غیر از خواب بشود درجاءاً غسل را اعاده کند خوب است
 و میتواند بغسل روز اکتفاء کند برای شب و بغسل شب
 اکتفاء کند برای روز خصوصاً اگر غسل شب در آخر
 شب باشد و غسل روز در آخر روز باشد و بهتر آنستکه
 بغسل اول روز برای روز و بغسل اول شب برای شب
 اکتفاء کند.

۳- خواندن این دعاء در وقت غسل است.

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَ
 أَمْنًا مِنْ كُلِّ حَزَبٍ وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ اللَّهُمَّ
 طَهِّرْهُ وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَاجْرِ عَلَيَّ يَا بَنِي
 مُحَمَّدٍ وَمُدِّحْتِكَ وَالشَّاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا
 بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ وَالِاتِّبَاعُ
 لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۴- نتراشیدن و نگرفتن موی سر و ریش از اول

ذیقعدہ بنا بر آنچه بعض علماء فرموده اند بلکه احتیاطاً
ترك آنست و استحباب نگر فتن موی سر برای زنها هم از
اول ذیقعدہ بعید نیست .

۵- آنکه بعد از نماز ظهر محرم شود و اگر در وقت
نمازهای دیگر میخواهد محرم شود بعد از یکی از آنها و
اگر نه بعد از نماز قضا احرام به بندد و اگر نماز قضا
بر ذمه ندارد شش رکعت نماز یا اقلاً دور رکعت نماز بخواند
و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد (توحید)
و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون (جحد)
را بخواند و چون از نماز فارغ شود و بخواند نیت احرام
کند حمد و ثنای خدا بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد
صلوات الله علیهم بفرستد و این دعاء را بخواند .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَتَسَابِكَ لَكَ وَأَمِنْ
بِعَوْدِكَ وَاتَّبِعْ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ
لَا أَرْفِي إِلَّا مَا وَفَيْتَ وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ
وَقَدْ ذَكَرْتَ إِلَيَّ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَيَّ

كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَهَوَّيْتَنِي
 عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَتُسَلِّمَتَنِي مَنَاسِبِي فِي يُسْرِهِمْ نِكَ وَ
 عَافِيَتِهِ وَأَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضَيْتَ وَأَرْضَيْتَ
 وَسَمَّيْتَنِي وَكَلَّمْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ
 بَعِيدَةٍ وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ
 فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ
 بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يُخْبِسُنِي فَحَلِّفْ حَيْثُ
 حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ
 لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرِمُ لَكَ شَعْرَتِي وَبَشْرَتِي وَحُجِّي
 وَدَعِي وَعِظَامِي وَحُجِّي وَعَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ
 وَالطَّيْبِ ابْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالْأَرْضَ وَالْآخِرَةَ

و پس دو جامه احرام را بطوریکه در واجبات گفته

میسود بپوشد .

۶ - جامه احرام از پنبه باشد و در حال پوشیدن

احرام بگوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي
وَأُوَدِّي فِيهِ فِرْصِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهَى فِيهِ إِلَى مَا
أَمَرَ فِي الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَغَانِي وَ
قَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّيْنِي فَهُوَ حِصْنِي
وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَكِبَائِي وَمَنْجَائِي وَ
ذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي

۷ و ۸ - نیت احرام را بزبان بیاورد و چنانچه در واجبات

احرام هم گفته خواهد شد واجب است مقارن نیت بگوید :

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ
وَالتَّعْزِيمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ

و بنا بر احتیاط بعد از این جمله يك لبیک دیگر نیز بگوید و پس از آن مستحب است بگوید :

وَالْمَعَارِجِ لَبِّكَ لَبِّكَ دَاعِيًا إِلَى الْإِسْلَامِ لَبِّكَ
 لَبِّكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبِّكَ لَبِّكَ أَهْلَ التَّبِيَةِ لَبِّكَ
 لَبِّكَ وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبِّكَ لَبِّكَ بُدِي
 وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبِّكَ لَبِّكَ تَسْتَغْنِي وَيُقْتَرُ إِلَيْكَ لَبِّكَ
 لَبِّكَ مَرْغُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبِّكَ إِلَهَ الْحَقِّ
 لَبِّكَ لَبِّكَ وَالنِّعَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبِّكَ
 لَبِّكَ كَثَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبِّكَ لَبِّكَ عِنْدَكَ
 وَأَبْنُ عَيْنِكَ لَبِّكَ لَبِّكَ يَا كَرِيمُ لَبِّكَ

و این جمله را نیز بر جا استحباب بخوانند .

لَبِّكَ أَتَقْرَبُ إِلَيْكَ بِمَحْمَدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبِّكَ لَبِّكَ بِعَمْرَةٍ

و در احرام حج بگوید لبیک بحجة و پس از آن در عمره

تمتع بگوید:

لَبِيكَ لَبِيكَ وَهَذِهِ عَمْرَةٌ مَتَعَةٍ إِلَى الْحَجِّ لَبِيكَ لَبِيكَ

أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبِيكَ لَبِيكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ

۹- مرد تلبیه را بلند بگوید مگر در میقات مدینه که در آنجا بهتر آنست که اگر سواره است آهسته تلبیه بگوید و وقتی زمین (بیداء) نمایان شود بلند بگوید و کسیکه از مکه محرم به حج میشود مستحب است که وقتی که به (رقطاء) میرسد یا مشرف بر (ابطح) شود بلند بگوید.

۱۰- در وقت بیدار شدن از خواب و عقب هر نماز واجب و مستحب و وقت رسیدن بمنزل و وقتی که بسواره برسد و وقت سوار شدن و وقت بالا رفتن بر تلی یا پائین رفتن از سر اشیبی نیز تلبیه بگوید و در سحرها بسیار بگوید هر چند جنب یا حیض باشد و تلبیه را قطع نکند در عمره تمتع تا خانه های مکه را ببیند و در حج تمتع تا ظهر روز عرفه.

مکروهات احرام

مسئله ۹- در احرام ده چیز مکروه است:

۱- پوشیدن لباس سیاه بلکه بعضی پوشیدن هر

لباس رنگ شده را مکروه دانسته اند لکن ظاهر بعضی اخبار معتبره مکروه نبودن احرام در جامه سبز رنگ است
۲ - خوابیدن در رختخواب و منخده زرد و بعضی علماء فرموده اند خواب در آنچه احرام در آن مکروه میباشد مکروه است و همچنین مکروه است خوابیدن در رخت چرک و اگر احرام او چرک شده است بهتر آنستکه تانجس نشود آنرا نشوید .

۳ - حناء بستن بدون قصد زینت ولی با قصد زینت خلاف احتیاط است بلکه احتیاط آنستکه مطلقاً حناء نبندد و نیز مکروه است برای زن پیش از احرام حناء بستن هر گاه رنگ آن تا حال احرام باقی بماند .

۴ - حمام رفتن و سائیدن بدن .

۵ - در جواب کسیکه او را آواز دهد و بخواند لبیک

گفتن .

۶ - شستن بدن با آب سرد .

۷ - مبالغه در مسواک کردن و سائیدن رو .

۸ - کشتی گرفتن و هر کاریکه در آن بیم مجروح

شدن یا افتادن موی از بدن باشد .

۹ - شعر خواندن .

۱۰ - استعمال ریاحین و گلپای خوشبو است بلکه

احتیاط ترك آن است و بعضی بآن ملحق کرده اند شستن سر را بسدر و خطمی .

واقیت احرام

مسئله ۱۰ - محلتی را که در آن احرام بستن واجب

است میقات گویند و هر کسی باید در آن میقاتی که در راه عبور او بمکه است محرم شود باین شرح :

۱ - کسیکه از راه مدینه منوره بمکه مشرف شود

مثل بسیاری از حاجیان ایران که پیش از حج بمدینه منوره مشرف میشوند و همچنین اهالی مدینه میقات آنها مسجد

شجره است که آنرا ذوالحلیفه گویند و در این زمان به

آبار علی معروف است و فاصله آن چنانچه بعضی گفته اند

تا مکه ۴۶۴ کیلومتر است و تا مدینه تقریباً هفت کیلو

متر است و بهتر آنستکه در داخل مسجد محرم شود و

اگر جنب یا حیض باشد در حال عبور از داخل مسجد محرم

شود و اگر از پشت مسجد هم محرم شود ضرر ندارد

و در وقت ضرورت احرام بستن را تا میقات اهل شام که جحفه است میتواند بتأخیر اندازد و در جحفه محرم شود .

۲ - کسیکه از راه شام و مصر برود میقات او جحفه است که سابقاً آباد بوده است و اکنون چون خراب شده اهل سنت از (رابغ) که دهی است پیش از جحفه محرم میشوند و جحفه میقات اهالی آن و میقات مردم مصر و شام و شهرهای مغرب و اروپا و هر کس که از کانال سوئز بقصد مکه عبور میکند میباشد که باید در دریا در محاذات جحفه محرم شود و تقریباً مسافت بین مکه و جحفه ۲۲۰ کیلو متر است .

۳ - کسیکه از راه نجد و عراق میرود میقات او وادی عقیق است و افضل آنستکه از اول آن که مسلخ است اگر بطور یقین معلوم شود محرم گردد و الا احتیاط آنستکه وقتی یقین کرد در وادی عقیق رسیده پیش از رسیدن بذات عرق محرم شود بلکه بعضی از علماء تأخیر احرام بستن را تا ذات عرق جایز نمیدانند و اگر بواسطه تقیه ناچار شود از تأخیر تا ذات عرق پیش از رسیدن بآنجا نیت احرام کند و آهسته تلبیه بگوید و رخت خود را در نیاورد و اگر

ممکن شود رختش را بیرون آورد و دو جامه احرام را بپوشد و بعد در آورد و رخت خود را بپوشد و بجهت آن بطلو ریکه گفته خواهد شد فدیة دهد و وقتی بذات عرق رسید آنجا جامه احرام را بپوشد .

۴- کسیکه از راه طایف برود میقات او قرن المنازل است که تقریباً تا مکه ۹۴ کیلو متر است و آن کوهی است مشرف بر عرفات .

۵- کسیکه از راه یمن برود میقات او یلملم است و آن کوهی است از کوههای تهامه و تا مکه تقریباً ۹۴ کیلو متر فاصله دارد .

مسئله ۱۱- لازم است تحصیل علم بر رسیدن بمیقاتی که باید در آن محرم شود یا بینة شرعیة و اگر تحصیل هیچیک ممکن نشود اکتفاء بظن حاصل از گفته اهل اطلاع و معرفت بآن اما کن جایز است .

مسئله ۱۲- هر کس منزل او از این میقاتها به مکه نزدیکتر باشد یعنی منزل او بعد از یکی از این میقاتها باشد میقات او همان منزل او است که از همانجا باید محرم شود .

مسئله ۱۳ - بهتر آنستکه از راهی برود که در آن از یکی از میقاتها عبور کند و اگر از راهی می رود که به هیچیک از این پنج میقات عبور نمی کند باید در محاذی هر میقاتی که ابتداءً بآن عبور میکند احرام بندد هر چند که نسبت بمیقات دیگر دور تر از مکه باشد یا فاصله اش با اصل میقات بیشتر باشد و اگر بعد از آن در راه خود بمحاذات میقات دیگر رسید در آنجا هم احتیاطاً تجدید احرام کند و اگر تحصیل علم بمحاذات میقات ممکن نشد و بینة هم نباشد ظاهر کفایت ظن حاصل از گفته اهل اطلاع و معرفت بآن اماکن است و اگر ظن هم ممکن نشود در اولین نقطه ای که احتمال محاذات بایکی از موافقت را میدهد رجاءاً محرم شود و تلبیه بگوید و بعد در هر جا که احتمال محاذات میدهد تجدید نیت کند و تلبیه را تکرار نماید تا یقین کند که در محاذات احرام بسته و بهتر آنستکه لباس احرام را نیز باز کند و ببندد و احوط برای چنین شخص هرور بر یکی از موافقت و احرام از میقات است و تا ممکن است ترك این احتیاط را ننماید مگر آنکه نذر کرده باشد که پیش از رسیدن بمحاذات میقات در محل

معینی محرم شود که در این صورت رعایت این احتیاط لازم نیست بلکه واجب است در محلی که نذر کرده است محرم شود ولی مرد باید در حال احرام زیر سقف نرود چون تظلیل بر مرد محرم در حال حرکت و منزل طی کردن حرام است و احکام عمد و سهو و اضطرار آن در جای خود گفته میشود انشاء الله.

مسئله ۱۴- اگر کسی احرام بستن از میقات را فراموش کند بعد از آن که یادش آمد خواه بعد از داخل شدن بحرم یادش بیاید یا پیش از وارد شدن بحرم اگر برگشتن بمیقات ممکن است برگردد بمیقات و از آنجا محرم شود و اگر برگشتن بمیقات ممکن نیست احتیاط واجب آنستکه هر مقدار ممکن است بسوی میقات برگردد و از آنجا محرم شود و اگر برگشتن هیچ ممکن نیست از همان مکان خود احرام بندد و همچنین است حکم در جاهل.

مسئله ۱۵- در احرام طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر هیچیک شرط نیست پس جایز است شخص جنب وزن حیض و نفاس محرم شوند بلکه اگر وقت نباشد که صبر کند تا از حیض و نفاس پاک شود واجب است از میقات بهمان

جال احرام ببندد و غسل احرام از برای حیض و نساء مستحب است .

مسئله ۱۶ - اگر زن حیض بواسطه ندانستن مسئله در میقات محرم نشود و قبل از اعمال ملتفت بحکم شد باید هر جا که باشد اگر ممکن میشود بمیقات برگردد و احرام ببندد و اگر برگشتن بمیقات ممکن نیست احتیاط واجب آنستکه هر مقدار ممکن است برگردد و از آنجا محرم شود خواه وارد حرم شده باشد یا پیش از وارد شدن بحرم ملتفت حکم شود و اگر هیچ نمیتواند برگردد در همان مکان محرم شود و همچنین است حکم در هر کس که جاهل بحکم باشد .

مسئله ۱۷ - اگر کسی احرام را فراموش کند و تا بعد از انجام جمیع واجبات بخاطرش نیاید بقول جمعی آن عمره باطل است و بعضی آنرا صحیح میدانند و این قول بعید نیست اگر چه قول اول احوط است و جاهل بمسئله در حکم ناسی است .

مسئله ۱۸ - اگر کسی عمداً احرام را ترک کند و برگشتن بمیقات و احرام از آن ممکن نباشد اقوی فساد

عمره او است اگر چه احوط آنستکه از هر مکه نیکه ممکن باشد محرم شود و عمره را انجام دهد و بعد هم قضاء آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۹ - محاذات حده با میقات را اگر کسی

بداند احرام از آن جایز است اما اشخاصی که از شمال بحر احمر بسمت حده میروند مثل اهل شام که میقات واحرامگاه آنها جحفه است محاذات جحفه برای آنها در دریا حاصل میشود نه در حده و نه در حده و اما کسا نیکه از جنوب دریای احمر بجهت میروند میقات واحرامگاه آنها محاذی یلملم است و اظهر آنستکه آنهم در دریا حاصل میشود نه در حده یا حده بلی اگر کسی از مغرب دریا از حبشه و نوبه مثلاً مستقیماً بجهت بیاید بعید نیست که محل احرام او نیز محاذات یلملم باشد و محاذات آن برای او در حده یا ما بین حده و حده حاصل میشود لکن رفتن از این راه معمول نیست و رعایت احتیاط بنذر احرام پیش از میقات یا از تجدید نیت احرام و تکرار تلبیہ‌های واجب در اماکنی که احتمال محاذات می‌رود خوب است و تجدید نیت در حده هم با احتمال محاذات رجاء ضرر ندارد .

نذر احرام پیش از میقات

مسئله ۲۰ - چنانچه گفته شد پیش از رسیدن بمیقات یا محاذات آن احرام بستن جایز نیست ولی اگر کسی نذر کند که پیش از رسیدن بمیقات در محل معینی محرم شود مثلا نذر کند که در تهران یا مشهد یا کوفه محرم شود باید بنذر خود وفا کند و در همان محلیکه نذر کرده است احرام ببندد و احرام او صحیح است .

مسئله ۲۱ - در هر جا که تشخیص میقات یا محاذات آن بعلم یا مظنه معتبره ممکن نشود بهتر آنستکه نذر کند پیش از میقات یا پیش از محاذات میقات در محل معینی احرام ببندد و از همان محلیکه نذر کرده محرم شود

مسئله ۲۲ - اگر در وقت نذر احرام پیش از میقات بنا داشته باشد که در کوب مسقف دار مثل کشتی یا اتومبیل مسقف سوار شود نذر او صحیح است ولی مرد باید تا ممکن میشود در حال حرکت و طی منزل زیر سقف ننشیند و اگر مضطر باشد جایز است و کفاره دارد که در مجلس ذکر می شود .

مسئله ۲۳ - کسی بنخواهد باطیاره بحج برود که مسقف است اگر ناچار باشد و طور دیگر ممکن نباشد برود جایز است نذر کند از محل خود محرم شود ولی در حین احرام قصد کند که تا بتوانم تظلیل نکنم و با اضطرار هر چند از جهة ضیق وقت یا نبودن وسیله غیر آن جایز است بطیاره سوار شود و برای تظلیل فدیة میدهد لکن اگر طیاره شب حرکت کند یا سقف آن از شیشه باشد که مانع از تابش آفتاب نباشد و جوب فدیة معلوم نیست ولی مطابق احتیاط است

مسئله ۲۴ - کسی بنخواهد از ایران مثلاً باطیاره برود جده و از آنجا برود مکه و بنخواهد جحفه یا میقات دیگر برود و در راهم نتواند محرم شود لازم است بنحویکه قبلاً در مسئله ۲۰ ذکر شد در شهر خود نذر کند و محرم شود و اگر عمداً محرم نشود و برود عمره او باطل است مگر آنکه برگردد بیکی از میقاتها و از آنجا محرم شود لکن با عدم تمکن از برگشتن احتیاط آنستکه هر قدر می تواند برگردد بطرف میقات و محرم شود و عمره را بجا آورد و بعد هم قضا، آنرا بجا آورد .

52872

مسئله ۲۵- کسی که با هواپیما بمکه می‌رود و محرم نباشد اگر بالای میقات یا محاذی آن عبور کند و بتواند در آن حال محرم شود احتیاط واجب آنستکه همانجا محرم شود مثلاً اگر علم پیدا کند هواپیما بالای وادی عقیق است که از اول وادی تا آخر آن ۶ فرسخ است بطرف مکه و بمقدار محرم شدن وقت دارد همانجا محرم شود و احتیاط استحبابی آنستکه باین اکتفاء نکند و از جده بیرون جحفه و از آنجا رجاء اُ نیت احرام کند و تلبیه بگوید.

واجبات احرام

مسئله ۲۶- واجبات احرام سه چیز است (اول) پوشیدن دو جامه احرام و واجب است که یکی از آنها از ناف تا زانو را بپوشاند که آنرا النک گویند و دیگری باید بر دوش انداخته شود و بقدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند و آن را رداء گویند و احتیاط لازم آنستکه پیش از نیت و گفتن تلبیه‌های واجبه رخت دوخته را بکند و لباس احرام را بپوشد و بعد نیت کند و احتیاط واجب آنستکه زنهار نیز این دو جامه را بپوشند اگرچه کندن رخت دوخته بر آنها واجب نیست.

مسئله ۲۷ - باید لباس احرام لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد پس اگر لباس احرام حریر باشد یا از اجزاء حیوان حرام گوشت یا نجس باشد بنجاستی که در حال نماز از آن عفو نشده احرام در آن صحیح نیست ولی اگر لباس احرام بنجاستی که نماز خواندن با آن صحیح است نجس باشد مثل خون زخم و جراحت و دمل ضرر ندارد

مسئله ۲۸ - باید پارچه که از ناف تا زانو را می پوشاند بقدری نازک نباشد که پوست بدن از زیر آن نمایان باشد و احوط در پارچه ای که بدوش انداخته میشود نیز این است که بحدی که گفته شد نازک نباشد.

مسئله ۲۹ - اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود احوط آنستکه یا آنرا عوض کند یا تطهیر نماید بلکه احوط آنستکه اگر محرم بدنش نجس شود نجاست را از آن زایل کند

مسئله ۳۰ - جامه احرام زن نیز مثل جامه احرام مرد باید از ابریشم خالص نباشد بلکه احتیاط آنستکه

سایر لباسهای او نیز ابریشم خالص نباشد .
مسئله ۳۱ - احتیاط واجب آنستکه لباس احرام چه محرم مرد باشد و چه زن بافته باشد و از پوست یا مثل نمد مالیده نباشد و همچنین از اجناس جدید مثل لاستیک و نایلان و امثال آن نباشد .

دو - از واجبات احرام نیت است یعنی قصد کند که احرام می بندم برای عمره تمتع حجة الاسلام بحیث اطاعت فرمان خداوند عالم و معنای احرام بستن آنستکه بر خود قرار دهد برای توجه بمکه و بجا آوردن اعمال حج و عمره کارهائیرا که در عمره تمتع بر او حرام است ترک نماید و مستحب است که نیت احرام را بزبان بیاورد چنانچه گذشت .
مهم - گفتن چهار تلبیه است بعد از نیت و صورت آن این است که بگوید :

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ
 إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و بهتر اضافه يك لبیک دیگر است بعد از لا شریک لك و واجب استکه این عبارت را عربی صحیح بخواند

واحوط و اولی کسر همزه (ان) و فتح کاف (الملك) است و اگر بعد از ملك هم (لك) را تکرار کند بد نیست و واجب است کسی که این عبارات را نمیداند بطور صحیح آنرا یاد بگیرد یا کسی با و در وقت گفتن تلقین کند و اگر ممکن نشد بهر طوریکه میتواند بخواند و ترجمه‌اش را بفارسی یا زبان دیگر بگوید و نایب هم بگیرد که از طرف او بطور صحیح بخواند.

مسئله ۳۲ - مکرر گمن بین چهار تلبیه مستحب است و بیش از یک مرتبه گفتن آن واجب نیست

مسئله ۳۳ - بیرون آوردن لباس احرام در صورتی که ناظر محترم نباشد جایز است.

مسئله ۳۴ - هر گاه پوشیدن لباس احرام را فراموش نماید و پیش از آنکه مشغول طواف شود بخاطرش بیاید احوط آنستکه بمیقات برگردد و لباس احرام را بپوشد و تلبیه را هم رجاء آبگوید و اگر برگشتن بمیقات ممکن نباشد هر مقدار ممکن است برگردد و در آنجا بپوشد اگر برگشتن اصلاً ممکن نشود هر جا بخاطرش آمد همانجا لباس احرام را بپوشد و تلبیه را بنحویکه ذکر

شد بگوید و اگر بر نگشت و هر جا یادش آمد لباس احرام پوشید احرام او صحیح است علی الظاهر .

کارهائیکه بر محرم حرام است

مسئله ۳۵ - معلوم شد که احرام این است که شخص بر خود قرار دهد خود داری و ترك کارهائی را که در حال احرام حرام است .

پس لازم است شناختن آن کارها بلکه احوط آن است که پیش از نیت احرام بطور اجمال بصورت کارهائیکه محرم باید ترك نماید در مناسك مراجعه کند تا در موقع نیت بطور اجمال نیت خود داری از آنها را داشته باشد ولی لازم نیست که بطور تفصیل در وقت احرام آن کارها در نظرش باشد .

کارهائیکه بر محرم حرام است بیست و پنج چیز است .

اول - حرام است شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد مثل روباه و خرگوش و آهو و ملخ و طیور و اعانت و یاری در شکار آن بصیاد و نشان دادن شکار و خوردن گوشت آن و نگاهداشتن آن هر چند پیش از احرام مالک آن شده باشد و هر حیوانی که شکارش حرام است

برداشتن تخم و جوجه او نیز بر محرم در حرم و غیر حرم حرام است و هر کسیکه محرم نیست جایز نیست که جوجه یا تخم حیوانات وحشی را که در حرم هستند بردارد یا بخورد.

مسئله ۳۶ - شکار حیوان دریائی که تخم و جوجه هر دو در دریا کند و کشتن حیوان اهلی مثل گاو و گوسفند و شتر و خوردن گوشت آنها بر محرم حلال است و همچنین کشتن حیوان صحرائی وحشی که از ادیت آن ترس داشته باشد مانعی ندارد.

مسئله ۳۷ - محرم شکار وحشی را مالک نمیشود و اگر کسی آنها را باو بفروشد یا ببخشد ملک او نمیشود و اگر پیش از احرام آنها شکار کرده باشد و با خود آورده باشد وقتی محرم شد از ملک او بیرون میرود و باید آنها را رها کند.

مسئله ۳۸ - اگر محرم حیوانی را که شکارش حرام است بکشد باید کفاره بدهد و تفصیل آنرا در کتابهای حج فقهای ذکر فرموده اند.

مسئله ۳۹ - اگر محرم صیدی را ذبح کند میتة است و

بر محرم و محل حرامست خوردن آن

دوم - از کارهائیکه بر محرم حرام است جماع

کردن بازن و بوسیدن و بازی کردن و نگاه کردن بشهوت با و بلکه بردن هر لذتی از زن حرام است هر چند حلال خودش باشد و لذت بردن مرد محرم از زن نامحرم و یا مرد از مرد علاوه بر آنکه پیش از احرام حرام بوده بواسطه احرام مؤکد میشود .

مسئله ۴۰ - اگر کسی با علم و عمد در عمره تمتع

جماع کند خواه در فرج باشد یا در دبر اگر پیش از سعی باشد عمره او فاسد است و باید آنرا تمام کند و بعد از تمام کردن پیش از حج آنرا اعاده نماید و یکشتر کفاره بر او واجب است و اگر نتواند بواسطه تنگی وقت آنرا پیش از حج اعاده کند حج او افراد میشود و باید بعد از حج عمره مفرده بجا آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده و اگر بعد از سعی جماع کند فقط یکشتر کفاره بر او لازم است و حج او صحیح است .

مسئله ۴۱ - اگر کسی در احرام سب جماع کند اگر

پیش از وقوف به عرفات و مشعر بوده حج اوفاسد است و باید
 آنرا تمام کند و در سال دیگر قضاء آن را بیاورد و هم چنین
 است حکم بنا بر اشهر اگر بعد از وقوف به عرفات و پیش از
 مشعر جماع کند و اگر بعد از وقوف عرفات و مشعر باشد
 حج او صحیح است و فقط کفاره لازم است اگر پنج شوط
 از طواف نساء را ننموده باشد و الا کفاره بر او نیست اگر چه
 احوط است .

مسئله ۴۲- کفاره بوسیدن زن اگر از روی شهوت
 باشد يك شتر است و اگر بغیر شهوت باشد نیز خالی از قوت
 نیست که يك شتر باشد .

مسئله ۴۳- اگر محرم عمداً از روی شهوت بزنی خود
 نگاه کند و منی از او بیرون آید یا زن خود را ببوسد کفاره آن
 يك شتر است و اگر بغیر عیال خود نگاه کند و منی از او
 بیرون آید بنا بر احتیاط واجب کفاره آن يك شتر است و اگر
 نتواند يك گاو و اگر آن را هم نتواند يك گوسفند است .
مهم- از چیزهایی که بر محرم حرام است آنستکه

زنی را برای خودش یا برای شخص دیگر عقد کند اگر
 چه آنکس محرم نباشد و احتیاط واجب آنستکه زن را

خواستگاری هم نکند ولی رجوع بمطلقه رجعیه در عده مانعی ندارد .

مسئله ۴۴ - کسیکه زنی را در حال احرام برای محرمی عقد کند و آن محرم بآن زن دخول کند بر آن کسیکه عقد کرده اگر چه محرم نباشد و بر محرمی که دخول کرده هر يك يك شتر كفاره واجب است و بر زن نیز اگر چه محل باشد و بداند که شوهرش محرم است همین كفاره لازم است ولی اگر دخول واقع نشود بر هیچیک كفاره نیست .

چهارم - از کارهائیکه بر محرم حرام است این است که شاهد عقد ازدواج شود و اگر پیش از احرام شاهد شده است در حال احرام شهادت بر آن جایز نیست .

پنجم - از کارهائیکه بر محرم حرام است استمناء یعنی کارهائیکه بسبب آنها منی از انسان خارج میشود مثل ملاعبه با زن بلکه با دست یا خیالات شهوت انگیز منی از او بیرون آید و احوط آنستکه این کارها را ترك کند اگر چه سبب بیرون آمدن منی نشود و بعضی از علماء بیرون آمدن منی را بتوسط استمناء سبب فساد حج دانسته

اندمثل جماع کردن، و بعضی همان کفاره تنهارا فرموده اند که يك شتر باشد.

ششم - از کارهائیکه در حال احرام حرام است بوئیدن بوی خوش است مثل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر و نیز مالیدن آنها بر بدن و خوردن آن و پوشیدن لباسی که در آن بوی خوش باشد اگر اثرش باقی باشد حرام است و در صورت احتیاج بنخوردن یا پوشیدن باید بینی خود را بگیرد و بنا بر احتیاط لازم باید استعمال گلپای خوشبو را نیز ترك کند و بنا بر احتیاط از بوئیدن میوه های خوشبو مثل سیب و به خودداری کند ولی خوردن آنها ضرر ندارد.

مسئله ۴۵ - بنا بر احتیاط لازم در وقت گذشتن از بازار عطر فروشان که بین صفا و مروه است بینی خود را بگیرد که بوی عطر بآن نرسد.

مسئله ۴۶ - بوئیدن خلوق که چیزی است که کعبه معظمه را بآن خوشبو میکنند بنا بر مشهور جایز است لکن چون فعلا معلوم نیست که خلوق چیست احوط آنست که از بوهای خوش کعبه هم خودداری کند ولی آنچه بغیر اختیار در حال طواف از بوی آن بشامه یا بلباس یا بدن میرسد

ظاهر اشکال ندارد و گرفتن بینی یا شستن لباس و بدن واجب نیست .

مسئله ۴۷ - كفارة استعمال بوی خوش كشتن يك كوسفند است .

مسئله ۴۸ - در حال احرام گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی از آن بتعجیل گذشتن ضرر ندارد .

هفتم - از کارهائیکه بر محرم حرام است پوشیدن چیز دوخته است هر چند كوچك باشد ولی بستن همیان پول بکمر عیبی ندارد و بهتر آنستکه طوری کند که بدون گره باشد و بستن فتق بند نیز اگر ناچار باشدمانعی ندارد ولی بنا بر احتیاط يك كوسفند بر او واجب میشود .

مسئله ۴۹ - احتیاط لازم آنستکه به لباس احرام خصوصاً رداء گره نزنند و تکمه در آن ندوزند و بچوب یا سوزن و سنجاق آن را بهم وصل نمایند .

مسئله ۵۰ - حرمت پوشیدن لباس دوخته مخصوص مردهاست پس جایز است زنها لباس درخته بپوشند ولی باید از پوشیدن قفازین که چیزی بوده که زنهای عرب

می دوختند و برای جلو گیری از سرما دست میگردوند خودداری کنند.

مسئله ۵۱ - گذاردن سنگ در لای لباس احرام و بستن و پیچیدن آن بانج بدون آنکه گره بزندمانعی ندارد. هشتم - از کارهائیکه در حال احرام حرام میباشد نعره کشیدن است بچیز سیاهی که اسباب زینت باشد اگرچه قصد زینت هم نداشته باشد و احوط آنستکه بچیزی که سیاه هم نباشد بقصد زینت خصوصاً اگر بوی خوش داشته باشد نرود.

نهم - نگاه کردن در آینه برای محرم حرام است ولی نگاه کردن در آب صاف ضرر ندارد اگرچه احتیاط مستحب ترك آنست و همچنین احتیاط مستحب ترك عینك زدن است.

دهم - از چیزهائیکه بر محرم حرام است پوشیدن چیزی است که تمام روی پارا بپوشد مثل چکمه و جوراب و احتیاط آنستکه از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پارا بپوشاند هم خود داری کند ولی بند نعلین که مقداری از روی پارا بپوشاند اشکال ندارد و اگر محتاج شود

بپوشیدن چیزی که تمام روی پارا بپوشد از جهت نداشتن نعلین احوط شکافتن روی آنهاست .

یازدهم - از چیزهای نیکه در حال احرام حرام است فسوق

است و آن دروغ و فحش دادن است و نیز حرام است عیبی را از خود دور و بدیگری نسبت دهد یا صفت خوبی را برای خود بگوید و آنرا از دیگری سلب کند بلکه احتیاط آنستکه از هر سخن زشت و ناروایی در حال احرام خودداری کند .

مسئله ۵۲ - دروغ و فحش دادن سبب فساد احرام

نمیشود و کفاره آن استغفار است و مستحب است صدقه دادن بچیزی بلکه مستحب است کشتن يك گاو

دوازدهم - از کارهای نیکه بر محرم حرام است جدال

است و آن قسم خوردن بگفتن لاوالله یا گفتن بلی والله است خواه راست باشد یا دروغ و احتیاط واجب آنستکه بغیر این دو لفظ هم قسم نخورد و در موقع نا چاری که اثبات حق یارد باطل بغیر آن نشود مانعی ندارد و «آروالله» و «بله والله» و «نه والله» ملحق بآن است بنابراین احتیاط لازم **مسئله ۵۳** - اگر قسمی که خورده است راست باشد

تا دو مرتبه کفاره ندارد و باید استغفار کند و در مرتبه سیم کفاره آن يك گوسفند است و اما قسم دروغ در مرتبه اول کفاره آن يك گوسفند و در مرتبه دوم يك گاو و در مرتبه سوم يك شتر است.

سیزدهم - از چیزهائیکه بر محرم حرام است کشتن

شپش یا كيك و كنه که در شتر است و مانند اینهاست چه در بدن باشد چه در لباس و همچنین انداختن شپش و كيك از بدن بلکه آنها را از جای خودشان بجای دیگر در صورتی که جای اول محفوظ تر باشد نقل ندهد و اگر جای اول محفوظ تر نیست عوض کردن جای آنها مانعی ندارد.

چهاردهم - بجهت زینت انگشتر بدست کردن

برای محرم حرام است ولی بقصد استحباب عیبی ندارد و احتیاط آنستکه از بستن حنا بقصد زینت بلکه بغیر قصد زینت در حال احرام و پیش از احرام اگر اثرش تا حال احرام باقی میماند خودداری کند.

پانزدهم - از کارهائیکه بر محرم حرام است پوشیدن

زیور است برای زن بقصد زینت ولی آنچه را عادت بپوشیدن آن پیش از حال احرام داشته لازم نیست بیرون بیاورد ولی

نباید برای شوهرش یا مرده دیگر آن را نمایان سازد .

شانزدهم - از کارهائیکه بر محرم حرام است مالیدن

روغن است بمبدن هر چند در آن بوی خوش نباشد و نیز پیش از احرام روغن مالیدن اگر در آن بوی خوش باشد و اثرش تا حال احرام باقی بماند جایز نیست .

مسئله ۵۴ - اگر در حال احرام ناچار شود مالیدن

روغن مانعی ندارد .

هفدهم - از کارهائیکه در حال احرام حرام است

ازاله کردن موست از بدن خود یا از بدن کس دیگر اگر چه آنکس محرم نباشد اگر چه يك مو باشد ولی اگر ناچار باشد مثل آنکه برای رفع درد سر مو را بر طرف کند یا موچشم را اذیت کند حرام نیست .

مسئله ۵۵ - کندن شدن مو در حال وضو یا غسل

بدون قصد ضرر ندارد .

مسئله ۵۶ - کفاره تراشیدن سر و ازاله زیر هر دو

بغل بلکه زیر يك بغل اگر چه ناچار شود يك گوسفند یا سه روز روزه یا صدقه دادن ده مد برده مسکین است و بعضی دوازده مد بر شش مسکین فرموده اند و احتیاط

کشتن گوسفند است و هر گاه دست بکشد بسر یا بریش
خود و يك مو یا دو مو بیفتد احتیاطاً يك مشت گندم یا
جو و مانند اینها صدقه بدهد.

هیچدهم - از کارهایی که بر محرم حرام است آنست
که مرد سر و گوش خود را بپوشاند و احتیاط و اجب
آنست که گل و حنا بسر نکند و چیزی هم بر سر نگذارد
بلکه احتیاط مستحب این است که با سایر بدن مثل دست
نیز سر را نپوشاند.

مسئله ۵۷ - پوشیدن قسمتی از سر نیز حرام است
ولی گزاردن بند مشك آب بر سر مانعی ندارد و پوشیده
شدن مقداری از سر یا تمام آن بواسطه دستمالی که برای
درد سر بسر میبندد مانعی ندارد.

مسئله ۵۸ - در حال احرام سر بزیر آب یا مایع دیگر
کردن جایز نیست و در حکم پوشانیدن سر است.

مسئله ۵۹ - پوشیدن صورت برای مردها جایز است.

مسئله ۶۰ - کفاره پوشیدن سر اگرچه ناچار شود

يك گوسفند است و احتیاط آنست که اگر بیش از یکبار سر
را بپوشاند برای هر بار جدا گانه کفاره بدهد خصوصاً

اگر بدون عذر باشد و مخصوصاً اگر مجلس آن هم متعدد شود.

نوزدهم - از کارهایی که بر محرم حرام است آنستکه زن تمام یا قسمتی از صورت خود را بانقاب یا چیز دیگر بپوشاند.

مسئله ۶۱ - اگر زن در موقع نماز برای آنکه یقین کند سر و گردن او پوشیده شده مقداری از اطراف صورت را بپوشاند اشکال ندارد ولی باید بعد از نماز فوراً آن مقدار را باز کند.

مسئله ۶۲ - جایز است بجهت زو گرفتن از نامحرم مقداری از چادر یا چیز دیگری که بسر انداخته تا محاذی چانه پائین بیندازد لکن احتیاط لازم این است که آن را بدست یا بچوب دور از صورت نگاهدارد که مثل نقاب نشود
والایک کوسفند کفاره بر او لازم است.

بیستم - از آنچه بر محرم حرام است آنستکه مرد محرم در روز در حال راه پیمودن بالای سر خود سایه قرار دهد چه سواره باشد و چه پیاده و احتیاط آنستکه در شب هم در حال راه پیمودن برای خود سایه قرار ندهد اگر چه

و جوب آن معلوم نیست .

مسئله ۶۳ - برای زن و بچه بالای سر سایه فرار دادن اشکال ندارد .

مسئله ۶۴ - احتیاط مستحب آنستکه مرد محرم در حال راه پیمودن در سایه چیزی بکشد بالای سر او هم نیست نباشد .

مسئله ۶۵ - در وقت نا چاری مثل شدت سرما یا گرما یا باران در حال راه پیمائی زیر سایه رفتن جایز است ولی يك گوسفند كفاره آن براو واجب میشود ولی اگر در احرام عمره یا حج مکرر سوار مرکب سقف دار شود و پیاده شود بتکرار آن كفاره لازم نمیشود بلی اگر هم در احرام عمره و هم در احرام حج سوار مرکب سقف دار شود باید برای هر يك جدا گانه كفاره بدهد و احتیاط آنستکه اگر بتواند از برای هر روز يك گوسفند كفاره بدهد .

مسئله ۶۶ - مرد محرم در وقتی که منزل میکند

زیر طاق و مانند آن برود یا چتر بسر بگیرد اشکال ندارد اگر چه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد و نه

نشسته باشد ولی احتیاط آنستکه در وقت رفت و آمد در کارهای منزل هم زیر سایه نباشد هر چند مراعات آن لازم نیست .
بیست و یکم - از کارهائیکه در حال احرام حرام است آنستکه از بدن خودش خون بیرون بیاورد هر چند بخراشاندن بدن یا مسواک کردن باشد اگر بداند که این کارها سبب بیرون آمدن خون میشود ولی در حال ناچاری مانعی ندارد و کفارہ آن بفرموده بعضی يك کوسفند و بفرموده بعض دیگر اطعام يك فقیر است .

مسئله ۶۷ - اگر از بدن شخص دیگر خون بیرون آورد مثل اینکه رگ او را بزند اشکال ندارد .

بیست و دوم - از آنچه که بر محرم حرام است ناخن گرفتن است اگر چه مقدار کمی از يك ناخن باشد ولی اگر ناچار باشد مثل آنکه مقداری از آن افتاده باشد و باقیمانده او را اذیت کند گرفتن آن جایز است و کفارہ آنرا که يك مد طعام که تقریباً يك چاریک است گندم یا جو و مانند اینها بفقیر بدهد و کفارہ گرفتن تمام ناخن نیز يك مد است و اگر تمام ناخنهای دست و پا را در يك مجلس بگیرد يك کوسفند لازم است و اگر ناخن دستها را در

يك مجلس و پاها را در مجلس ديگر بگيرد دو گوسفند لازم است .

بيست و نهم - از آنچه بر محرم حرام است كندن دندان است هر چند خون نيايد و كفاره آن بنا بر احتياط يك گوسفند است .

بيست و چهارم - از چيزهايي كه بر محرم حرام است كندن درخت و گياهي است كه در حرم روئيده باشد ولي كندن درخت و گياهي كه در ملك خودش روئيده باشد يا خودش كاشته باشد و كندن درخت ميوه ها و درخت خرما و اذخر كه گياه معروف است مانعي ندارد .

مسئله ۶۸ - اگر محرم درختي را كه كندن آن در حال احرام حرام است بكنند جمعي فرموده اند كه اگر بزرگ باشد كفاره آن يك گاو و اگر كوچك باشد يك گوسفند ميباشد و اگر مقداري از يك درخت را بكنند بايد بمقدار قيمت آن بفقير بدهد و اگر گياهي را بكنند استغفار كند ولي كفاره ندارد .

مسئله ۶۹ - كندن درخت يا گياه حرم به تفصيلي كه گفته شد براي كسي كه محرم هم تيست حرام است

ولی جایز است شتر خود را رها کند تا علف را بخورد بدون آنکه خودش بجهت او آنرا قطع کند چنانچه راه رفتن بطور متعارف اگر موجب کند شدن گیاه حرم شود مانعی ندارد.

بیست و پنجم - از چیزهائیکه بر محرم حرام است اسلحه و آلات حرب بر خود بستن است و بعضی زره و خود و هر چه از وسائل دفاع باشد نیز جزء سلاح شمرده و پوشیدن آنها را حرام دانسته اند.

مسئله ۷۰ - اگر ناچار باشد از بستن اسلحه اشکال ندارد.

مسئله ۷۱ - احتیاط واجب آنستکه اسلحه را اگر نمایان باشد همراه بر ندارد اگر چه به تن او نباشد.

مسئله ۷۲ - محل ذبح یا نحر کفار صیداگر در احرام عمره باشد مکه است و اگر در احرام حج باشد منی است و بنا بر احتیاط محل ذبح کفار غیر صید نیز منی است در احرام حج، و مکه است در احرام عمره.

مسئله ۷۳ - از کارهائیکه بر محرم حرام است پانزده قسم آن کفار دارد لکن در بعضی آن اقسام کفار

بنا بر احتیاط است .

- ۱ - شکار ۲ - عقد بشرط دخول ۳ - استمناء ۴ -
- جماع و بوسیدن زن ۵ - استعمال بوی خوش ۶ - پوشیدن
- چیز دوخته ۷ - جدال ۸ - زایل کردن موی زیر بغل و
- تراشیدن سر (تراشیدن و زایل کردن موی زیر بغل غیر ؛
- کفاره ندارد اگر چه حرام است) ۹ - پوشانیدن سر ۱۰ -
- پوشانیدن زن تمام یا قسمتی از صورت خود را ۱۱ - سایه
- بالای سر قرار دادن برای مرد ۱۲ - بیرون آوردن خون
- از بدن ۱۳ - ناخن گرفتن ۱۴ - کندن دندان ۱۵ -
- کندن درخت و گیاه حرم و شرح هر يك بمقداریکه در
- این رساله مناسب بود گفته شد .

مسئله ۷۴ - اگر کسی از روی فراموشی یا

ندانستن مسئله یکی از کارهایی که سبب کفاره میشود انجام
دهد کفاره بر او واجب نمیشود مگر در شکار که در
صورت فراموشی و ندانستن مسئله نیز کفاره لازم میشود .

۲ - طواف عمره

مسئله ۷۵ - دانسته شد که دوم از اعمال واجب عمره

تمتع طواف خانه کعبه است و پیش از بیان احکام آن مستحبات داخل شدن بحرم و مستحبات داخل شدن بمکه و مستحبات داخل شدن بمسجد الحرام را بتفصیل شرح میدهم انشاء الله .

مستحبات داخل شدن بحرم

مسئله ۷۶ - بدانکه مقداری از زمینهای که از جهات چهار گانه محیط بمکه است حرم میباشد و طول و عرض آن هر يك چهار فرسخ است لکن مسافت آن از تمام جهات بمکه مساوی نیست و علاماتی از طرف جده و عرفات و سایر اطراف که وارد بمکه میشوند نصب شده است که معلوم است .

مسئله ۷۷ - مستحب است چون بحرم رسد قبل از ورود بآن پیاده شود و برای وارد شدن بحرم غسل کند و پا برهنه کند و نعلین را در دست گیرد و وارد حرم شود و در حدیث است کسی که چنین کند برای تواضع و فروتنی نسبت بخداوند متعال خداوند عالم جل و اذ کبره محو کند از او هزار گناه و بنویسد از برای او صد هزار حسنه و صد هزار حاجت او را بر آورد و مستحب است که در وقت وارد شدن بحرم ایندها را بخواند .

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَزِدَّنِي فِي
 النَّاسِ بِالنَّجْحِ بِأَنْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ
 مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنَّ
 أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ
 شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجِّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ
 مُتَّجِبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ
 عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي
 لَهُ أَتَّبِعِي بِذَلِكَ الرُّفْقَةَ عِنْدَكَ وَالقُرْبَةَ إِلَيْكَ
 وَالنِّزْلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَى مَنِيهَا
 بِمَنِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمِي
 عَلَى النَّارِ وَأَمْتِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مستحبات داخل شدن بمکه معظمه

بدانکه مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی و مشرق آفتاب هدایت اسلامی و مهبط ملائکه مقربین و محل بزرگترین و باشکوه ترین اجتماع مؤمنین و موحدین و مکان نزول امطار رحمت و مغفرت و آیات بینات الهی و مقام ابراهیم خلیل است و از این جهات و جهات بسیار دیگر مخصوصاً از جهت وجود بیت الله العرام در آن شرافت و حرمت آن بسیار است کسیکه و ارد آن شهر مقدس میشود باید فضایل و مشاهد بزرگ و شعایر اسلامی را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد تا برای ادراک برکات و فضایل آن اماکن مقدسه آماده شود و حقیقت (انما سمیت مکه لانها تمک الذنوب ای تزیلها کلها) بر صفحات حال او ظاهر شده و گناهایش آمرزیده و عیوبش بر طرف شود انشاء الله تعالی .

مسئله ۷۸ - مستحب است بجهت وارد شدن بمکه

اگر ممکن شود غسل دیگر کند و بآرامش دل و بدن با فروتنی و وقار وارد مکه شود و چون وارد مکه شود از راه بالای مکه داخل شود از عقبه (کداه) که در شمالی

مکه است و بعضی این حکم را نسبت بکسانیکه از راه مدینه میروند مختص دانسته اند و در موقع خروج از عقبه (کذا) که در جنوب مکه واقع است خارج شود.

مستحبات داخل شدن بمسجد الحرام

مسئله ۷۹- بنا بر فرموده بعضی از علماء مستحب است

غسل بجهت و وارد شدن بمسجد الحرام و مستحب است که از در بنی شیبه که مقابل باب السلام است و بواسطه توسعه مسجد در خود مسجد واقع شده است وارد شود و در کمال خضوع و خشوع و آرامش دل و بدن در نزد آن بایستد و بگوید چنانچه در خبر صحیح است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَائِ اللَّهِ
 وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 و روایت دیگر وارد است که بگوید

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَ
 عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ
 لِيهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
 مُحَمَّدٍ بَرِئِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ
 السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى
 عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
 وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ كَمَا
 صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْحَمْدُ
 إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ
 عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

وَعَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
 وَاسْتَعْلِ بِمِ طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا
 مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّتْ سَاءُ وَجْهِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ
 وَفِيكَ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِنْ يَوْمٍ مَسَاجِدُ وَجَعَلَنِي مِنْ
 يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَىٰ كُلِّ
 مَا تِي حَنْ لِي مِنْ آتَاهُ وَزَارَهُ وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تِي وَكَرِيمُ مَزُورِ
 فَاسْئَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 وَحَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ
 وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ
 رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ
 يَا مَا جِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ اسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ يَا

بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ
 النَّارِ بِسْمِ رَبِّكَ يُكُونُ اللَّهُمَّ فَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
 بِسْمِ رَبِّكَ وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَذْرَهُ
 عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرَّفَعَهُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ
 بِسْمِ رَبِّكَ وَسُجُودِي وَسُجُودِي بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسْمِ رَبِّكَ وَرُوحِي كَجِبِ
 مَعْتَبِرٌ مِنْ كِبْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ
 مَنَاسِكَ أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ
 تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ
 مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ

جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ
 رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْفُقْرَانِ
 لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَانْتَعِلْ لِي
 بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ
 پس خطاب کعبه کن و بگو

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَ
 جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مَبَارَكًا وَهُدًى
 لِلْعَالَمِينَ

و چون نظر بحجبه الاسود افتد و بسوی او کند و گوید

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
 لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ خَلْقِهِ

وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا آخِشْتَنِي وَأَخَذَرُوا لِإِلَهِ الْإِلَهِ
 وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَيَاةُ الْحَيَّةُ وَ
 يُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ
 الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
 وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَسَلَامٌ عَلَى
 جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ
 وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ

پس تثنائی روانه شود کلاماً که از ترس غداً بپوشن نیز در یک صحیح الاسوری
 دستها بردار و حمد و تسبیحی که می بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و بگو اللهم تقبل منی

پس دست و رو و بدن را بجز الاسود میمالی و میبوسی اورا و اگر
 نتوانی بوسی دست بمال و اگر نتوانی دست را بمالی اشاره بکن و بگو
 اللَّهُمَّ آمَانَتِي أَدِيْتُهُمَا وَمِثْلَانِي تَعَاهِدْتُهُ لِتَشْهَدَ بِي
 بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكَيْفَايِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمِنْتُ بِاللَّهِ
 وَكَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّائِيَةِ الْعُرَى وَ
 عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةَ كُلِّ نَدِيدٍ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَكَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ حَبْلٌ
 اللَّهُمَّ أَلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ غَيْبَتِي
 فَاقْبَلْ سَجَّتِي وَأَعْفِرْ لِي وَأَرْحَمْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي آعُوذُ
 بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخَيْرِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و بعد از آن شروع بطواف کند .

احکام طواف عمره تمتع

مسئله ۸۰- کسی که وظیفه او عمره تمتع است بعد از احرام و وارد شدن به مکه معظمه واجب است هفت شوط طواف کند یعنی هفت مرتبه دور کعبه بگردد که آن را طواف عمره تمتع میگویند .

مسئله ۸۱- طواف رکن عمره است یعنی اگر کسی عمداً طواف را ترك کند و وقتش بگذرد عمره او باطل است و موقعی وقت آن میگذرد که نتواند پیش از وقوف بعرفات آن را بجا آورد چه مسئله را بدانند و چه ندانند و در این حال حج او افراد می شود و باید با همان احرام بعرفات برود و کارهای حج را انجام دهد و بعد از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال دیگر نیز باید حج خود را بجا آورد ولی کسیکه حج تمتع او بواسطه عذری چنانچه گفته خواهد شد بدل با فردا شود بعد از تمام کردن حج افراد و بجا آوردن عمره مفرده بتکلیف خود عمل کرده و دیگر در سال بعد حج بر او

لازم نیست .

مسئله ۸۲- اگر کسی طواف را فراموش کند باید

هر وقت بنخاطرش آمد آنرا انجام دهد و اگر بعد از رفتن

بشهرش یادش آمد و بر گشتن برای او ممکن نباشد یا

دشوار باشد کسی را نایب بگیرد که از طرف او طواف

را بجا آورد .

مسئله ۸۳- کسیکه طواف را فراموش کرده سعی

را بجا آورده باشد بنا بر احتیاط لازم باید خود یا نایبی که

از طرف او طواف را بجا آورد سعی هم بنماید .

مسئله ۸۴- اگر مریض نمیتواند طواف کند او را

بطوری طواف دهند که پاهایش بر زمین کشیده شود و اگر

ممکن نشود او را توسط دوش یا چیز دیگر طواف دهند

و اگر هیچ گونه ممکن نشود نایب بگیرد که از برای او

طواف کند .

شرایط طواف

در طواف پنج چیز شرط است .

اول آنکه با طهارت باشد پس محدث بحدث اکبر

یا اسفر طواف واجب از او باطل است اگر چه از روی فراموشی یا جهل بحکم باشد .

مسئله ۸۵ - اگر در وقتیکه مشغول طواف است وضوء

یا غسل او بی اختیار باطل شود یا عذر دیگری برایش پیدا

شود که نتواند طواف را تمام کند پس اگر شوط چهارم را

تمام کرده است از همانجا طواف را رها کند و بعد از وضوء

یا غسل یا بعد از رفع عذر طواف را از همانجا که رها کرده

تمام کند و اگر پیش از تمام کردن شوط چهارم بوده اگر

بسه شوط و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از وضوء

یا غسل یا بعد از رفع عذر طواف را از سر بگیرد و اگر بسه

شوط و نیم رسیده و شوط چهارم را تمام نکرده احتیاط واجب

آنستکه بعد از وضوء یا غسل یا بعد از برطرف شدن عذر

باقیمانده را از همانجا که رها کرده تمام کند و دور کعت

نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف کند و دور کعت

دیگر نماز طواف بجا آورد .

مسئله ۸۶- کسیکه قبل از طواف یادربین طواف

قبل از تمام شدن هفت شوط شك کند که غسل کرده یا وضوء گرفته یا نه یا بداند که حدثی از او صادر شده و غسل یا وضوء هم گرفته ولی نداند کدام جلوتر بوده باید غسل کند یا وضوء بگیرد و بعد طواف کند و اگر بعد از طواف شك کند اعتناء بآن شك نکنند و کسیکه شك کند که وضوء یا غسلش باطل شده یا نه بآن شك اعتناء نکنند و طواف را بجا آورد چه قبل از طواف باشد و چه در بین وجه بعد از طواف .

مسئله ۸۷- اگر کسی بواسطه عذری نتواند وضوء

بگیرد یا غسل کند احتیاط واجب آنستکه صبر کند تا عذرش برطرف شود و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود باید بدل از غسل یا وضوء بجهت طواف تیمم کند بطوریکه در تیمم نماز عمل میکند و کسیکه تیمم بدل از غسل جنابت کرده بعد از آنکه خودش طواف را بجا آورد احتیاطاً نایب هم بگیرد .

مسئله ۸۸- اگر آب برای وضوء یا غسل و چیزی یک

بآن تیمم کند نباشد و مأیوس از تحصیل آنها باشد باید

نائب بگیرد و احتیاط واجب آنستکه خودش نیز طواف کند
اگر جنب نباشد یا غسل حیض و نفاس بر او نباشد و الا
رفتن در مسجد الحرام بر او حرام است .

مسئله ۸۹- زن حیض بعد از پاک شدن و قبل از غسل
حکم او حکم جنب است در وجوب غسل با امکان و تیمم با
عدم امکان غسل و اگر در تمام مدتیکه در مکه است
پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نائب بگیرد و خودش
طواف نکند ولی سایر اعمال را خودش بجا آورد .

شرط دوم طواف پاک بودن بدن و لباس است
بطوریکه در نماز شرط شده است، بلکه احتیاط واجب آنستکه
در صورت امکان با خون کمتر از درهم و خون زخم و جراحت
که در نماز عفو شده نیز طواف نکند و برای طواف آنرا
بر طرف نماید و تطهیر کند و اگر بر طرف کردن و تطهیر آن
ممکن نیست احتیاط آنستکه هم خودش با آن حال طواف
کند و هم نائب بگیرد تا برای او طواف نماید .

مسئله ۹۰- اگر بعد از طواف بفهمد که لباس یا
بدنش نجس بوده طوافش صحیح است، اگر فراموش کرد
و با بدن یا لباس نجس طواف کرد احتیاط آنستکه طواف

را دو باره بجا آورد.

مسئله ۹۱- اگر در بین طواف لباس یا بد نش نجس

شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف شستن آن ممکن نباشد طواف را رها نماید و اگر چهار دور طواف کرده بعد از تطهیر بدن یا لباس سه دور دیگر طواف را تمام کند و اگر سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط واجب آنست که بعد از تطهیر از همانجا که رها کرده طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و دوباره طواف و نماز آنرا بجا آورد.

شرط سوم - آنست که مرد طواف کننده ختنه شدم

باشد پس اگر ختنه نکرده باشد طواف او باطل است و بنا بر احتیاط لازم بچه ای که ختنه نشده اگر طواف نساء کند یا او را طواف دهند طوافش باطل خواهد بود پس بعد از ختنه تا خودش یا نائیش از طرف او طواف نساء ننماید زن بر او حلال نخواهد شد.

شرط چهارم - پوشانیدن عورت است با چیزی که

مباح باشد و غصبی نباشد بلکه احتیاط آنستکه در آن تمام شرایط لباس نماز گذار رعایت شود.

شرط پنجم - آنستکه نیت کند که برای اطاعت فرمان خدا و ند عالم هفت دور طواف خانه کعبه میکنم طواف عمره تمتع از حجة الاسلام.

واجبات طواف

واجبات طواف هفت چیز است اول و دوم آنستکه طواف را در هر دور از حجر الاسود شروع کند و بحجر الاسود تمام کند و برای اینکه یقین کند در هر دور ابتداء بجزء اول حجر کرده و بجزء اول تمام کرده در طواف اول باید کمی پیش از رسیدن بحجر الاسود نیت کند و قصد کند که ابتداء در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و با همین نیت هفت دور طواف کند.

سپم - آنکه طوری طواف کند که در تمام مدتیکه بطواف مشغول است خانه کعبه طرف دست چپ او باشد

پس اگر در بین طواف رو بنخانه کعبه کند برای بوسیدن ارکان یا جهت دیگری آنکه بواسطه زیادی جمعیت پشت بنخانه یا رو بنخانه کند آن مقدار جزء طواف محسوب نمیشود و باید برگردد و آن مقدار را بطوریکه خانه کعبه بطرف دست چپش باشد بجا آورد .

مسئله ۹۲ - برای اینکه در تمام احوال طواف شانه چپ مقابل خانه باشد دستور داده اند بهتر این است که وقتی از حجر الاسود گذشت پیش از رسیدن بدر حجر اسمعیل کمی بدن را بطرف چپ خود کج کند و پیش از رسیدن در دیگر حجر اسمعیل نیز قدری بدن را بطرف راست کج کند تا شانه چپ از خانه رد نشود و مقابل هر رکنی که میرسد بهمین دستور عمل کند ولی رعایت این دقتها لازم نیست و همینکه بطور متعارف هفت شوط را انجام دهد کافی است .

چهارم - آنستکه حجر حضرت اسمعیل را که مدفن مادر آنحضرت بلکه مدفن بسیاری از انبیاء علی نبینا و آل و علیهم السلام است در طواف خود داخل کند یعنی در خارج حجر طواف کند و داخل آن نشود و چنانچه

حساب میشود خارج باشد پس اگر روی سکوی اطراف خانه که آنرا شاذروان گویند راه برود آن مقدار از طواف که بر روی آن سکو راه رفته باطل است و باید آن مقدار را بطور صحیح دوباره بجا آورد و همچنین اگر در اثنا طواف روی حجر اسمعیل برود بلکه احتیاط آنست که در بین طواف روی شاذروان دست دراز نکند برای دست مالیدن بر کنه‌ها یا غیر آن و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد تا اینکه در تمام طواف تمام بدن او از خانه و حجر خارج باشد.

هفتم - آنکه هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند و آنرا کم و زیاد نکند.

مسئله ٩٣ - اگر عمداً يك شوط یا بیشتر کم کند واجب است آنرا تمام کند در صورتیکه کاری که موالات و پی‌درپی بودن طواف را بهم میزند نکرده باشد و اگر تمام نکند تا موالات بهم بخورد حکم قطع عمدی را دارد که بعداً گفته میشود

مسئله ٩٤ - اگر سهواً کمتر از هفت دور طواف کند پس اگر از سه دور و نیم گذشته باید طواف را از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و فقط یک دور کم کرده

آنرا تمام کند و اگر بیشتر از یک دور کم کرده بنا بر احتیاط لازم آنرا تمام کند و نماز طواف بخواند و دوباره هفت دور طواف و نماز آنرا بجا آورد ولی در طواف مستحب تمام کردن کافیست
مسئله ۹۵- اگر عمداً یک دور یا بیشتر از یک دور

زیاد کند بقصد آنکه جزء طواف دیگر باشد قرآن بین طوافین است که در طواف مستحب مکروه و در طواف واجب حرام است بلکه بنا بر احتیاط لازم سبب باطل شدن طواف میشود چه آنکه از اول طواف این قصد را کرده باشد یا در بین یا در آخر و اگر بقصد لغویت آنرا بجا آورده باشد ضرری بطواف نمیزند و اگر بقصد آنکه جزء طواف اول باشد بجا آورد پس اگر از ابتدای طواف قصد داشته بی اشکال طوافش باطل است و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل میشود و اگر در آخر طواف قصد کند مشهور فرموده اند طوافش باطل است ولی احتیاط اینست که نماز طواف را بخواند و بعد طواف را با نماز آن اعاده نماید.

مسئله ۹۶- اگر از روی فراموشی بر هفت شوط زیاد کند پس اگر کمتر از یک دور است آنرا باطل کند و طواف او

صحیح است و اگر از يك شوط یا بیشتر زیاد کند طواف واجب او صحیح است و مستحب است که آنچه را زیاد کرده بقصد قربت مطلقه بهفت دور برساند و در این صورت احتیاط آنستکه يك نماز طواف پیش از سعی جهت طواف واجب و يك نماز طواف بعد از سعی جهت طواف مستحب بدون تعیین بجای آورد و بهتر آنستکه بعد از غسل باین احتیاط اصل طواف و نماز آنرا دو باره بجای آورد

مسئله ۹۷ - اگر بعد از طواف شك کند در عدد دورهای آن بآن شك اعتناء نکند و اگر در آخر یکی از دورها شك کند که آن شوط هفتم بوده یا هشتم بناء گذارد که دور هفتم بوده است و اگر در بین شوطی شك کند که هشتم است یا هفتم بعضی فرموده اند طواف او باطل است و آن اجوط است و اجوط از آن اتیان بنماز طواف و اعاده طواف با نماز آنست .

مسئله ۹۸ - اگر یقین داشته باشد که بیشتر از هفت شوط طواف نکرده و شك در عدد آن کند وجوب از سر گرفتن طواف مخالی از قوت نیست و احتیاط آنستکه بناراً بر اخل گذارد و تمام کند و نماز طواف بخواند و

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ
 كَأَيْمَتِهِ عَلَى حُدِّ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ
 لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
 مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ حَبَّةُ
 مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَفَرْتَ بِهِ لِحْدَيْ صَلَاةِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَمَّنْتَ عَلَيْهِ
 نِعْمَتَكَ أَنْ (تفعل بكذا وكذا)

و حاجت خود را بطلب و سنت است که در حال طواف نیز گوئی

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُتَجِرٌ فَلَا تُغَيِّرْ
 حَيْثِي وَلَا تُبَدِّلْ إِنِّي

بخوان
 در هر شوط که بدر خانه کعبه رسی صلوات بر محمد و آل محمد بفرست این دعا را

سَأَلْتُكَ فَقِيرٌ مِثْلُكَ بِبَابِكَ فَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ
 هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِيقْنِي
 وَوَالِدَتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ
 يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ

و چون بجز حضرت اسمعیل علی بن سینا و آل و علیہ السلام رسد نگاه بنا و در آن
 طلا کند و بگوید

اللَّهُمَّ آذِنِي لِجَنَّةِ الْجَنَّةِ وَآجِرِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ
 غَافِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ
 اذْرَعْ عَنِّي شَرَفَقَةَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَفَقَةَ الْعَرَبِ وَ
 الْعَجَمِ

و چون از حجر بگذرد و پیش کعبه رسد بگوید

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَلَيَّ ضَعِيفٌ

فَضَاعِفْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و چون بر کن بپای رسد دست بردارد و بگوید

يَا اللَّهُ يَا وَليَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ

وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى

جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ

وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس بر جانب کعبه بالا کند و بگوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَشَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

تَعَتَّ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا أَمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ

لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ

و چون میان رکن بپای و حجر الاسود برسد بگوید :

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ .

و چون در شوط پنجم مستحجار رسد و آن نیست کعبه است نزدیک زکریا عیسی
برابر در خانه بایستد و دستها را بکشد بخانه و روی خود و شکم خود را برساند
کعبه و گوید :

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَدُّ عِنْدَكَ وَهَذَا مَقَامُ
الْعَائِدِيكَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّاحُ وَ
الْفَرْحُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيَّ ضَعِيفٌ
فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفِرْ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ
عَلَى خَلْقِكَ اسْتَجِرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ (و گوید) اللَّهُمَّ
إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ وَأَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا
وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ

يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْعَصِ خَلْقِهِ اِذْ قَالَ اَنْظِرْنِي اِلَى

يَوْمٍ يُبْعَثُونَ اسْتَجِبْ لِي بِرَحْمَتِكَ خُودِ اِبْطَلِ و عَابِسِ

بکن وقت را بگنایان خود هر چه دانی مفصلاً بکن و هر چه را بخاطر گذشته باشی

مجلساً اقرار کن و طلب آمرزش کن که بسته آرزیده میشوی نشاء الله تعالی پس

چون بجز الاسودرسی بگو :

اللّٰهُمَّ قِنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ فِيمَا اَتَيْتَنِي

و میباشد کمال ملاحظه کند در هر مرتبه که میرود حجر ابو سدید دست ببالد ارکان

و برگردد یا خود را بستجا بسیار ایشان کند و چون

این عمل را بجا آورد باز بجای خود رود و از آنجا

روان شود تا زیاده و کم در طواف حاصل نشود

۳- نماز طواف

مسئله ۱۰۰ - واجب است بعد از هر طواف واجب

دو رکعت نماز مثل نماز صبح به نیت نماز طواف در نزد
مقام حضرات ابراهیم بجا آورد و احتیاط آنستکه نماز
را بعد از طواف فوراً بخواند و نیز احتیاط آنستکه نماز
را در پشت مقام بخواند یعنی طوری بایستد که سنگی
که نشانه پای حضرت ابراهیم بر آنست رو بروی او
باشد و اگر برای زیادی جمعیت نتواند درجائی بایستد
که عرفاً بگویند پشت مقام ایستاده باید در یکی از دو طرف
مقام بایستد و نماز بخواند و اگر آنهم ممکن نباشد
در هرجائی از مسجد که به پشت مقام و دو طرف آن
نزدیکتر است نماز را بخواند و احتیاط آنستکه هر وقت
توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند.

مسئله ۱۰۱ - نماز طواف مستحب را میتوان در هر

جای از مسجد بجا آورد بلکه بعضی فرموده اند که ترك

آن عمداً جایز است

مسئله ۱۰۲- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش

کرد هر وقت بیادش آمد باید در پشت مقام و اگر ممکن

نشد در یکی از دو طرف آن و گرنه در هر جا از مسجد

که نزدیکتر باشد بجا آورد و اگر سعی و کارهای دیگر

را بجا آورده لازم نیست دوباره بجا آورد اگر چه احوط

آنستکه کارهای بعد از نماز را هم دوباره انجام دهد

مسئله ۱۰۳- بنا بر آنکه ترتیب در بین نماز طواف

و کارهای بعد از آن معتبر باشد بعضی فرموده اند که کسیکه

واجبات نماز مثل قرائت و غیر آن را نداند عمره او باطل

است و از حجة الاسلام بریء الذمه نخواهد شد پس علاوه

بر آنکه برای نمازهای واجب دیگر لازم است انسان

قرائت صحیح و احکام واجب نماز را بیاموزد در وقتی که

اراده حج دارد نیز بساید قرائت خود را صحیح نموده و

واجبات نماز را یاد بگیرد و اگر ممکن نشود نماز طواف

را بجماعت بخواند ولی اکتفاء بآن اشکال دارد پس احتیاط

آنستکه بطور فرادی نیز بخواند و اگر نایب هم بگیرد

جهت نماز بهتر و مطابق با احتیاط است .

مسئله ۱۰۴ - کسیکه نماز طواف را فراموش کرده

اگر بر گشتن بمسجد برایش دشوار باشد میتواند آنرا در هر محلی که یادش آمد بخواند هر چند در شهر دیگر باشد و احتیاط آنستکه هم خودش در جائیکه بنخاطرش آمده بخواند و هم کسی را نایب بگیرد که در مقام بجای آورد .

مسئله ۱۰۵ - اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش

کند و پیش از بجا آوردن آن بمیرد باید پسر بزرگتر قضای آنرا بجا آورد مثل سایر نمازهاییکه از میت فوت شده .

مستحبات نماز طواف

مستحب است که در رکعت اول نماز طواف بعد

از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد

سوره «قل یا ایها الکافرون» بخواند و چون از نماز فارغ شود

حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بفرستد و بگوید :

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي الْحَمْدُ
 لِلَّهِ بِمَا مَدَّ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَاتِهِ كُلِّهَا حَتَّى يُلْتَمَى الْحَمْدُ
 إِلَى مَا يَحِبُّ وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي .

و در بعضی ار روایات وارد است که بگوید :

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَتِي رَسُولَكَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَعْدَى
 حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ يَحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَئِكَتِكَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

پس بسجده رود و بگوید :

تَجِدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقَالًا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا
 أَوَّلُ قَبْلِ كَلِمَتِي وَالْآخِرُ بَعْدَ كَلِمَتِي وَهَذَا أَنَا
 ذَابِنٌ يَدِيكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
 الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى
 نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ (فَاعْفِرْ لِي)

۴ - سعی

مسئله ۱۰۶ - بعد از نماز طواف و اجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند یعنی از ابتداء صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کسی بمروه برود و این یک مرتبه حساب میشود و از مروه به صفا بر گردد که با رسیدن به صفا دو مرتبه سعی کرده است پس بهر رفتن از صفا به مروه و بر کشتن دو سعی حاصل میشود و باین ترتیب سعی را بجا آورد سعی هفتم در مروه تمام میشود.

مسئله ۱۰۷ - سعی مثل طواف رکن است و اگر کسی آنرا عمدتاً یا سهواً انجام ندهد حکمش حکم انجام ندادن

طواف است کہ سابقاً شرح داده شد (مسئله ۸۱ ص ۵۵۵)

مسئله ۱۰۸ - در سعی وضوء و غسل و پاک کردن بدن و

لباس و پوشیده شدن عورت شرط نیست ولی احتیاط مستحب
آنستکه با غسل یا وضوء باشد.

مسئله ۱۰۹ - اگر کسی پیش از طواف سعی کرده

احتیاط واجب آنستکه دوباره آنرا بجا آورد.

واجبات سعی

مسئله ۱۱۰ - نیت پذیر در سعی واجب است :

اول - نیت است پس اگر سعی او برای عمره تمتع است

چنین نیت کند کہ برای انجام فرمان خداوند عالم نیت

مرتبه سعی عمره تمتع - حجۃ الاسلام را بین صفا و سروه بجا

میاورد و مستحب است نیت را بزبان بیاورد و باید پیش از

شروع سعی نیت کند کہ از اول جزء آن با نیت باشد و

احتیاط مستحب آنستکه چهار پله از صفا بالا رود و در

آنجا قصد کند و تا وقتی کہ پائین میآید به نیت خود باقی باشد

دوم و سوم - آنستکه سعی را از صفا ابتداء و بد

مرز تمام کند باین قسم کہ پاشنه پا را بچسباند بدجزء

اول مسافت و از آنجا برود تا برسد به سروه به قسمیکه

انگشت پارا برساند. به پله که از آن بمروه بالا میروند و احتیاط مستحب آنستکه موقع حرکت از هفت یا چهار پله از صفا بالا رود و شروع سعی کرده برود تا مروه و از آنجا نیز چهار پله بالا رود و باین ترتیب سعی را تمام کند.

چهارم - آنستکه هفت مرتبه سعی کند نه کمتر و نه

بیشتر.

سنت ۱۱۱ - اگر عمداً بیشتر از هفت بار سعی کند

سعی باطل میشود و اگر از جهت ندانستن مسئله یا اثر اموشی زیاد کند سعی صحیح است و بعضی فرموده اند اگر از راه فراموشی یک مرتبه یا بیشتر زیاد کرد مستحب است آن را به هفت بار برساند که سعی دیگر باشد.

سنت ۱۱۲ - اگر سهواً سعی را از هفت مرتبه کمتر

بجا آورد باین صورت بیادش آمد بقیه آن را انجام دهد و اگر از مکه بیرون رفته اگر چه بوطنش رسیده باشد باید برگردد و آن را بجا آورد و اگر نتواند برگردد باید نایب بگیرد و احتیاط مستحب آنستکه اگر چهار مرتبه سعی نکرده آن را از سر بگیرد.

• **مسئله ۱۱۳** - کسیکه سهواً از هفت مرتبه کمتر سعی کند آنچه بر او بسبب احرام حرام شده تا بقیه سعیش را انجام ندهد حلال نمیشود .

• **مسئله ۱۱۴** - اگر بعد از منصرف شدن از سعی شك در عده آن کند یا آن شك اعتناء نکند و سعیش صحیح است لکن اگر احتمال میدهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده احتیاط مستحب آنست که دوباره سعی کند .

• **مسئله ۱۱۵** - اگر در بین آنکه مشغول سعی است و در مروه میباشد شك کند که هفت بار سعی کرده یا بیشتر بشکش اعتناء نکند و بنا را بر تمام گذارد .

• **مسئله ۱۱۶** - اگر در بین صفا و مروه شك کند که این مرتبه هفتم است یا هشتم سعی باطل است و باید از سر بگیرد .

• **پنجم** - آنستکه رفتن به مروه و بر گشتن از آن از راه معمولی باشد پس اگر از میان مسجد الحرام یا از راه سوق اللیل مثلاً به مروه رود یا از مروه به صفا بر گردد صحیح نیست .

ششم - آنستکه در وقت رفتن به مروه رو به مروه باشد و در وقت برگشتن به صفار و به صفا باشد پس اگر بطور قهقری برود و برگردد که در وقت رفتن به مروه رویش به صفا و در برگشتن رویش به مروه باشد سعیش صحیح نیست.

هفتم - آنستکه لباس و نعل او مباح باشد بلکه بنا بر احوط چیز غصبی همراه نداشته باشد و اگر سواره سعی میکند باید مرکب او غصبی نباشد.

هشتم - از واجبات ترتیب بین طواف سعی است و اگر فراموش کرده یا بجهت نداشتن مسئله پیش از طواف سعی کرده احتیاط واجب آنست که دو باره آنرا بجا آورد.

مسئله ۱۱۷ - مستحب است کسیکه میخواهد سعی کند نزد حجر الاسود برود و آنرا ببوسد و دستها یا بدن را بآن بمالد یا اشاره کند پس به نزد چاه زمزم رود و بخود يك دلو آب بکشد و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد و ایندعا را بخواند :

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِّنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ

پس متوجه صفا شود از دریا که محاذی حجر الاسود است و آن بیت که حضرت رسول خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِنَّ اَنْ بَيْرُنُفْت بَارَامِ دَلُّنُ بَرُودِ بِالَاي كُوه صفا تا نظر کنند

بخانه کعبه ورود بر رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و از نعمتهای الهی

بخطا آورد پس هفت نوبت اَللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید و هفت نوبت الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَهَفْت نوبت

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
پس سه مرتبه بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و بر سه نوبت بگوید

اللهُ اَكْبَرُ عَلٰى مَا هَدَيْنَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مَا اَوْلَانَا

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ

پس یہ نوبت گوید ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ
 اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و یہ مرتبہ گوید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْبَقِيَّةَ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ

پس یہ مرتبہ گوید

اَللّٰهُمَّ اِتِّبَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
 وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ پس یہ مرتبہ گوید اَللّٰهُمَّ اَكْبِرْ
 وَ صِدْرَتِيْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ ، بُوَيْدٌ ، وَ صِدْرَتِيْ بِالحَمْدِ لِيْلِهِ

گوید و صد نوبت ، سُبْحَانَ اللهِ ، پس گوید ،

لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعَدَهُ

وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَخْرَابَ وَوَحَّدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ
 وَلَهُ الْحَمْدُ وَوَحَّدَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا
 بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ
 وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا
 ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ

و بسیار تکرار کن سپردن بن و نفس اهل خود را بخداوند عالم و بگو
 اَسْتُوذِعُ اللهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضَعُ وَذَائِعُهُ
 دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي اللَّهُمَّ
 اسْتَعِظْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَقَّئْنِي عَلَى يَمِينِهِ
 وَأَعِذْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ پس سه نوبت بگوید (الله اکبر)
 پس دو مرتبه دعای سابق را بخواند پس یکبار تکبیر بگوید و بخواند دعای
 سابق را و اگر همه عمل کند شکر استخواند بخواند پس هر قدر که می تواند بخواند .

مستحب است کہ این دعا بخواند: اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ كُلَّ ذَنْبٍ
 اَزَيْبَتْهُ قَطُّ اِنَّ عُدَّتْ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَاِنَّكَ
 اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُمَّ اَفْعَلْ لِيْ مَا اَنْتَ اَمْلُهُ
 فَاِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ لِيْ مَا اَنْتَ اَمْلُهُ تَرْحَمْنِيْ وَاِنْ تَعْدِيْنِيْ
 فَانْتَ غَنِيٌّ عَنِّيْ عَذَابِيْ وَاَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِكَ فَاَمَنْ
 اَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِهِ اِزْحَمْنِيْ وَلَا تَفْعَلْ لِيْ مَا اَنَا
 اَمْلُهُ فَاِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ لِيْ مَا اَنَا اَمْلُهُ تَعْدِيْنِيْ وَلَمْ
 تَطْلُبْنِيْ اَصْحَبْتُ اَتَقِيْ عَذَابَكَ وَلَا اَخَافُ جَوْرَكَ
 فَاَمَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُوْرُ اِزْحَمْنِيْ

پس گو:

يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَالْحَمْدُ وَاَعِدْ لِيْ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

و در حدیث است که کسی که خواهد مال زیاد شود پس باید که طول دهد

ایستادن در صفار و در پایه چهارم رو بکعبه ایستد عار بخواند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَ

عُرْبِيَّةٍ وَوَحْشِيَّةٍ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَضَنْكِهِ اللَّهُمَّ

أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ

پس از آن پایه پائین آید و پشت خود را بر زمین کند و بگوید :

يَا رَبِّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ

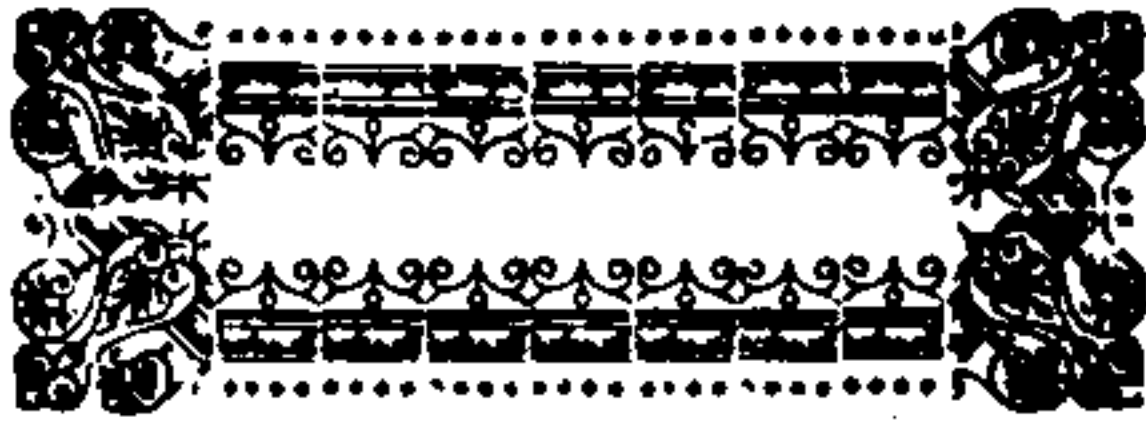
يَا مَنْ يُثَبِّتُ عَلَى الْعَفْوِ الْعَفْوَ الْعَفْوَ يَا جَوَادُ

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ أُرْدُدُ عَلَى

نِعْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَايِكَ

(مستحبات سعی)

مسئله ۱۱۸ - مستحب است که پس از نماز طواف مبادرت سعی کند و در حال طواف بدن و لباس او پاک و با وضو یا غسل باشد و از صفا تا مناره متوسط راه برود یعنی نه تند برود نه کند و از آنجا تا بازار عطاران را اگر مزد باشد هر وله کند یعنی مثل شتر قدمها را کوتاه و تند بردارد و اگر سواره باشد بطوریکه بکسی اذیت نرسد هر کب خود را حرکت دهد و از بازار عطاران متوسط راه برود و برای زنها هر وله مستحب نیست و چون بمناره رسد بگوید :



بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَأَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ أَنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ وَأَهْدِنِي لِللِّقَى هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ
 إِنَّ عَلِيَّ ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي اللَّهُمَّ مَلِكُ
 سَعْيِي وَبِكَ خَوْفِي وَتَوَوُّدِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَلِيَّ يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ

الْمُتَّقِينَ (پس تند برود تا بنساره دیگر برسد چون از آنجا گذرد)

يَا ذَا الْمَرَّةِ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ (بگوید)

اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

و چون برود رسد دعای اول را بخواند که در صفا خواند و بگوید

اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ

يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ

الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ

وسعی کند در گریز کردن و خود را بگریزیدارد و دعای بسیار کند در

حال سعی و این دعا را بخواند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ

حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

و اگر هر روزه را فراموش کرد هر جا بنحاطرش
آمد بطور قهقری بر گردد تا بموضع هر روزه برسد پس
هر روزه کند .

۵- تقصیر

مسئله ۱۱۹- بعد از تمام شدن سعی باید تقصیر کند
یعنی بقصد حلال شدن چیزها-ائیکه در عمره تمتع
حجۃ الاسلام بر او حرام بوده برای انجام فرمان خداوند
عالم مقدری از ناخنها یا موی سر یا ریش یا شارب خود را
بچینند و تراشیدن سر در عمره تمتع کافی نیست بلکه حرام است .
مسئله ۱۲۰- اگر کسی تقصیر را فراموش کند و تا
بعد از احرام حج یا ادش نیاید عمره او صحیح است و بنا
بر احتیاط واجب يك گو سفند کفارہ بر او واجب میشود .

مسئله ۱۲۱ - اگر کسی عمداً تقصیر را ترک کند تا محرم بحج شود عمره تمتع او باطل است و حج او حج افراد میشود پس باید حج را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب بعد از حج يك عمره مفرده بجا آورد و سال بعد نیز دوباره حج کند.

مسئله ۱۲۲ - بعد از تقصیر هر کاریکه بر او بسبب احرام حرام شده بود غیر از تراشیدن سر حلال میشود ولی تراشیدن سر بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و اگر بخواهد کاملاً با احتیاط رفتار کند بعد از تقصیر طواف نساء و نماز آنرا نیز بامید اطاعت فرمان خداوند متعال بجا آورد هر چند اقوی آنستکه در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست و وجوب آن مخصوص بحج و عمره مفرده است خواه واجب باشد یا مستحب.

مسئله ۱۲۳ - اگر وقت بقدری تنگ باشد که اگر بخواهد در وقت ورود بمکه عمره تمتع را بجا آورد بوقوف به عرفات نرسد یا زن حایض اگر بخواهد صبر کند تا پاک شود و طواف را بجا آورد وقت و قوف به عرفات میگذرد باید بجای حج تمتع حج افراد بجا آورد

پس اگر بواسطه عذری مثل مرض و نسیان و ندانستن مسئله از میقات احرام نبسته است از مکه احرام بندد و اگر در میقات بجهت عمره تمتع احرام بسته است از نیت احرام تمتع برگردد بنیت احرام حج افراد و بعرفات رود و بعد از ظهر روز نهم ذیحجه بدستوریکه بعداً گفته میشود در عرفات بماند و بعد از مغرب به مشعر الحرام رفته و شب را در آنجا بماند و پیش از طلوع آفتاب به منی برود و روز عید در منی بجمره عقبه که اسم محلی است سنگ ریزه بیندازد و سر خود را بتراند ولی چون حج او افراد شده قربانی بر او واجب نیست و بعد از تراشیدن سر در همانروز یا روز بعد بمکه برود و طواف حج و دو رکعت نماز طواف را بجا آورد و بعد بین صفا و مروه سعی نموده و بعد از سعی طواف نساء و دو رکعت نماز آنرا بجا آورد و به منی برگردد و شب یازدهم را در منی بماند و روز یازدهم و دوازدهم بسه جمره سنگ ریزه بیندازد و بعضی از حاجیان که بعداً گفته میشوند شب سیزدهم را هم باید در منی بمانند و در روز سیزدهم بسه جمره سنگ بیندازند و بعد از تمام

شدن این اعمال باید از حرم بیرون رود و بنیت عمره مفرده محرم شود و بمکه بر کرده و طواف و سعی و طواف نساء و تقصیر را بطوریکه شرح داده شد انجام دهد و اگر بدون عذر در میقات احرام نبسته احرام بستن او از مکة محل اشکالست

مسئله ۱۲۴ - هر گاه زن پیش از احرام از میقات حائض باشد به نیت عمره باید محرم شود و وارد مکة شود پس اگر پیش از موقع وقوف بعرفات و مشعر پاک شود که عمره را بجای آورد و بعد عمل حج را انجام دهد و اگر پیش از وقوف بعرفات و مشعر پاک نشد حکم آن شرحی است که در مسئله پیش گفته شد.

مسئله ۱۲۵ - اگر در وقتی عمره تمتع را باطل کند که وقت آنکه دو باره آنرا بجای آورد نداشته باشد باید حج افراد کند و بعد از آن عمره مفرده بجای آورد و بنا بر احتیاط واجب باید سال بعد حج تمتع را بجای آورد.

مسائل حج تمتع

مسئله ۱۲۶ - چنانچه دانسته شد حج تمتع مرکب است از عمره تمتع و حج تمتع و گذشت که کسیکه تکلیف او حج تمتع است باید اول عمره تمتع را بجای آورد و پس از

انجام اعمال عمره تمتع بشرحیکه گفته شد واجب است جزء دیگر حج تمتع را که بآن نیز حج تمتع گویند بجا آورد و واجبات آن سیزده چیز است :

(اول) احرام (دوم) وقوف بعرفات یعنی ماندن در عرفات که معروف است و در چهار فرسخی مکه است (سیم) وقوف بمشعر الحرام که بآن مزدلفه و جمع نیز می گویند و بین منی و عرفات است (چهارم) و (پنجم) و (ششم) اعمال منی است که می باشد و اعمال آن در روز عید انداختن سنگ ریزه بر جمره عقبه و قربانی کردن و تراشیدن سر یا گرفتن کمی از ناخن یا موی سراسر است (هفتم) طواف زیارت (هشتم) دور کعبت نماز طواف زیارت (نهم) سعی بین صفا و مروه (دهم) طواف نساء (یازدهم) دور کعبت نماز طواف نساء (دوازدهم) ماندن در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه و بر بعضی حاجیان واجب است که شب سیزدهم را نیز در منی بمانند (سیزدهم) انداختن سنگ ریزه بر سه جمره در منی در روز یازدهم و دوازدهم و بعضی باید در روز سیزدهم هم بجره سنگ ریزه بیندازند و احکام هر یک از اینها بطور مفصل بیان میشود انشاء الله تعالی .

احرام حج

مسئله ۱۲۷ - بعد از تمام شدن عمره تمتع واجب است محرم شدن برای حج تمتع و وقت آن موسع است ولی اگر وقت بقدری تنگ شود که اگر در آن وقت محرم نشود وقوف بعرفات در روز عرفه (نهم ذی حجه) از او فوت شود باید فوراً محرم شود که روز عرفه و وقوف بعرفات را درك کند.

مسئله ۱۲۸ - پیش از روز ترویبه (هشتم ذی حجه) احرام بستن جایز است ولی احتیاط آنست که پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود و احتیاط مستحب آنست که در روز ترویبه محرم شود.

مسئله ۱۲۹ - در احرام حج تمتع نیز نیت لازم است پس باید نیت کند که احرام می بندم برای حج تمتع یعنی بر خود قرار میدهم ترك کار هائیکه در حال احرام حرام است در حج تمتع بجهت اطاعت فرمان خداوند عالم و دستور احرام و کار هائیکه در حال احرام ترك آنها واجب است بشرحی است که در احرام عمره گفته شد.

مسئله ۱۳۰ - محل احرام بستن برای حج تمتع مکه است که در هر جای آن محرم شود کافی است ولی مستحب

اسبت که در مسجد الحرام در مقام حضرت ابراهیم یا در حجر اسمعیل محرم شود.

مسئله ۱۳۱- اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسئله محرم نشود تا برود بمنی یا عرفات و قبل از اعمال ملتفت شود باید به مکه بر گردد و محرم شود و با احرام اعمال را بجا آورد و اگر برای تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند بر گردد احتیاط آنستکه هر قدر میتواند بر گردد و اگر نتوانست بر گردد واجب است از همانجائیکه ملتفت شده محرم شود.

مسئله ۱۳۲- اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله محرم نشود و بعد از تمام کردن اعمال حج ملتفت شود حجش صحیح است ولی اگر بعد از گذشتن وقت وقوف بعرفات و مشعر الحرام و یا پیش از تمام شدن سایر اعمال حج بفهمد که محرم نشده احتیاط آنستکه فوراً همانجا محرم شود و حج را تمام کند و سال آینده دوباره بجا آورد اگر چه بعید نیست جواز اکتفاء بآن.

مسئله ۱۳۳- اگر کسی عمداً برای حج محرم نشود تا وقت وقوف بعرفات و مشعر بگذرد حج او باطل است.

مستحبات احرام حج تا وقت وقوف بهرفات

مسئله ۱۳۴ - بهترین اوقات احرام بستن برای حج روز ترویبه بعد از نماز ظهر است و اگر ممکن نشد بعد از نماز عدزو اگر ممکن نشد بعد از نماز واجب دیگر اگر چه نماز قضا باشد و اگر نماز قضا هم بر ذمه نداشته باشد بعد از نماز احرام که اقل آن دو رکعت است محرم شود بنحویکه در احرام عمره شرح داده شد و بهترین جاهای مکه برای احرام مسجد الحرام است و بهترین جا در مسجد الحرام برای احرام حجر اسمعیل یا مقام حضرت ابراهیم است پس در آنجا بعد از پوشیدن جامه احرام و کارهائیکه پیش از این در احرام عمره گذشت نیت کند ولبیکها را بدستوریکه در احرام عمره گذشت بگوید ولی در عوض کلماتی که مخصوص بعمره است کلمات دیگر بگوید مثلا عوض (وهذه عمره متعة الى الحج) بگوید (وهذه حجة تمتع) و چون مشرف بر ابطح شود صدای بماند تلبیہ بگوید و چون متوجه منی شود بگوید :

اللَّهُمَّ إِنَّا أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي
 وَأَصِلْ لِي عَمَلِي وَبَارِكْ لِي فِي دَلِّي وَبَارِكْ لِي فِي سَبِيحِي وَتَقْدِيرِي وَذِكْرِي
 حَقَّ تَعَالَى وَحُجْرَتِي بِمَنِي رَسَدٌ بِكُؤُودِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 أَقْدَمَنِي بِهَا صَالِحًا لِحَاجَتِي وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ
 بِسَبْحِي اللَّهُمَّ هِدِي مِنِّي وَفِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا
 مِنَ الْمَنَائِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى
 أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ

سنت است که شب عرفة در منی باشد و مشغول طاعت الکی باشد و بهتر است که
 این عبادت‌ها را خصوصاً نماز مادر مسجد خیف بخواند و چون نماز صبح خواند
 تعقیب بخواند تا طلوع آفتاب در وانه عرفات شود و اگر خواهم بعد از طلوع صبح
 روانه شود ولیکن سنت بکرا حوط است که از وادی محسره در نشود تا آفتاب طلوع
 نشود و کرد هست که پیش از صبح روانه شود و از بعضی حرمت حکایت کرده اند

مگر از جهت ضرورتی مثل بیماری و سبک خوف از دو حام خلق داشته باشد
و چون متوجه عرفات شود این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ
أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَتَقْضِيَ لِي
حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ تِبَاهِي بِهَذَا الْيَوْمِ مِنْ هُوَافِئِكَ
(مِنِّي)

و تلبس بگوید تا بعرفات رسد و چون رسید خیمه اش را

در میز آن نزدیک نزدیک فالت

در حج از عرفات تا اقصی

متصل بان از عرفات

نیست

در حج از عرفات تا اقصی

وقوف بعرفات

مسئله ۱۳۵ - واجب است بر کسیکه حج بجا می -

آورد ماندن در عرفات و بنا بر احتیاط واجب وقت آن از ظهر روز عرفه (نهم ذیحجه) است تا مغرب پس باید در تمام وقت در آنجا بماند و از حدود عرفات از ظهر تا مغرب خارج نشود و در ماندن در عرفات فرق نمیکند که پیاده باشد یا سواره راه برود یا نشسته باشد یا خوابیده

مسئله ۱۳۶ - اگر کسی از ظهر تا مغرب روز عرفه

در عرفات خواب یا بیهوش باشد وقوف او باطل است ولی اگر پیش از وقت در عرفات باشد و قصد وقوف کند و بهمین قصد بخوابد و اتفاقاً در تمام وقت بیدار نشود صحت وقوف او بعید نیست و اگر بعد از قصد وقوف و دخول وقت بخوابد ضرر ندارد و وقوف او صحیح است .

مسئله ۱۳۷ - بودن در عرفات از ظهر تا مغرب

اگرچه بنا بر احتیاط واجب است ولی آن مقداریکه رکن است این است بین ظهر تا مغرب بقدری در عرفات بماند که عرفاً بگویند در آنجا توقف کرده است و این مقدار از وقوف را وقوف اختیاری عرفات گویند و کسیکه

عمداً این مقدار را ترك كند حجش باطل میشود اگر چه بوقوف اضطراری عرفات برسد یعنی شب دهم رادر عرفات بماند و وقوف مشعر را هم درك كند و چنانچه سهواً فراموش کرد حج او باطل نیست مگر آنکه وقوف بمشعر را عمداً یا سهواً ترك كند که در این صورت حجش باطل است و تفصیل آن ذکر میشود انشاء الله .

مسئله ۱۳۸- درو قوف بعرفات نیت واجب است باین قسم که نیت کند از ظهر امروز تا مغرب برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم در عرفات میمانم
مسئله ۱۳۹- اگر کسی عمداً بعد از گذشتن مقداری از ظهر در عرفات حاضر شود و قوفش صحیح است و کفاره ندارد ولی خلاف احتیاط نموده و بنا بر آنکه وقوف از اول ظهر تا مغرب واجب باشد گناه کرده است .

مسئله ۱۴۰- اگر کسی عمداً پیش از مغرب از عرفات بیرون برود و در همان روز برنگردد واجب است بر او قربانی کردن يك شتر که در راه خدا در روز عید در منی نحر کنند و اگر نتواند هیچده روز پی در پی روزه بگیرد و بر او واجب است با تمکن بر گشتن و ماندن تا غروب و اگر

پشیمان شد و در همان روز بعرفات برگشت بنا بر احتیاط واجب نیز کفاره از اوساقط نمیشود .

مسئله ۱۴۱- اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن

مسئله پیش از مغرب از عرفات بیرون رفت پس اگر در همان روز ملتفت شد باید برگردد و اگر برگردد معصیت کرده و بنا بر احتیاط کفاره بدهد و اگر بعد از مغرب ملتفت شد چیزی بر او نیست .

مسئله ۱۴۲- اگر بواسطه فراموشی یا تنگی وقت

یا عذر دیگر نتواند هیچ مقداری از ظهر تا مغرب روز عرفه را در عرفات بماند باید مقداری از شب عید را هر چند کم باشد در عرفات بماند و این زمان را وقت اضطراری عرفه میگویند و اگر عمداً هیچ مقداری از شب عید را هم در آنجا نماند حج او باطل میشود اگر چه وقوف بمشعر را درك نماید .

مسئله ۱۴۳- اگر کسی وقوف بعرفات را بعد از مثل

فراموشی یا ندانستن مسئله در وقت اختیاری و اضطراری ترك نمود ولی وقوف در مشعر الحرام را چنانچه خواهد آمد درك کند حجش صحیح است .

مسئله ۱۴۴- هر گاه در پیش قاضی عامه اول ماه

ذی حجه ثابت شود و برای شیعه شرعاً ثابت نشده باشد و
 باین جهت روز نهم ذی حجه در نزد آنها روز هشتم در پیش
 شیعه باشد احتیاط واجب آنستکه اگر ممکن است وقوف
 اختیاری عرفات را در روزیکه پیش شیعه نهم است انجام
 دهد و اگر ممکن نشد اضطراری آنرا درك کند و بمشعر
 رفته و وقوف در آن جا را نیز درك کند و اعمال روز عید را
 در منی بعمل آورد و اگر درك اضطراری عرفات هم ممکن
 نشد درك اختیاری مشعر کافی است و حجش صحیح است
 و درك اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز چنانچه گفته
 خواهد شد بنا بر اقوی کفایت میکند و اگر درك هیچیک از
 این مواقف میسر نشود حکم آن در مسئله بعد ذکر خواهد
 شد **مسئله ۱۴** هر گاه هلال نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت
 نشده باشد لکن از جهت تقیه ناچار بمتابعت باشند و از عمل
 بوظیفه خود خائف باشند اقوی صحت و کفایت همین حج
 است از حجه الاسلام هر چند عالم بخلاف باشند و اگر بدون
 خوف متمکن از عمل بوظیفه باشند احوط آنستکه با آنها
 رجاء متابعت کنند و بعد هم عمل بوظیفه خود نمایند حتی با
 عدم علم بخلاف .

مستحبات و قوف بعرفات

- ۱ - خیمه اش را در محلی که آنرا امره گویند و متصل بعرفات است بزند . ۲ - در دست چپ کوه نسبت بکسیکه از مکه آید در پائین کوه در زمین هموار و قوف کند و مکروه است که بالای کوه رود . ۳ - بارق قادیك جا و قوف کند .
- ۴ - با طهارت باشد و غسل کند . ۵ - هر چه را که باعث تشویش حواس و مانع از کمال توجه بخدا میشود رفع کند . ۶ - نماز ظهر و عصر را در وقت بيك اذان و دو اقامه بجا آورد .
- ۷ - بعد از نماز بایستد و مشغول دعاء شود . ۸ - در تمام مدت و قوف بایستد و نشسته یا سواره بودن در حال و قوف مکروه است و اگر نمیتواند بایستد هر قدر میتواند بایستد و اگر ایستادن مانع از حضور قلب و توجه باشد نشستن بهتر است .
- ۹ - رو بقبله کند و دل خود را متوجه بخداوند عالم نماید و حمد و ثنای او را بجا آورد و تمجید و تهلیل بکند و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید و صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل

محمد ﷺ بفرستد و همچنین صد مرتبه سوره انا انزلناه
 بخواند و صد مرتبه لاحول ولا قوة الا بالله بگوید و صد
 مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند

۱۰ - آنچه میخواند دعاء کند و دعاء زیاد کند که
 این روز و روز دعاء و مسئلت است و هیچ چیز در نزد شیاطین
 خوشتر از این نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازند.
 ۱۱ - پناه بردن بخدا از شیطان .

۱۲ - شمردن گناهان و توبه و استغفار کردن
 ۱۳ - گریه کردن و اگر نتواند خودش را بگریه بدارد
 ۱۴ - دعاء برای خود و پدر و مادر و برادران
 مؤمن و اقل آن چهل نفر است و در حدیث است که آنچه
 او برای برادر مؤمن طلب کند فرشته ای موکل است که
 برای او صد هزار برابر آن را طلب کند .

۱۵ - تمام زمان وقوف را بدعاء و استغفار و ذکر
 خدا صرف کند و بعضی از علماء این را واجب دانسته اند
 و دعاهای منقوله را بخواند خصوصاً دعای صحیفه کامله
 و دعای حضرت امام حسین علیه السلام و زیارت آنحضرت و دعای
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام و مستحب است که بگوید

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ آخِيهِ وَفُودِكَ
 وَأَرْحَمَ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ اللَّهُمَّ
 رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكُفِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ
 عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَذْرِ عَنِّي شَرْقَةَ الْجَنِّ
 وَالْإِسِّ اللَّهُمَّ لَا تَمُكِّدْ بِي وَلَا تَخْذَعْنِي وَلَا تَسُدُّ جُنِّي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ
 وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ يَا أَسْمَعَ أَسْمَاعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِقِينَ
 يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ (تفعل بے کذا و کذا)

و حاجت خود را نام ببر پس دست بجانب آسمان بردار و بگوید :

اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ يَا أَلْتَى أَنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ
 يَضُرَّنِي مَا مَنَعَتْ وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا

اَعْطَيْتَ اَسْئَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
 اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ عَبْدُكَ وَمِلْكُ يَدِكَ نَاصِيَتِيْ بِيَدِكَ
 وَاجَلِيْ بِعِلْمِكَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُوَفِّقَنِيْ لِمَا يَرْضِيْكَ
 عَنِّيْ وَاَنْ تُسَلِّمَنِيْ مَنَاسِكِيْ الَّتِيْ اَدِّيْتُهَا خَلِيْلِكَ
 اِبْرَاهِيْمَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَرَلَّتْ عَلَيْهَا نَبِيَّتُكَ
 مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ رَضِيَّتِ
 عَمَلُهُ وَاَطَلَتْ عُمُرُهُ وَاَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيٰوَةً طَيِّبَةً
 يَسْكُوْنُ اِلَّا اِلَهًا اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ
 وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
 وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
 كَالَّذِيْ تَقُوْنُ وَخَيْرًا مِّنَّا نَقُوْنُ وَفَوْقَ مَا يَقُوْلُ
 الْقَائِلُوْنَ اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَوَاتِيْ وَنَسِيْبِيْ وَفَخَيَايَ

وَمَا تَعِي وَوَلَا تَرَاةُ وَبِكَ حَوِي وَمِنْكَ قَوِي
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِن
وَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَمِن شِتَاتِ الْأَمْرِ وَ
مِن عَذَابِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ
بِهِ الرِّيَاحُ فَاسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ
اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا
وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي كَفِّي وَدَمِي وَعِظَامِي
وَعُرْوَةً وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي
وَمُخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْقِيَامِ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و ما توانی در این روز از خیرات و تصدقات تقصیر کن خصوصاً بنده

آزاد کردن و دیگر و بعبده کند و بگوید (سُبْحَانَ اللَّهِ)
 شَدِيدَ (وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
 شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْكَلِمَةُ الْحَمِيدُ وَبِئْسَ
 هُوَ حَىٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 شَدِيدًا

پس دو آیه اول سوره بقره را بخواند و آن دو آیه نیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ نَكْتُبْ لَكَ الْكِتَابَ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ
 الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا
 رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

و دیگر سوره قل هو الله احد را سه نوبت بخواند و آیه الكرسي را بخواند

و آیت سحر را بخواند و آن آیه اینست .

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
 أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
 حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ
 إِلَهِ الْخَلْقِ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

و آن در سوره اعراف آیه ۵۴ موعودتین را بخواند پس نعم الهی را

یک یک بشمارد و آنچه بداند از اهل مال و نعمت و رفیع بلا و گوید :

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ
 وَلَا تُكْفَى بِعَمَلٍ وَحَمْدُكَ حَسْبُ سَجَانَةٍ وَتَعَالَىٰ رَأْيُكَ كَرَمٍ

آن حمد کرده است خداوند عالم خود را بآن درستی آن تکبیر کند بر

تجبیری که خداوند عالم تکبیر خود کرده است در قرآن و تهلیل کند

بذکر لا اله الا الله که حق سبحانه و تعالی تهلیل خود کرده است بآن

در آن و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار فرستد و جهد و سعی کند
در آن و بخواند حق سبحانه تعالی را بهر نام که خود را بآن خوانده است در
قرآن و بهر اسمی که داند و با سماء آخر سورة حشر، و گوید:

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ
بِقُوَّتِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عَلَيْكَ وَ
بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رِسُولِكَ صَلَّى عَلَيْكَ
وَاللَّهُ وَبِاسْمِكَ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ
الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ
وَأَنْ تُسْطِطِيَهُ مَا سَأَلْتُكَ أَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي
فِي جَمِيعِ عَلَيْكَ فِي

و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن
که توفیق حج بیابی در سال آینده و هر سالی و بهر نامی که بگو

(أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ) و ہفتاد مرتبہ (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ) گو . پس بخوان دعائی را کہ جبرئیل در

این مقام حضرت آدم علیہ السلام تعلیم نمود برای قبول توبہ او
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوْءًا

وَطَلْتُ ^{وَأَعْتَرَفْتُ} فَاَعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ
الْغَافِرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ عَمِلْتُ سُوْءًا وَطَلْتُ نَفْسِي فَاَعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي
فَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و چون آفتاب فرورد گو

اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتِالِ الْفَقْرِ

وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسَى طَلَبِي

مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ

وَأَمْسَى ذِي مُسْتَجِيرٍ بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَائِزِ
 مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ
 أَعْطَى يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ جَلِّبْنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْيَسِينِ
 عَافِيَتِكَ وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ
 پس روانه بجانب مشعر کرام شود باران تن و استغفار کند دایم عباد
 بخواند .

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ الْآخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَأَرْزُقْنِي
 الْعُورَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجَا
 سْتَجَاءًا إِلَيْكَ مَرْجُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ
 بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَجُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ
 وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنَ الْكَرَمِ وَفِدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ
 مَا أُعْطِيَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ

وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ
مِنْ أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ
فِي

وَبِيَارِ كُؤَيْدٍ اللَّهُمَّ أَعِثَّنِي مِنَ النَّارِ

۲- وقوف بمشعر

مسئله ۱۴۶- واجب است بر کسیکه حج بجا میآورد

بعد از وقوف بعرفات : وقوف بمشعر الحرام که آنرا
مزدلفه و جمع نیز مینامند و مکانی است که در بین عرفات و
منی واقع است و معروف است پس باید بعد از مغرب روز
نهم از عرفات بسوی مشعر کوچ کنند و احتیاط واجب
آنستکه عمداً تأخیر نیندازند تا طلوع فجر هر چند اگر
تأخیر انداخت و بین الطلوعین را درک کند حج او صحیح
است و واجب است که شب را در آنجا بماند و باید نیت
کند در حج تمتع که برای اطاعت فرمان خداوند عالم
در حج تمتع حجة الاسلام شب را تا صبح در مشعر الحرام

میمانم و باید عمداً بدون عذر پیش از اذان صبح کوچ نکند هر چند اگر مقداری از شب مانده باشد و کوچ کند حجتش صحیح است و لکن معصیت کرده و یک گوسفند کفاره باید ذبح کند و چون صبح طالع شود دو باره جهت بین الطلوعین نیت و قوف کند پس در حج تمتع قصد کند که برای اطاعت فرمان خداوند متعال در حج تمتع حجة الاسلام از حالات اول طلوع آفتاب در مشعر الحرام میمانم و ممکن است که از ابتداء قصد کند شب را تا طلوع صبح و از طلوع صبح تا اول آفتاب میمانم و بهمان قصد باقی باشد.

مسئله ۱۴۷ - اگر چه اشهر و احوط آنستکه ماندن در مشعر تا طلوع آفتاب واجب است لکن بعید نیست استحباب کوچ کردن کمی پیش از آفتاب ولی باید از وادی محسر که اسم محلی است نگذرد بلکه بنا بر احتیاط وارد وادی محسر نشود پس اگر عمداً پیش از طلوع آفتاب از وادی محسر بگذرد گناهکار است و بعضی کفاره آنرا یک گوسفند دانسته اند و اقوی واجب نبودن کفاره است.

مسئله ۱۴۸ ماندن در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب بمقداری که عرفاً بگویند در آنجا توقف

کرده رکن است پس اگر کسی عمداً آنرا ترك کند حجش باطل میشود مگر آنکه مقداری از شب را در مشعر توقف کرده باشد که در این صورت حج او صحیح است لکن گناه کرده و جبران میشود بکفاره که يك گوسفند است.

مسئله ۱۴۹ - کسانی که کار ضروری داشته باشند

و پیرمردها و زنهای و بیماران که اگر تا صبح در مشعر بمانند بواسطه از دحام و زیادی جمعیت در زحمت میافتد اگر شب را در مشعر بقصد وقوف مانده باشند میتوانند پیش از طلوع صبح از مشعر بمنی بروند و اگر بدون عذر پیش از اذان صبح از مشعر بیرون روند حجشان صحیح است بشرط آنکه وقوف بعرفات را انجام داده باشند و شب را در مشعر بقصد وقوف مانده باشند و لکن بر آنها يك گوسفند کفاره واجب است.

مسئله ۱۵۰ - کسی که شب و بین الطلوعین روز عید

تقوانست در مشعر وقوف کند در صورتیکه از اول آفتاب روز عید تا پیش از ظهر مقداری در آنجا بماند حجش صحیح است بشرط آنکه در رك اختیاری یا اضطراری عرفه را کرده باشد

مسئله ۱۵۱ - چنانچه معلوم شد وقوف در مشعر سه

قسم است که دو قسم آن و قوف اضطراری مشعر است و آن وقوف شب عید است برای کسانی که بواسطه عذری نتوانند بعد از طلوع صبح در مشعر بمانند و قوف در روز عید تا پیش از ظهر است برای کسانی که بوقوف شب و قوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نرسیده باشند و یک قسم آن وقوف اختیاری مشعر است و آن از اذان صبح تا اول آفتاب روز عید است و چون عرفات هم بشرحیکه گفته شد دو وقوف دارد یکی وقوف اختیاری و آن ماندن در عرفات است از ظهر تا مغرب روز نهم و یکی وقوف اضطراری و آن ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم پس بملاحظه ادراک هر دو وقوف (وقوف بمشعر و وقوف بعرفات) یا ادراک اضطراری یکی و اختیاری دیگری و نرسیدن با اضطراری و اختیاری هر دو وقوف اقسام آن نه قسم میشود

اول - آنکه وقوف بعرفات و وقوف بمشعر هر دو را در وقت اختیاری انجام دهد که حج اوبی اشکال صحیح است

دوم - آنکه هیچیک از اختیاری و اضطراری دو وقوف را درک نکند که در این صورت حج از او قوت شده است پس بهمان احرام حج عمره مفرده که عبارت از

طواف و نماز سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن باشد
 بجا میآورد و بعد از این اعمال از احرام بیرون میرود و
 اگر گوسفند همراه او باشد قربانی کند و مستحب است که
 بماند در منی با حاجیان و چون بمکه رود اعمال عمره را
 بجا آورد و اگر عمداً در حج مستقر هر يك از دو وقوف را
 ترك نماید باید در سال آینده بحج برود و همچنین در
 صورتی که حج بر او مستقر نشده اگر سال بعد مستطیع
 شد باید حج کند .

سوم - آنکه اختیاری عرفه را با اضطراری مشعر
 درك کند که در این صورت حجش صحیح است.

چهارم - آنکه اختیاری مشعر و اضطراری عرفه
 را درك کند که در این صورت نیز حجش صحیح است .

پنجم - آنکه اضطراری هر دو وقوف را درك کند
 که اقوی در این صورت هم صحیح است اگر چه
 احتیاط آنستکه در سال آینده با شرایط وجوب اعاده .
 نماید .

ششم - آنکه فقط وقوف اضطراری مشعر را درك

کند. پس اگر شب عید را درك کرده بعید نیست حجش صحیح باشد اگرچه احوط اعاده است. و اگر فقط و قوف پیش از ظهر روز عید را درك کرده اقوی باطل شدن حج است.

هفتم - ادراك و قوف اختیاری عرفه تنهاست و در این صورت اقوی و اشهر صحیح بودن حج است.

هشتم - ادراك اختیاری مشعر است که در این صورت نیز حجش صحیح است.

نهم - آنکه فقط اضطراری عرفه را درك کند که حج در این صورت صحیح نیست.

مستحبات و قوف بمشعر

مسئله ۱۵۲ - مستحبات و قوف بمشعر چند چیز است :

از جمله آنکه از عرفات بسوی مشعر الحرام باوقار و آرامی دل و بدن برود و استغفار کند و شتر را تند نرانند و کسی را آزار نرساند. و چون بتل سرخ رسد از طرف دست راست راه برود و بگوید :

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَرِزْقِي وَعَمَلِي وَسَيِّمِي لِوَدْنِي وَتَقَبَّلْ
 مِنِّي مَناسِكَ (و شهید تھن) در روس فرموده کہ بعد از این دعا
 بگوید اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ الْآخِرَ الْعَمَلِ مِنِّي مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ
 وَأَرْزُقْنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَشَرِّرَاتِنَا نَزْدُوكِمْ رَأْسًا
 نَسَامِدُورِ عَالِ اَنْدُوبِ اِيَا بَكُوِيْدُ اللَّهُمَّ اَغْنِنِي رَقَبَتِي
 مِنْ النَّارِ وَنَارِ شَامِ وَخَشْنِ اَنْ اُخِيْرُ كِنْدَا مَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاَكْرُجْ ثَلَاثَ شَبَّ

بگذرد

ولی اگر نتواند پیش از نصف شب بمشعر برسد باید
 پیش از رسیدن بمشعر نماز را بجا آورد. و برای نماز
 مغرب اذان و اقامه و برای عشاء فقط اقامه بگوید و میان نماز
 مغرب و عشاء فاصله نیندازد بلکه نافله مغرب را بعد از
 نماز عشاء بخواند. و در وادی فرود آید در جانب راست

راه و آید غار بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي
 فِيهَا جَمَاعَةَ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي
 سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي ثُمَّ أَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ
 تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقْبَلَنِي
 جَمَاعَةَ الشَّرِّ

و تا مقدور باشد آن شب را بعبادت و طاعت الهی بر روز آورد که
 در خبر است که در های آسمان در این شب بسته نمیشود و آوازهای
 مؤمنان بالا میرود و خداوند عالم میفرماید من خداوند شمایم و شما

مندگان من هستید ادا کرده حق مرا و بر من لازم است که اجابت
 نمایم دعاهای شما پس بعضی از ایشان را تمام گناهان میآمرزد و
 بعضی بعضی میآمرزد و سنت است که هفتاد و سنگریزه برای رومی حرامت
 در این شب از اینجا بردارد و سنت است که غسل کند و با وضو باشد در حال
 قوف و دعاهای منقولہ از ائمہ را بخواند و حمد و ثنای الهی را بجای آورد
 و این دعا را نیز بخواند:

اللَّهُمَّ رَبَّ الشَّعْرِ الْحَرَامِ فَك رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
 وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْخَلَالَ الطَّيِّبِ وَادْعُ
 عَنِّي شَرَفَقَةَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ
 مُطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ وَلكلِّ
 وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَأَجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْصِعِي هَذَا
 أَنْ تَقْبَلَنِي عَشْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ

عَنْ خَطِيبَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنْ الدُّنْيَا زَادِي وَتَقْلِبْنِي
مَذْلُجاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً لِي بِالْفَضْلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ
وَفِدْكَ وَزَوَارِئِكَ الْحَرَامِ

و دعا بسیار کند بجهت پدر و مادر و برادران و اهل و مال و
فرزندان و بعضی قائل بوجوب دعا شده اند و احتیاط آنستکه
بمقداری که عرفاً گفته شود ذکر خداوند عالم نموده دعا
کنند یا ذکر بخواند

و برای غیر امام بهتر آنستکه پیش از طلوع آفتاب از
مشعر کوچ کند اما کن بنا بر احتیاط داخل وادی محسّر نشود
تا آفتاب طلوع کند

و چون آفتاب بکوه تپیر افتد هفت مرتبه بگناهان
خود اقرار کند و هفت مرتبه استغفار نماید و چون روانه
میشود باز گریه استغفار و آرامی و وقار برود و چون بوادی
محسّر برسد هروله کند یعنی مانند شتر تند برود اگر پیاده
باشد و اگر سواره باشد هر کب خود را تند براند و اگر هروله
ر یا فراموش کرده بر گردد و هروله کند و در وقت هروله بگوید

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي
 وَأَخْلِفْنِي فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي (وگوید) رَبِّ اغْفِرْ
 وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْآعِزُّ الْإِكْرَامُ

اعمال منی در روز عید

مسئله ۱۵۳ - چهارم و پنجم و ششم از کار های حج تمتع اعمال واجب منی است و آن سه عمل است ۱ - رمی جمره عقبه ۲ - قربانی ۳ - حلق یا تقصیر که در روز عید باید حاجی از مشعر الحرام بمحلی که آنرا منی میگویند برود و در آنجا این سه عمل را بشرحی که گفته میشود انجام دهد .

۱ - رمی جمره عقبه

مسئله ۱۵۴ - اول از کارهای واجب در منی رمی جمره عقبه یعنی انداختن هفت سنگریزه بجمره عقبه است و وقت آن بعد از طلوع آفتاب روز عید تا غروب است و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم باید بجا آورد و اگر تا روز سیزدهم بیادش نیامد باید در سال آینده خودش برود و رمی کند یا نایب بگیرد که از طرف او بجا آورد.

مسئله ۱۵۵ - سنگریزه ها باید طوری باشد که عرفاً آنها را سنگ بگویند و از سنگریزه های حرم و بکر باشد یعنی خودش یا کس دیگر قبلاً بطور صحیح با آنها رمی نکرده باشد.

مسئله ۱۵۶ - در رمی پنج چیز شرط است

اول - نیت کند که هفت سنگ بجمره عقبه در حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم میا ندازم

دوم - انداختن سنگریزه هاست - پس اگر آنها را بجمره بگذارد کافی نیست . **سوم** - آنکه سنگریزه ها بواسطه انداختن بجمره برسد پس اگر بجای دیگر بخورد و از آنجا بجمره برسد یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی بجمره برسد کافی نیست و اگر شك کند که بجمره خورده یا نه بناراً بر نخوردن بگذارد **چهارم** - آنکه سنگهاییکه میاندازد از هفت عدد کمتر نباشد **پنجم** - آنکه آنها را پشت سر هم جدا جدا بیندازد پس اگر باهم بیندازد صحیح نیست اگر چه پشت سر هم بجمره برسند و اگر پشت سر هم بیندازد و باهم بجمره برسند صحیح است .

مسئله ۱۵۷ - اگر از روی فرا موشی کمتر از هفت سنگریزه رمی کند و پیش از بهم خوردن موالات هر فیه

یادش بیاید باید بقیه را بجا آورد و اگر موالات بهم
خورده باشد احتیاط آنستکه باقیمانده را بجا آورد و دوباره
رمی نماید.

مسئله ۱۰۸- اگر در عدد سنگریزه هائیکه انداخته
شك کند بنا را بر کمتر بگذارد و عدد را تمام کند.

مستحبات رمی

مسئله ۱۰۹- مستحب استکه سنگریزه ها را شب عید
از مشعر بردارد و مستحب استکه سنگریزه ها رنگین
یا برنگ سمره یا رنگ دیگر و نقطه دار باشند و آنها را
دانه دانه از روی زمین بردارد و بقدر سر انگشت باشند
و دست باشند نه سخت و مستحب استکه در وقت سنگ
انداختن پیاده باشد و سواره نباشد و با وضو باشد و بعضی از
علماء با طهارت بودن را در حال رمی واجب دانسته اند و
مستحب استکه سنگها را بدست چپ بگیرد و با دست راست
بیندازد و نیز مستحب استکه رمی مقارن ظهر باشد و
وقتی سنگریزه ها را بدست میگیرد این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ هِدِيهِ حَصِيْبِي فَأَحْصِيْهِ لِيْ وَارْفَعْنِيْ

فی عملی و هر سنگریزه که میاندازد این دعا را بخواند :

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ اُدْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ

اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِيْ حَجَّامَبْرُورًا

وَعَمَلًا مَّقْبُولًا وَسَعْيًا مَّشْكُورًا وَذَنْبًا مَّغْفُورًا

و میاندازد و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع فاصله داشته باشد پشت بقصد کند

و روی جمره و آنکه سنگریزه را بر انگشت بزرگ بگذارد و با ناخن انگشت شهادت

ببندازد و چون بجای خود آید در منی سنت است که این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ

نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

۴ - قربانی

مسئله ۱۶۰ - واجب دوم از واجبات منی در حج

تمتع بعد از رمی جمره عقبه قربانی کردن يك شتر یا گاو یا گوسفند در روز عید است و از دو نفر یا بیشتر يك قربانی کفایت نمیکند بلکه بر هر حاجی يك قربانی واجبست .

مسئله ۱۶۱- اگر کسی از روی فراموشی یا بواسطه عذری در روز عید قربانی نکرده باید تا آخر ذیحجه قربانی نماید و احوط آنستکه هر چه ممکن است زودتر قربانی کند .

مسئله ۱۶۲- در قربانی شرط است نیت قربت پس اگر خودش قربانی را ذبح میکند باید در حج تمتع قصد کند ذبح یا نحر قربانی را که در حج تمتع حجة الاسلام واجب است برای اطاعت امر خداوند عالم و اگر برای ذبح نایب میگیرد باید نایب نیت کند که ذبح میکنم قربانی واجب حج تمتع حجة الاسلام کسی را که او را نایب نموده برای اطاعت فرمان خداوند متعال و احوط آنستکه علاوه بر نایب ~~خودش~~ هم اگر در وقت ذبح حاضر باشد نیت کند و چنانچه ~~بله~~ اشاره شد لازم نیست نیت را در دل خطور دهد بلکه همینقدر داعی او بر کار اطاعت خدا باشد و کار هم

همین باشد کفایت میکند .

مسئله ۱۶۳- اگر قربانی پیدانشود باید پول آن را نزد شخص مورد اعتمادی بگذارد که در بقیه ماه ذی الحجّه بگیرد و ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشد در سال آینده بگیرد و ذبح نماید .

مسئله ۱۶۴- اگر قربانی شتر باشد شرط است که پنج سال آن تمام شده باشد و داخل در سال شش شده باشد و اگر گاو یا بز باشد احوط آنستکه دو سالش تمام و داخل در سال سوم شده باشد و اگر میش باشد احوط آنستکه سال اولش تمام و داخل در سال دوم شده باشد .

مسئله ۱۶۵- قربانی باید صحیح باشد و اعضایش ناقص نباشد پس قربانی کور و لنگ و ناخوش و بسیار پیر کافی نیست حتی اگر کسی از گوش آن را بریده باشند یا از شاخ اندرونی او چیزی کم باشد کفایت نمیکند و نیز باید لاغر نباشد و مشهور آنستکه همین قدر که در گرده آن پیه باشد کافی است و احوط آنستکه علاوه بر این طوری باشد که عرفاً آنرا لاغر نگویند .

مسئله ۱۶۶- اگر گوش قربانی، شکافته یا سوراخ

باشد ضرر ندارد .

مسئله ۱۶۷- احتیاط واجب آنستکه حیوانی را که

شاخ یا گوش یادم در اصل خلقت ندارد قربانی نکند.

مسئله ۱۶۸- حیوانی را که عروق و بیضتین او را مالیده

باشند جایز است قربانی کند ولی قربانی کردن حیوانی که

تخمپایش را کشیده اند کفایت نمیکند.

مسئله ۱۶۹- اگر حیوانی را خرید و ذبح کرد

بگمان آنکه صحیح است و بعد معلوم شد ناقص است کفایت

نمیکند .

مسئله ۱۷۰- اگر قربانی را بگمان چاقی ذبح کرد

ولاغر در آمد کافی است .

مسئله ۱۷۱- اگر قربانی را با گمان لاغر ی ذبح کرد

با احتمال آنکه چاق باشد و چاق در آمد کافی است ولی اگر

لاغر در آمد کافی نیست .

مسئله ۱۷۲- اگر حیوانی را با علم باینکه لاغر است

از راه ندانستن مسئله قربانی کند و بعد معلوم شود چاق

است کفایت میکند ولی اگر با علم به لاغر بودن و دانستن مسئله آنرا ذبح نمایند هر چند چاق در آید کفایت نمیکند

مسئله ۱۷۳- اگر قربانی با خود نداشته باشد و پول هم نداشته باشد که بتواند آنرا بخرد باید ده روز روزه بگیرد سه روز پی در پی در حج و آن روز هفتم و هشتم و نهم ذیحجه است و بعد از آنکه بوطنش برگشت هفت روز دیگر روزه بگیرد و احتیاط مستحب در این هفت روز روزه آنستکه پی در پی و متوالی باشد.

مسئله ۱۷۴- اگر کسیکه نمیتواند قربانی بخرد نتواند روز هفتم را روزه بگیرد باید روز هشتم و نهم و یکروز هم بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد و احتیاط مستحب آنستکه در اینصورت بعد از برگشتن از منی سه روز متوالی روزه بگیرد که اول آن سه روز روزه کوچ کردن و حرکت از منی باشد و قصدش انجام تکلیف سه روزه در ضمن پنجروز باشد و اگر روز هشتم را روزه نگرفت روز نهم را نگیرد بلکه صبر کند بعد از مراجعت از منی بگیرد و احتیاط آنستکه بعد از مراجعت از منی هر چه زودتر بگیرد اگر

چه اشهر آنستکه تا آخر ذیحجه میشود بجا آور.

مسئله ۱۷۵- اگر بعد از روزه سه روز قادر بر خریدن

قربانی شد احتیاط آنستکه بخرد و ذبح نماید .

مسئله ۱۷۶- اگر قربانی ناقص و مریض یافت شود

و کوفتند بی عیب و سالم نباشد واجب است ناقص را قربانی

کند و بآن اکتفا میشود و احتیاط مستحب آنستکه سه

روز در حج و هفت روز پس از حج بشرحی که گفته شد

روزه بگیرد .

مسئله ۱۷۷ واجب است که قدری از قربانی را خودش

بخورد و قدری را هدیه دهد و مقداری را بفقر مؤمنی صدقه

بدهد و احتیاط آنستکه هدیه را هم بمؤمن دهد و اینکه هر

يك از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد .

مسئله ۱۷۸- دادن قربانی بطایفه سودانی که در منی

قربانی را میگیرند و مسلمان بودنشان معلوم نیست جایز

نیست پس باید کمی از قربانیا برای خود بردارد و بشخص

فقر مؤمنی از حاجیان ثلث آنرا صدقه بدهد و يك ثلث هم

ببعض مؤمنین هدیه بدهد و در مورد هدیه فقر و غنی شرط

نیست و لازم نیست که سهم هر يك را جدا کند بلکه اگر همینطور هدیه و تصدق کند و بعد آن فقیر مؤمن و مؤمنی که هدیه را قبول کرده سهم خود را باطل سودان صدقه بدهد اشکال ندارد و اگر پیش از عمل کردن باین احتیاط سود انیها قربانیرا بدزدی یا غارت ببرند لازم نیست دوباره قربانی کند ولی اگر قربانیرا بآنها بدهد باید قیمت سهم فقرا را بفقرا برساند. **وقیمت گوشت سهم فقرا را باید بفقرا بدین قیمت بگردد**

مسئله ۱۲۹- چون ممکن است درمنی بواسطه حاضر

نبودن فقیر مؤمن تصدق دادن ثلث قربانی بمؤمن فقیر و همچنین هدیه دادن ثلث آن بمؤمن ممکن نباشد بهتر این است که از بعض برادران دینی خود و از بعض فقراء مؤمن که آنها را میشناسد در شهر خود و کالت بگیرد که از جانب آنها ثلث قربانیرا به هدیه و ثلث آنرا بصدقه قبول کند و همچنین وکالت بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آنها هر عملی میخواهد انجام دهد در این صورت درمنی ثلث آنرا بفقر مؤمنی که از طرف او وکالت دارد صدقه دهد و ثلث دیگر را بمؤمن دیگری که از جانب او وکیل است

هدیه بدهد و از طرف آنها قبول کند و بعد بهر کس خواهد است
بدهد یا همانجا بگذارد و برود.

مسئله ۱۸۰- اگر حاجی عمداً خودش از گوشت

قربانی نخورد گناه کرده لکن به حج او ضرر نمیرساند.

مستحبات قربانی

مسئله ۱۸۱- مستحبات قربانی شش چیز است:

۱- آنکه قربانی شتر باشد و بعد از آن گاو و بعد

از گاو گوسفند.

۲- قربانی بسیار چاق و فربه باشد.

۳- اگر شتر یا گاو است ماده باشد و اگر میش یا

بز است نر باشد.

۴- شتر در حال نحر ایستاده و از سر دستها تازانوی

آن بسته باشد و کسیکه قربانی میکند در طرف راست

شتر بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش

فرو برد.

۵- در وقت نحر شتر یا ذبح گاو و گوسفند بگوید:

وَجَهَنَّتْ وَجْهِي لِلَّذِي فطرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 خَنِفًا مَسِيئًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي
 وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا
 شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي (و در بعضی روایات وارد شده این تتمه)
 اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ
 وَمُوسَى كَلِمِكَ وَمُحَمَّدٍ جَبِيكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 آلهِ وَعَلَيْهِمُ

۶- مستحب است که خودش قربانی را نحر یا ذبح
 کند و اگر نمیداند دست روی دست کسی که آنرا میکشد
 بگذارد.

۴- حلق یا تقصیر

مسئله ۱۸۲- بعد از قربانی کردن باید حلق کنند

یعنی سرشان را بتراشند یا تقصیر نمایند یعنی قدری از ناخن یا موی شارب خود را بگیرند و احتیاط برای مردیکه موی سر خود را با صمغ و چیز دیگر بجهت رفع شپش و مثل آن چسبانیده یا موی خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته باشد سر تراشیدن است و همچنین هر کسی که حج اول او باشد احتیاط واجب برای او تراشیدن موی سر و اکتفا نکردن بتقصیر است.

مسئله ۱۸۳- برزنها و خنثی یعنی کسیکه آلت

مردی و زنی دارد واجب است تقصیر کردن یعنی ناخن گرفتن یا از مو گرفتن و برای آنها سر تراشیدن جایز نیست.

مسئله ۱۸۴- در حلق یا تقصیر باید نیت کند که

برای انجام فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجة الاسلام سر خود را میتراشم یا مو یا ناخن خود را میگیرم و بهتر آنستکه کسیکه سر او را میتراشد نیز نیت کند.

مسئله ۱۸۵- وقتی حاجی حلق یا تقصیر نمود هر چه

بر او در احرام حرام شده بود حلال میشود مگر زن و صید و بوی خوش.

مسئله ۱۸۶- بنا بر احتیاط واجب باید رمی و قربانی و حلق یا تقصیر را بترتیب بجا آورد ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله اول قربانی کرد و بعد رمی و حلق نمود یا اول حلق کرد و بعد رمی و قربانی را انجام داد ضرر ندارد و اگر عمداً خلاف ترتیب کند مشهور آنست که اعاده واجب نیست ولی اگر احتیاط ممکن باشد ترك نکند.

مسئله ۱۸۷- اگر در روز عید حلق یا تقصیر را فراموش کرد تا از منی بیرون رفت واجب است برگردد و اگر ممکن نشود در هر جا یا دوش آمد حلق یا تقصیر کند و مستحب است اگر ممکن شود موی خود را بمنی بفرستد که در آنجا دفن شود.

مسئله ۱۸۸- اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید باید حلق یا تقصیر کند و دو باره طواف را بجا آورد و اگر بعد از طواف سعی یادش بیاید باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

مستحبات حلق و تقصیر

مسئله ۱۸۹ - مستحبات حلق و تقصیر سه چیز است

۱ - در وقت سر تراشیدن رو بقبله کند.

۲ - از طرف راست جلو سر شروع کند و این دعا

را بخواند.

اللَّهُمَّ آعِطْنِي بِكُلِّ شَجَرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْعِيَةِ

۳ - موی سر را در منی در محل خیمه خود دفن کند

و احوط آنستکه از اطراف سر و ریش و شارب موبگیرد و

ناخنها را بگیرد.

واجبات بعد از اعمال منی

مسئله ۱۹۰ - هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم از واجبات

حج تمتع طواف زیارت و نماز آن و سعی بین ضفا و مروه و طواف

ساء و نماز آنستکه واجب است بعد از رمی و قربانی و

حلق یا تقصیر از منی بمکه بر گردد و آنها را بدستوری که

در عمره تمتع گفته شد بجا آورد .

مسئله ۱۹۱ - واجب نیست بر کسیکه حج تمتع می کند بعد از اعمال منی فوراً بمکه بر گردد بلکه میتواند تا روز یازدهم بر گشتن بمکه را تأخیر بیندازد و بلکه بعید نیست جایز باشد تا آخر ذی حجه آمدن بمکه را تأخیر بیندازد اگر چه احوط آنستکه تأخیر بیندازد .

مسئله ۱۹۲ - جایز نیست پیش از رفتن بعرفات و

مشعر و منی بجا آوردن طواف و سعی ولی کسیکه نتواند بعد از بر گشتن بمکه آنرا بجا آورد مثل زن که گمان کند بعد از بر گشتن از منی حیض یا نفاس ببیند یا آنکه پیر مرد بواسطه زیادی جمعیت بعد از بر گشتن نتواند طواف کند در این صورت برای او جایز است پیش از رفتن بعرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد و احتیاط آنستکه بعد از بر گشتن اگر ممکن شود در در ایام تشریق (روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) و اگر نه تا آخر ذیحجه طواف و سعی را دوباره بجا آورد

مسئله ۱۹۳- کسیکه یقین دارد بعد از برگشتن

از منی در تمام ماه برای او طواف وسیعی ممکن نمیشود واجب است پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف وسیعی را بجای آورد ولی احوط آنستکه پس از مراجعت از منی کسی را نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز وسیعی را بجای آورد.

مسئله ۱۹۴- بعد از بجای آوردن طواف زیارت و

نماز آن و سعی بین صفا و مروه علاوه بر آنچه بواسطه تقصیر بر او حلال شده بود بوی خوش نیز بر او حلال میشود ولی صید وزن بر او حرام است و وقتی طواف نساء و نماز آنرا که دستورش مثل طواف زیارت و نماز آنست بجای آورد زن و صیدهایی که در حال احرام بر او حرام بوده حلال میشود اما صید حیوانات حرم که حرمت آن از جهت احرام نیست بر او حرام میباشد و احتیاط واجب در حج تمتع آنستکه پیش از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب کند.

مسئله ۱۹۵- از آنچه گفته شد معلوم شد که بر کسی

که حج تمتع بجای میآورد بتدریج محرّمات احرام در سه

مرتبہ براو حلال میشود اول بعد از حلق یا تقصیر دوم بعد از سعی بین صفا و مروہ سوم بعد از نماز طواف نساء .
مسئلہ ۱۹۶ - اگر کسی عمداً طواف نساء و نماز آنرا ترک نماید حجتش فاسد نمیشود بلکه واجب است آنرا بجا آورد تا آنرا بجا نیاورد زن براو حلال نمیشود حتی عقد کردن و شاهد عقد شدن هم حرام است و احتیاط واجب آنستکه اداء شہادت هم ننماید .

مستحبات طواف زیارت

وسعی و طواف نساء

مسئلہ ۱۹۷ - مستحبات طواف زیارت وسعی و طواف

نساء چند چیز است .

از جمله آنکہ روز عید بعد از اعمال منی بمکہ بر گردد و اگر نشد فردای آنروز کہ روز یازدهم است مراجعت بمکہ کند و دیگر آنکہ غسل کند و متوجہ مسجد الحرام شود و ذکر و تمجید و تعظیم الہی را بجا آورد و بر محمد و آل محمد صلوات اللہ علیہم صلوات بہرستد و چون بہ در مسجد الحرام آید این دعا را بخواند :

اللَّهُمَّ اعِنِّي عَلَى نُسُكِي وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْ لِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ
 بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ
 جِئْتُ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ
 وَاصِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ
 لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُصُوبَتِكَ أَنْ
 تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِبَّ رَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

پس بنزد حجر الا سود بیاید و آنرا ببوسد و آنچه
 در طواف عمره بجای آورده بجا آورد و تکبیر بگوید و نیت
 کند و هفت شوط بدستوریکه در طواف عمره گفته
 شد طواف کند و آداب طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف
 نساء و نماز آن چنانست که سابقاً در طواف و سعی عمره

گفته شد.

ماندن در منی در شبهای تشریفی

(شب ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)

مسئله ۱۹۸- واجب دوازدهم از واجبات حج تمتع ماندن بمنی در شبهای یازدهم و دوازدهم است اگر در احرام از زن و صید پرهیز کرده باشد و اگر از زن یا صید پرهیز نکرده باشد واجب است شب سیزدهم را نیز بماند پس بر کسی که حج میکند اگر روز عید بمکه رفته باشد برای طواف سعی واجب است برای آنکه این شبها در منی بسر برد بمنی بر گردد.

مسئله ۱۹۹- بر کشتن از منی بعد از ظهر روز دوازدهم جایز است و اگر تا شب بر نکشت باید شب را در آنجا بماند و در روز سیزدهم نیز بسه جمره سنگ بیندازد.

مسئله ۲۰۰- برای ماندن در منی در این شبها باید نیت کند که این شب را در منی میمانم از برای حج تمتع حجة الاسلام برای اطاعت فرمان خداوند عالم.

مسئله ۲۰۱- باید تا بعد از نصف شب در منی بماند

پس اگر بعد از نصف شب بیرون رود ضرر ندارد و احتیاط آنستکه پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

مسئله ۲۰۲- اگر کسی بدون عذر ماندن در این

شبها را در منی ترك كند گناه کرده و حج او صحیح است

و واجب است که برای هر شبی يك گوسفند ذبح نماید و

احتیاط آنستکه اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله

و عذر دیگر مثل بیمار و پرستار ترك کرده يك گوسفند ذبح

نماید هر چند گناه نکرده است.

مسئله ۲۰۳- برای کسیکه این شبها را بعبادت در

مکه احیا کند و بکار دیگر غیر از عبادت مشغول نباشد

مگر کارهای ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو

ماندن در منی واجب نیست و کفاره ندارد.

رمی جمرات سه گانه

مسئله ۲۰۴- واجب است در روز یازدهم و دوازدهم

رمی جمرات یعنی انداختن هفت سنگریزه سه جمره باین

ترتیب اول- جمره اولی دوم- جمره وسطی سوم- جمره عقبه

پس اگر بر خلاف این ترتیب رمی کند باید دوباره آنچه

را برخلاف ترتیب انجام داده از سر بگیرد که ترتیب بعمل آید.

پس اگر مثلاً اول بجمره وسطی سنگ انداخت و بعد بجمره اولی باید رمی جمره وسطی را دوباره انجام دهد و بعد از آن رمی جمره عقبه را بجا آورد.

مسئله ۲۰۵- در روز سیزدهم نیز بر کسیکه مانند شب بر او بشرطی که گفته شد واجب شده باشد رمی جمرات سه گانه واجب است

مسئله ۲۰۶- اگر چهار سنگ بجمره انداخت و از روی فراموشی مشغول رمی جمره بعد شد کفایت میکند و سه سنگ باقی مانده را بعد از آن بجمره که چهار سنگ زده بزند و اگر عمداً باشد احتیاط لازم آنستکه با رعایت ترتیب رمی را دو باره انجام دهد چنانچه احوط الحاق جاهل است بعامد

مسئله ۲۰۷- واجبات دیگر رمی بشرحی است که در اعمال منی در رمی جمره عقبه گفته شد.

مسئله ۲۰۸- اگر کسی رمی جمرات سه گانه را فراموش کرد باید از مکّه برگردد بمنی و بجا آورد و اگر

تا بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید باید در سال بعد خودش یا نایبش آنرا قضا نماید.

مسئله ۲۰۹- اگر کسی مریض باشد و مأیوس باشد از اینکه بتواند در وقتی که گفته شد رمی نماید دیگری عوض او رمی میکنند اگر ممکن باشد سنگ را بدست بگیرد و دیگری رمی کند و اگر خوب شد اعاده رمی لازم نیست اگر چه احوط آنستکه در صورتیکه هنوز وقت باقی باشد خوب شود خودش آنرا بجا آورد.

مسئله ۲۱۰- کسی که عمدآرمی جمرات را ترک کند حجتش باطل نمیشود و بعضی از علماء فرموده اند که احوط آنستکه در سال بعد حجتش را قضا نماید.

مسئله ۲۱۱- اگر کسی نتواند بواسطه عذری در روز رمی کند میتواند در شب قبل از آن روز آنرا انجام دهد

مسئله ۲۱۲- اگر رمی یکروز را فراموش کرد روز دیگر یادش آمد باید اول قضاء رمی روز گذشته را انجام دهد و بعد رمی واجب آن روز را بجا آورد.

مسئله ۲۱۳- کسی که بر او ماندن شب سیزدهم در منی واجب نیست لازم نیست روز سیزدهم رمی جمرات نماید

مستحبات منی در روزهای

یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

مسئله ۲۱۴ - مستحبات در روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳

چند چیز :

۱ - چون از مکه بمنی مراجعت کند بگوید :

اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَبِكَ أَمَنْتُ وَلَكَ أَسَلْتُ
 وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ
 النَّصِيرُ

۲ - آنکه در این سه روز از منی بیرون نرود حتی

بجهت طواف مستحب.

۳ - در وقت رمی جمره اولی و وسطی رو بقبله کند

و از جانب چپ جمره بایستد و رمی کند و در رمی جمره

عقبه رو بروی آن بایستد و پشت بقبله نماید.

۴ - موقع رمی الله اکبر بگوید و حمد و ثنای

خداوند عالم بجا آورد و صلوات بفرستد پس اندکی پیش

رود و دعا کند و بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

پس کمی پیشتر رود و دعائی را که روز دهم در وقت رمی
میخواند بخواند و رمی کند.

۵ - تکبیر گفتن در منی مستحب است و احوط
آنستکه آنرا در منی و غیر آن ترك نکند و در منی عقب
پانزده نماز از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز سیزدهم تکبیر
بگوید و کیفیت آن چنانچه در بعض روایات است این است .

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ

اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيٌّ مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ

اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيٌّ مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ

آخر آن این جمله نیز هست وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِيٌّ مَا ابْلَانَا

۶ - اگر روز دوازدهم از منی کوچ کرد بیست و یک

سنگریزه را در منی دفن کند.

۷ - نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف

بجا آورد و در حدیث است که هر که در مسجد خیف صد

رکعت نماز بگذارد پیش از آنکه از آنجا بیرون رود
برابر است با عبادت هفتاد سال و هر که صد مرتبه سبحان الله
بگوید بنویسد از برای او ثواب بنده آزاد کردن و
هر که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید برابر است با ثواب
احیاء نفسی و هر که صد مرتبه الحمد لله بگوید برابر
است با خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد .

مستحبات بازگشت بمکه

برای طواف وداع

مسئله ۲۱۵- مستحب است مراجعت از منی بمکه
بجبهه طواف وداع هر گاه طواف واجب و سعی و طواف نساء
را پیشتر انجام داده باشد و اگر انجام نداده باشد واجب
است برگشتن بمکه برای بجا آوردن آنها .

مسئله ۲۱۶- مستحب است پیش از حرکت از منی
شش رکعت نماز در مسجد خیف بخواند .

مسئله ۲۱۷- مستحب است که چون بمکه رود داخل
خانه کعبه شود خصوصاً اگر حج اولش باشد که در حدیث
است داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خداست
و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان است .

مسئله ۲۱۸ مستحب است بجهت وارد شدن در خانه کعبه غسل کند و پای برهنه وارد شود و پیش از ورود هر دو حلقه در را بگیرد و بگوید :

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ وَ
 مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَاجْرِنِي
 مِنْ سَخَطِكَ (پس داخل شود و بگوید) اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ
 مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا اللَّهُمَّ فَأَمِنِّي مِنْ

عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ

پس دور کعبت نماز بخواند در میان دو ستون سر سنگ سرخ و درر کعبت اول بعد از حمد سوره (حم سجده) و درر کعبت دوم بعد از حمد پنجاه و چهار آیه از سایر قرآن بخواند و در گوشه های خانه نیز نماز بخواند پس بر کنی آید که در آنجا حجر الاسود است و شکم خود را بر آن بمالد پس دور ستون بگردد و شکم و پشت خود را بآن ستون بمالد و چون خواست بیرون آید نردبان را بدست چپ بگیرد

و نزدیک کعبه دور کعت نماز بخواند.

مسئله ۲۱۹- مستحب است بسیار طواف کردن و آن برای حاجیان از نماز مستحبی بهتر است.

مسئله ۲۲۰- مستحب است طواف بنیابت حضرت پیغمبر ﷺ و حضرت فاطمه عليها السلام و حضرات دو ازده امام علیهم السلام و بنیابت پدر و مادر و زن و فرزند و اهل شهر و سایر مؤمنین و ثواب آن بسیار است و ممکن است یک طواف بنیابت چند نفر بجا آورد.

مسئله ۲۲۱- مستحب است بجا آوردن سیصد و شصت طواف بعد از ایام سال و اگر نتوانست سیصد و شصت دور طواف کند که پنجاه و یک طواف و سه شوط میشود و چون هر طواف باید هفت دور باشد چهار دور دیگر بر آن اضافه کند که پنجاه و دو طواف شود.

مسئله ۲۲۲- مستحب است ختم قرآن مجید در مکه و مشرف شدن بمکان ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و منزل حضرت خدیجه ام المؤمنین و زیارت قبر حضرت ابیطالب و عبدالمطلب و آمنه مادر مکرمه پیغمبر و قبر خدیجه

ام المؤمنین که در حج چون معروف است و رفتن بغار حرا که حضرت رسول ﷺ در ابتداء بعثت در آن عبادت میکردند و رفتن بغار ثور .

دستور عمره مفرده

مسئله ۲۷۳ - مستحب است بعد از انجام اعمال حج بجا آوردن عمره مفرده و اقوی اینست که فاصله بین دو عمره شرط نیست پس میتواند بعد از انجام حج تا در مکه است هر روز عمره مفرده بجا آورد .

مسئله ۲۲۴ - میقات احرام عمره مفرده نزدیکترین طرف حرم است بمکه معظمه که معروف است و بهتر احرام بستن از (جعرانه) یا (تنعیم) یا (حدیبیه) است .

مسئله ۲۲۵ - در عمره مفرده بعد از احرام طواف و نماز طواف وسی و تقصیر میکند و طواف نساء و نماز آن لازم است و تا بجا نیاورد زن بر او حلال نمیشود .

طواف وداع

مسئله ۲۲۶ - چون میخواهد از مکه بیرون رود

مستحب است غسل کند و طواف وداع بجا آورد و در دوری دست یابدن بججر الاسود و رکن یمانی برساند و چون بمستجار رسد دعاهائی را که پیش از این گفته شد بخواند پس بنزد حجر الاسود بیاید و شکم خود را بنحانه بساید و يك دست بججر الاسود گذارد و دست دیگر بجانب خانه بگشاید و حمد و ثنای خداوند متعال را بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرستد و مستحب است که از در حناطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و عزم کند که دو باره بحج بر کرده و از خدا بخواهد که باو توفیق مراجعت عنایت فرماید و در وقت بیرون رفتن یکدرهم خرما بگیرد و تصدق بدهد برفقرا برای احتمال آنکه در حال احرام از روی غفلت بعضی محرمات حال احرام را مرتکب شده باشد.

آداب تشریف بمدینه طیبه و زیارت

حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

مسئله ۲۲۷- یکی از مستحبات مؤکده مخصوصاً

برای حاجیان زیارت مرقد منور و روضه مطهره حضرت

رسول خدا ﷺ و مرافق مقدسه اهل بیت خصوصاً

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام است و در حدیث وارد شده که ترك زیارت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از حج جفاست بر آنحضرت و شرح فضایل و ثواب و آداب زیارت هر يك با زیارتهائی که وارد شده در کتابهای دعا و زیارت مفصلاً مذکور است که سزاوار است بآن کتابها رجوع شود و بطور اختصار ببعض مستحبات و آداب اشاره می شود .

- ۱- مستحب است پیش از ورود بشهر مدینه یا پس از ورود بآن غسل کردن و همچنین مستحب است غسل برای ورود در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و برای زیارت آن حضرت و اگر در غسل اول هر سه رانیت کند کافی است.
- ۲- از باب جبرئیل وارد شود .
- ۳- اذن دخول بخواند.
- ۴- با آرامی و وقار وارد مسجد شود .
- ۵- در وقت ورود دعاهائی را که وارد شده بخواند
- ۶- دور کعت نماز تحیت بجا آورد .
- ۷- سلام دادن بآنحضرت از جانب پدر و مادر و رفقا .
- ۸- دور کعت نماز برای زیارت و هدیه ساختن ثواب

آن بعضرت .

۹- نزد منبر ایستادن و حمد و ثنای خدا بجا آوردن

و دعا کردن .

۱۰- نماز و دعا در مقام جبرئیل .

۱۱- نماز در خصوص روضهٔ بین قبر و منبر .

۱۲- نماز در بیت فاطمه علیها السلام .

۱۳- صلوات فرستادن بر پیغمبر در وقت ورود و

خروج از مسجد .

۱۴- نماز در مقام پیغمبر .

۱۵- دور کعت نماز نزد اسطوانهٔ ابی لبابه معروف

با اسطوانه توبه . و خواندن نمازهای وارده .

۱۶- مواظبت بر اداء نمازهای واجب در مسجد

پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

و بر حسب بعض روایات ثواب نماز در مسجد آنحضرت

معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجد الحرام

و در بعض روایات برابر ده هزار نماز است .

۱۷- در مسجد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صدقار ابلند نکند .

۱۸- در مدینه از تصدق بفقیر هر چه میتواند کوتاهی

نکند و همچنین بسیار تسبیح و ذکر و قرائت قرآن و استغفار و صلوات بسیار بخواند .

۱۹- زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در خانه آنحضرت و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنماید .

۲۰- زیارت فاطمه بنت اسد مادر محترمه حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله .

۲۱- زیارت جناب حمزه و سایر شهداء احد در احد .

۲۲- رفتن بمسجد قبا و مشربه ام ابراهیم فرزند

رسول خدا و مسجد فضیخ که در آن رد شمس برای امیر المؤمنین

علیه السلام شده و مسجد احزاب و مساجد دیگر که در این مساجد

نماز خواندن خصوص مسجد قبا فضیلت بسیار دارد .

۲۳- مستحب است نماز در مسجد غدیر خم که در بین

مکه و مدینه در طرف رابع واقع است .

سؤال و جوابی است که در مناسک سابق مذکور بوده و بعضی دیگر اخیراً از محضر حضرت مستطاب آیه الله فی الارضین آقای گلپایگانی، متع الله المسلمین بطول بقائه سؤال شده و جواب داده اند
 ص - اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد و پیش از میقات محرم شود و بعد از ورود بجده و سائل حرکت او بمدینه فراهم شود آیا میتواند محل شود و بمدینه برود و بعد از آن از میقات دیگر محرم شده و وارد مکه شود .

ج - انصراف از نیت احرام سبب بیرون آمدن از احرام نمیشود و با آنکه احرام بسته تجدید احرام مشروع نمیباشد .

ص - اگر از حاجی در حال احرام عملی سرزند که موجب کفاره است حیوان کفاره را در کجا باید ذبح یا نحر کند .

ج . در احرام عمره تمتع احوط آنستکه در مکه ذبح یا نحر نماید و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی در این

در مکان ذبح نکرد در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید و اگر ممکن نشد در شهر خودش یا در جای دیگر رجاء ذبح نماید انشاء الله ضرر ندارد.

س - در حیوان کفاره نیز رعایت شرایط حیوان قربانی در منی لازم است یا خیر.

ج - احتیاط مستحب رعایت آن شرایط است.

س - سجده کردن بر سنگهایی که مسجد الحرام و مشاهد مشرفه بآن فرش شده از سنگ مرمر و غیر آن جایز است یا خیر.

ج - بلی جایز است و معادنی که سجده بر آن جایز نیست معادنی است که عرفاً بر آنها زمین گفته نمیشود مثل طلا و نقره و عقیق و مس و برنج و سایر فلزات.

س - اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکوة نداده خریده باشند احرام در آن صحیح است یا خیر.

ج - اگر بعین آن پول معامله واقع شده باشد احرام در آن جایز نیست و همچنین اگر جامه احرام خودش متعلق خمس شده باشد محرم شدن در آن جایز نیست و طواف در

آن باطل است ولی اگر آنرا پول کلی خریده باشد احرام در آن ضرر ندارد هر چند در مقام پرداخت قیمت پول خمس یا زکوة نداده را بدهد لکن زمه او بمقدار خمس ببری نمی شود و ضامن آن مقدار خمس هم میباشد .

ص- در مقام ابراهیم بواسطه ازدهام و کثرت جمعیت ممکن نمی شود که در موقع نماز طواف مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم نباشند و یا زن جلو مشغول نماز نباشد در این صورت نماز آنها صحیح است یا خیر .

ج- صحیح است و محاذی بودن مرد با زن همچنین جلو ایستادن زن در حال نماز اگر فاصله بین آنها کمتر از ده ذراع باشد نزد حقیر مکروه است .

ص- کسی که میدانسته در سعی باید از صفا شروع و بمروه ختم نمود ولی جای آنها را نمیدانسته و از کسی پرسیده و او مروه را بجای صفا با و نشان داده و بنا بگفته او از مروه شروع بسعی کرد پس از اینکه هفت مرتبه سعی انجام داد ملتفت اشتباه شد و یک مرتبه دیگر سعی نمود آیا سعی او صحیح است یا خیر .

ج- بعید نیست که صحیح باشد هر چند احوط اعاده

سعی است .

می- اگر زن بعد از اعمال حج در منی حائض شود و بمکه بیاید و پیش از آنکه پاک شود ناچار بر رفتن از مکه شود مثل اینکه همراهان او عازم مراجعت باشند آیا میتواند برای طواف حج و نماز آن و طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد .

ج- بلی لازم است بر او که نایب بگیرد و سعی را بعد از آنکه نایب طواف حج و نماز آن را انجام داد خودش بجا آورد .
می- کسی که حج تمتع بجا میآورد اگر پس از احرام و بعد از وارد شدن بحرم فوت شود کفایت از سایر اعمال حج مینماید یا باید برای او نایب گرفته شود .
ج- کفایت میکند و گرفتن نایب لازم نیست . خواه حج خودش باشد یا نایب از غیر باشد .

می- اگر زن پس از اعمال حج اثر عادت در خود ببیند و شك کند که پیش از انجام عمل حایض شده یا بعد از تمام شدن اعمال حج او صحیح است یا خیر .

ج- اعتناء باین شك نکند و حج او محکوم بصحت است .

ص- کسی که با احرام عمره تمتع وارد جده شد و بواسطه بودن وسیله احرام را بهم زد و رفت بمدینه منوره که در مراجعت از مسجد شجره محرم شود حکمش چیست .

ج- شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمی رود اگر چه قصد بهم زدن آنرا کرده باشد و باید با همان احرام عمره را تمام کند و تجدید احرام بعد از برگشت از مدینه لازم نیست و اگر محرمات حال احرام را بجا آورد، حکمش در محرمات احرام گفته شد .

ص- شخصی که با احرام عمره تمتع در ماه شوال و ذی قعد، و ذیحجه وارد مکه معظمه شود و بعد از اتمام عمره قصد رفتن بمدینه یا محل دیگری کرد که در مراجعت از میقات مجدداً احرام ببندد صحیح است یا خیر .

ج- تا حج را انجام نداده جایز نیست از مکه بیرون برود مگر برای حاجت که بعد از اینکه احرام عمره تمتع محل شد باید در مکه با احرام حج محرم شود و با همان احرام بیرون برود و مراجعت نماید و باقی اعمال حج را بجا آورد

و چنانچه بدون احرام بیرون رفت اگر مراجعتش در همان ماهی باشد که عمره اولی را بجا آورده همان عمره اولی کافی است و جایز نیست محرم شود و اگر از عمره اولی سی روز گذشته باشد باید در میقات محرم با احرام عمره تمتع شود و بعد از وارد شدن بمکه عمره تمتع را انجام دهد و بعد محرم با احرام حج شود و اگر فاصله کمتر از سی روز باشد و در غیر آن ماهی که عمره اولی را بجا آورده وارد شود احتیاطاً در میقات محرم با احرام عمره تمتع شود و بعد از انجام اعمال عمره محرم با احرام حج شود.

ص - کفاره کشتن ملخ در حال احرام چیست .
 ج - يك كف طعام يا يك دانه خرما است .
 قخیبر و احوط آنستکه هر دورا بدهد .
 ص - اگر ملخ را در حال احرام بکشد و بخورد کفاره آن چیست .

ج - يك قربانی بر اول لازم میشود و احوط آنستکه قربانی گوسفند باشد و احوط از آن ضمیمه کردن يك كف طعام و يك دانه خرما بر آن است .
 ص - اگر ملخ بسیار باشد و همه آنها را بکشد

چه بر او لازم میشود.

ج - لازم میشود بر او قربانی کردن يك گوسفند بلکه احوط آنست که اگر بیشتر از يك ملخ کشته باشد يك گوسفند قربانی کند و احوط از آن ضمیمه ساختن يك کف طعام و يك دانه خرماست .

ص - اگر از جهت زیادی ملخ در بین راه نتواند خود را از کشتن حفظ نماید چه کند

ج - در اینصورت چیزی بر او نیست .

ص - روزه گرفتن در روزهای تشریق جایز است یا نه

ج - بر کسی که در منی باشد حرام است و روزه عید قربان بر همه کس حرام است .

ص - طواف نساء و نماز آن که اگر در عمره مفرده

و در حج بجا آورده نشود زن حلال نمیشود ، بر زنهای نیز لازم است یا نه .

ج - بلی بر زن نیز لازم است و تا آنرا بجانیاورد

مرد بر او حلال نمیشود .

ص - نماز طواف مستحب واجب است یا مستحب

ج - مستحب است .

س - نماز طواف مستحب را در کجا باید بجا

آورد .

ج - در هر جای مسجد الحرام بجا آورد کافی است .

س - در حرم بر محل صید کردن حرام است یا نه .

ج - هر صیدی که بر محرم در حال احرام حرام است

بر محل نیز در حرم حرام است .

س - کسیکه بدون وصیت مرده و مستطیع بوده

آیا حج بلدی برای او واجب است یا غیر بلدی هم کفایت

می کند .

ج - حج میقاتی کفایت می کند .

س - زنها در حال احرام میتوانند جوراب بپوشند یا

بایستی روی پای آنها مثل مردان باز باشد .

ج - اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن

س - بر حسب فتوای حضرت مستطاب عالی جایز

است که محرم در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر

بگیرد آیا مراد از منزل شهر مکه است یا منزلی که در

شهر مکه دارد و همچنین در منی و عرفات .

ج - مراد از منزل محل نزول است در مقابل حال طی طریق پس در شهر مکه و منی و عرفات و امثال آن برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد هر چند در آمد و شد برای حوائج باشد.

س - پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن یا آمدن جامه احرام روی پا در حال سیر یا در منزل چه صورت دارد .

ج - اشکال ندارد .

س - در منزل سر روی بالش نرم گذاشتن که باعث پوشیدگی مقداری از سر میشود چه صورت دارد .

ج - سر روی بالش گذاردن مانعی ندارد .

س - در اثر هجوم جمعیت وقت بوسیدن حجر الاسود ممکن است جامه احرام بعضی از حاجیان سر آنها را یا سر سایر حجاج را بپوشاند اگر تصادفاً اینطور شد چه صورت دارد .

ج - در صورت تصادف اشکال ندارد .

س - محرم روی لباس دوخته یا بتوی دوخته بنشیند
یا بخوابد یا زیر پتوی دوخته یا لحاف بخوابد چه
صورت دارد .

ج - اقوی جواز آنست لکن پتو و لحاف را بخود
نپیچد که مثل لباس شود .

س - برای زنان هم دو جامه احرام مانند مردها لازم
است یا نه .

ج - بنظر حقیر لباس احرام برای زن احتیاطاً
لازم است و همان شرایط لباس احرام مرد را دارا است و
میتوانند این دو قطعه را روی لباسهای خود بپوشند .

س - در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه
احرام یا بدن محرم نجس شود آیا برای احرام او اشکال
دارد یا نه .

ج - برای احرام او اشکال ندارد و لکن احوط
آنست که در صورت امکان تطهیر یا تبدیل نماید .

س - چه میفرمائید درباره کسبیکه در عمره مفرده

نماز طواف نساء را نخوانده و بولایت خود مراجعت کرده .

ج - اگر برگشتن بمسجد الحرام برای اودشوار باشد میتواند آنرا در هر محلی که یادش آمد بخواند هر چند در شهر دیگر باشد .

س - شخصی بواسطه ندانستن مسئله طواف نساء را بجا نیاورده ولی نیت طواف مستحب کرده بدین نیت که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشتهام قربه‌الی الله بجامی آورم و بعد از گذشتن یکسال ملتفت شده
ج - در مورد سؤال احوط آنستکه بعد از التفات بازن نزدیکی نکند و نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آنرا بجا آورد اگر چه در غیر ماه حج باشد

س - در حج لازم است که طواف نساء و نماز آنرا بعد از طواف حج و نماز و سعی بجا آورد یا خیر

ج - بلی لازم است طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد و اگر عمداً مقدم داشت اعاده آن بانمازش بعد از

سعی لازم است و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن
احوط است و اگر خودش نمیتواند اعاده کند نصاب
بگیرد .

س - کسیکه عمره مفرده استحبابی بجا می آورد
اگر طواف نساء آنرا عمدتاً یا جهلاً یا سهواً ترك کند آیا زن
بر او حرام میشود .

ج - بلی تا طواف نساء را بجا نیاورد زن بر او حلال
نمیشود و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب
نیست .

س - در صورتیکه جهلاً نماز را قبل از طواف بجا
آورد تکلیف او چیست .

ج - نماز را دوباره بجا آورد .

س - اگر نماز طواف را بعد از سعی بجا آورد
آیا لازم است برای حفظ ترتیب سعی را اعاده نماید .

ج - احتیاط مستحب اعاده سعی است .

س - اگر جهلاً سعی را بر طواف مقدم دارد چه

حکم دارد .

ج - احتیاط واجب آنستکه سعی را اعاده نماید .

س - روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی زیر

آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح میدانید یا خیر .

ج - در صورتیکه فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه

نباشد که سعی بین دو کوه صدق بکند مانعی ندارد .

س - آیا لازم است که تقصیر در عمره تمتع را بعد از

سعی بدون فاصله بجا آورد یا نه .

ج - قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است و مدرکی

برای فوریت آن بنظر نرسیده .

س - آیا اجازه می‌دهید که در حال ضرورت يك

نفر بنیابت از چند نفر قربانی نماید .

ج - در قربانی مباشرت شرط نیست و میتواند وکیل

انجام دهد هر چند ضرورت نباشد اکن باید در حین قربانی

قصد کند که این گوسفند قربانی زید است مثلاً اگر چند

گوسفند بقصد چند نفر قربانی کند بدون قصد تعیین صحیح

نیست .

س - مردی دو گوسفند قربانی خریده که یکی را برای خود و دیگری را برای زنی ذبح کند آیا تعیین قربانی لازم است یا نه .

ج - بلی تعیین لازم است و بدون آن کفایت نمی کند .

س - آیا در عمره تمتع پس از انجام تقصیر جایز است سر تراشیدن یا نه

ج - برای کسیکه عمره تمتع بجا آورده احتیاط لازم آنستکه بعد از تقصیر سر تراشد بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست و اگر عمداً سر تراشید احتیاط لازم آنستکه يك گوسفند در مکه ذبح نماید و سر تراشیدن

برای تکمیل شدن عمره تمتع کافی نیست و باید تقصیر نماید

س - در مسجد الحرام و مسجد النبی خواندن نماز با ائمه عامه در حال ضرورت و اختیار چه صورت دارد .

ج - در حال ضرورت بی اشکال است .

در آداب زیارت مدینہ منورہ

اما زیارت حضرت رسول (ص)

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی
بمسجد حضرت رسول ﷺ یا در یکی از مشاهد مشرفه
اُمّہ طاهرین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پس بگو :

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ
نَبِيِّكَ صَلَّى عَلَيْكَ وَعَالِهِ وَقَدَّمَعْتَ النَّاسَ
أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ)
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ

الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا اعْتَقَدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ
 اَعْلَمُ اَنَّ رَسُوْلَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ بِرَوْحِ مَقَامِي وَ
 يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيُرُدُّونَ سَلَامِي وَاَنْتَ
 حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي
 لِذِيْدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَاِنِّي اسْتَاذِنُكَ يَا رَبِّ
 اَوَّلًا وَاَسْتَاذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 ثَانِيًا (وَاَسْتَاذِنُ خَلِيْفَتَكَ الْاِمَامَ الْمُفْتَرَضَ
 عَلَيَّ طَاعَتُهُ (فُلَانُ بْنُ فُلَانِ))

بجای فلان بن فلان نام آن امامی را که زیارت کند
 ذکر کند و همچنین نام پدرش را بیورد مثلا اگر در زیارت
 امام حسین عليه السلام است بگوید . « الحسين بن علي عليه السلام »
 و هكذا پس بگوید :

(۱۷۲) اذن دخول زیارات مدینه منوره

وَالْمَلَائِكَةَ الْمُرْسَلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ
ثَالِثًا ءَاذْخُلُ يَارَسُولَ اللَّهِ ءَاذْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
ءَاذْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي
هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُذِّنُ لِي بِأَمْوَالِي فِي الدُّخُولِ
أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ
أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ

پس داخل شو و بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

اما کیفیت زیارت حضرت رسول ﷺ پس چنین
است هر گاه وارد شدی بمدینه پیغمبر ﷺ پس غسل کن
برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آنحضرت شوی

کیفیت زیارت رسول خدا (ص) (۱۷۳)

بایست نزد در و بخوان آن اذن دخول سابق را و داخل شو
از در جبرئیل و مقدم بدار پای راست را در وقت دخول پس صد
مرتبه «الله اکبر» بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار،
و بر و بسمت حجره شریفه و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ
الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ
فَصَلِّوْا تُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ
الطَّاهِرِينَ

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر

مطہر است و رو بقبلہ کہ دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش
راست بجانب منبر کہ موضع سر رسول خدا ﷺ است
و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ
أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ
نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ
عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ وَ
الْمُرُوعَةِ الْحَسَنَةِ وَ آدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ
وَ أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظْتَ عَلَى
الْكَافِرِينَ فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ

الْمُكْرَمِينَ الْمَحْدُودِ الَّذِي اسْتَقْدَنَا بِكَ
 مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ
 وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ
 الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَهَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا
 رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ
 وَآمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ
 وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
 اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَآتِهِ
 الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَعْجُودًا
 يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ

إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ
 جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ
 لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَإِنِّي أَنُوبُكَ مُسْتَغْفِرًا
 تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتُوجِّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ
 رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي

و اگر ترا حاجتی باشد بگردان قبر مطهر
 را در پشت کتف خود و رو بقبله کن و دستها را بردار و
 حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که بر آورده
 شود این شاء الله تعالی . پس زیارت کن حضرت فاطمه
 سلام الله علیها را از نزد روضه مطهره و مستحبست که
 بگوئی :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ آمِينَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ
خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ
اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ
الْمَخْلُوقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ
النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَحْدَثَةُ الْعَلِيْمَةُ
تَمَّ زِيَارَتُ بَجْهَتِي ذَكَرْتُكَ .

در بحار از تہذیب نقل میکند از ابراہیم بن محمد
عریضی کہ حضرت باقر علیہ السلام فرمودند وقتی کہ
موفق شدی بزیاارت جدہ خود فاطمہ سلام اللہ
علیہا بگو :

يَا مُتَحَنِّنَةَ أُمَّتِكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ
أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِي أُمَّتِكَ صَابِرَةً

وَزَعَمْنَا أَنَّكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ
وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيَّهُ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ
إِن كُنَّا صَدِّقُكَ إِلَّا الْحَقِّينَا بِتَّصَدِّيقِنَا
لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَكَايَتِكَ

پس صلوات میفرستی بر حضرت رسول و ائمه
اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

زیارت ائمه بیع علیهم السلام

یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین
و امام محمد باقر و امام جعفر صادق عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید
بعمل آوری آنچه در آداب زیارت ذکر شد از غسل و طهارت
و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش
و رخصت طلبیدن در دخول و نحو اینها و نیز بگو:

يَا مَوْالِيَّ يَا اَبْنَاءَ رَسُوْلِ اللهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ
اَمْتِكُمْ الذَّلِيْلُ بَيْنَ اَيْدِيكُمْ وَالْمُضْعَفُ
فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَانُّكُمْ
مُسْتَجِيْرًا بِكُمْ قاصِدًا اِلَى عَرْمِيكُمْ مُتَقَرِّبًا اِلَى

مَقَامِكُمْ مَتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ ءَا دَخُلْ
 مَوَالِيَّ ءَا دَخُلْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ءَا دَخُلْ يَا
 مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ
 بِهَذَا الْمَشْهَدِ

و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای
 راست را مقدم دار و بگو :

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ
 اللَّهِ بُكْرَةً وَأَضْيَلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ
 الْمَاجِدِ الْأَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ
 الْحَنَّانِ الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِهِ
 بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا
 بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و رو

بقبر ایشان کن و بگو :

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
أَهْلَ الثَّقَوَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّاجُ عَلَى
أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي الْبَرِّيَّةِ
بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ أَلِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي
ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَ
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ
وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ
وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا

وَأَنْتُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ
 لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ
 وَيُنْقِلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنِسْكُمْ
 الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَإِنَّ تَشْرِكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ
 طِبُّكُمْ وَ طَابَ مَنبَتُكُمْ مَنْ بِيَكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ
 فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ
 فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ
 كِفَارَةً لِدُنُوبِنَا إِذَا خُتِرَ كُمْ اللَّهُ لَنَا وَ طِيبَ خَلْقَنَا
 بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَايَتِكُمْ وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسْمِينَ
 بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَّصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَ هَذَا
 مَقَامٌ مِنْ أَشْرَفِ وَأَخْطَأُ وَأَسْتَكَانَ وَأَقْرَبِ بَاجِنِ
 وَ رَجِي بِمَقَامِهِ الْخَلَّاصِ وَإِنْ يَسْتَقِذُّهُ بِكُمْ

مُسْتَفِدُّ الْمَلَكِي مِنَ الرَّدِيِّ فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ
فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا
وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُورًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا
يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُوُ وَدَائِمٌ لَا يَلْهُوُ وَمُحِيطٌ
بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا
أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَاهِلُوا
مَعْرِفَتَهُ وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهِ
فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ
بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ
فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تُحَرِّمْنِي مَا
رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ
وَالِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

﴿ زيارتِ امين الله ﴾ (۱۸۵)

کہ در جميع روصات مقدسہ بايد بان مواظبت نمود
از حضرت امام زين العابدين عليه السلام مأثور است
کہ بزيارت امير المؤمنين عليه السلام آمد، نزد قبر ايستاد
و گريت و گفتم: اَللّٰمُ عَلَيكَ يَا اَمِيْنَ اَللّٰهُ
فِي اَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلٰى عِبَادِهِ، اَللّٰمُ عَلَيكَ
يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِيْ اَللّٰهِ
حَقَّ جِهَادِهِ وَوَعِمْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ
نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّٰى دَعَاكَ اللهُ
اِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالزَّمَمَ
اَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحَجَّجِ الْبَالِغَةِ
عَلَى جَمِيْعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَجْعَلْ نَفْسِيْ مُطْمَئِنَّةً

عَنْ اَبِيْ اَبِيْنِ زِيَارَتِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَرَأَى اَنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ

بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ

وَدُعَاؤِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً

فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ

بَلَاءِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعَمَاتِكَ ذَاكِرَةً

لِسَوَابِغِ الْآلَاءِ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ

مُتَزَوِّدَةً النَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنْزِلِينَ

أَوْلِيَاءِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مُسْغُولَةً

عَنِ الدُّنْيَا بِمَجْدِكَ وَتَشَائِكَ بِسِطْرِ رُوحِي

مُبَارِكِ خُودِ زَا بَرَقِبْر كَدَا شَت وَكُنْتَ اللَّهُمَّ ارْتَب

قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ وَسُبُلَ الرَّاغِبِينَ

إِلَيْكَ شَارِعَةً وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً

وَأَفْعَدَةً الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةً وَأَصْوَاتَ

الدّاعين إِلَيْكَ صَاعِدَةً وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَمْ تُمْفَحْهُ
 وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً وَتُوبَةَ مَنْ أَنَابَ
 إِلَيْكَ مَقْبُولَةً وَعِبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً
 وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً وَالْإِعَاثَةَ
 لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةً وَعِدَائِكَ لِعِبَادِكَ
 مُنْجِرَةً وَزَلَلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مُقَالَةً وَأَعْمَالَ
 الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مُحْفُوظَةً وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ
 مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ الْيَتِيمِ وَاصِلَةً
 وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ
 عِنْدَكَ مَقْضِيَةً وَحَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ
 مَوْفَرَةً وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً وَمَوَائِدَ
 الْمُسْتَطْعِمِينَ مَعْدَةً وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةً

اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَأَقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي
 وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَليُّ نَعْمَائِي وَمُنْتَهَى
 مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمُثْوَايَ
 دَرَكَامِلِ الزِّيَارَةِ أَيْنَ أَصَافَاتِ مَسْطُورَاتِ ﴿١﴾
 أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا
 وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا وَأَشْغَلْهُمْ عَنَّا إِذَا نَا وَأَظْهِرْ
 كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ
 الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(۱۸۹) ﴿ذَكَرْنَا بِرِزْيَارَاتٍ دَرَدِيْمَةٍ طِيْبَةٍ﴾

بگو در زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللهِ السَّلَامُ عَلَى

حَبِيْبِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللهِ السَّلَامُ عَلَى نَحْيِ اللهِ

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ سَيِّدِ الْاَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ

الرُّسُلَيْنِ وَخَيْرَةِ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي اَرْضِهِ وَسَمَائِهِ

السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ اَنْبِيَاءِهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ

السُّعَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ

الصَّالِحِيْنَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيْفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ

الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُحْتَبَى

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوْثِ اِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السِّرَاجِ

الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجِنِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَّاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
 اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِتْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ
 أَوْ يَكْلِفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ فَتَقَلَّكَ الْبَيْرُ طَيْبًا زَاكِيًا
 مَرْضِيًّا ظَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ
 بَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً تَقْرَأُ بِهَا عَيْنٌ رَسُولِهِ وَتُبَلِّغُهُ
 أَكْبَرَ مَا مَوْلِيهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا
 وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرِكَ
 مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ
 الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِتْرَةِ الظَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيكَ
 وَابْرَاهِيمَ تَجَلَّيْنِكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا
 وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ
 حَسِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَةً
 وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَشُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ
 وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفْسِي عَنِّي كُلِّ هَمٍّ وَضِيقٍ اللَّهُمَّ
 جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَأَمْتَحِنْنِي ثَوَابَكَ وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ وَ
 ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَتَكَ وَأَشْرِكْ لِي فِي صَلَاحِ دُعَائِي
 وَالِدَتِي وَوَلَدِي وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ
 مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ
 آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ سُنَّ بِنَوَاحِ حَاجَاتِ خُودِرَاو دُور كَعْت
 نَمَازِ زِيَارَتِ بِنَوَانِ (زِيَارَتِ جَنَابِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ)
 وَالِدَةِ مَحْمُودَةِ خَاصِرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَمِي سَيِّدِي زِيَادِ قَبْرِ نَفْسِ وَمِيكُو
 السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ
 السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ
 رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ لَهَا شِمَّةُ السَّلَامِ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 النَّفِيسَةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
 ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لِوَلِيِّ اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ
 عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الظَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
 وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنُ الْكِفَالَةِ
 وَأَدْبَتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ وَبَالَغْتَ
 فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ غَارِفَةً بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ

مُعْتَرِفَةً بِبُؤْتِهِ مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةً
 عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ مُخْتَارَةً رِضَاهُ وَ أَشْهَدُ
 أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالْتَمَسْتِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ
 رَاضِيَةً مُرْضِيَةً طَاهِرَةً زَكِيَّةً تَقِيَّةً تَقِيَّةً فَرَضِي اللهُ عَلَيْكَ
 وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوِيكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَتَبْنِي عَلَيَّ فَحَبْنِهَا
 وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَأَرْزُقْنِي
 مُرَاقَبَتَهَا وَأَحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ
 لَا تَجْعَلَنَّ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَأَرْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهَا
 أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا وَ
 ادْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ
 بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَ
 لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ آمِينَ

دو رکعت نماز زیارت میکنی و دعا میکنی باینچه خواهی
 ﴿(زیارت حضرت حمزه عجم بزرگوار پیغمبر در احد)﴾

چون زیارت آنحضرت رفتی میگوئی نزد قبرش:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ
 وَأَسَدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ وَكُنْتَ فِي مَا عِنْدَ اللَّهِ
 سُبْحَانَ رَاغِبًا يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي أَيْنُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ ابْتَغِي
 بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي
 بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى
 ظَهْرِي فَرِعًا إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَتِي إِلَيْكَ مِنْ شِقْتِي
 بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي
 ذُنُوبِي وَأَتَيْتُ مَا اسْتَخَطَّ رَيْيَ وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ النَّيْحُورِي

مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَلَئِنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَرِي وَخَاجَتِي
 فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ تَحْزُونًا وَأَنْتَ مَكْرُوبًا وَسَكَتُ عَبْرَتِي
 عِنْدَكَ يَا كَيًّا وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَ فِي اللَّهِ
 بِصَلَاتِهِ وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِجَنَّةِ
 وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَاءَةِ إِلَيْهِ وَالْهَمَمِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ
 أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْفِي مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَنْجِي مَنْ آتَاهُمْ
 وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَفْوَاهُمْ وَلَا يَسْعُدُ مَنْ غَاذَاهُمْ ﴿١٩٥﴾

پس روقبلہ کن و رکعت نماز زیارت بجا آور و بعد از فراغ خود را
 بقبر حسین و بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي
 تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 آلِهِ لِيَجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ
 تَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا فَإِنْ
 تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ وَإِنْ تُعَاقِبْ فَوَلِّ
 لِي الْقُدْرَةَ عَلَى عَبْدِهِ وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ وَلَا تُصْرِفْنِي

بغير حاجتي فقد لصقت بقبر عم نبيك وتقربت به
 اليك ابتغاء مرضاتك ورجاء رحمتك تقبل مني
 وعد مجليك على جهلي وبرأفئك على جناية نفسي
 فقد عظم جرمي وما أخاف أن تظلمني ولكن أخاف
 سوء الحساب فانظر اليوم تقي على قبر عم نبيك فيهما
 فكني من النار ولا تحب سعي ولا يهون عليك
 ابتهاجي ولا تحجب عنك صوتي ولا تقلبني بغير حوائجي
 يا غياث كل مكروب ومخزون ويا مفرجاً عن الملهوف
 الحيران الغريق المشرف على الملكة فصل على محمد وال محمد
 وانظر الى نظرة لا اشقى بعدها ابداً وارحم تضرعي و
 عبرتي وانفرادي فقد رجوت رضاك وتحررت الخير الذي
 لا يعطيه احد سواك فلا ترد آملي اللهم ان تعاقب موتي
 له القدرة على عبده وجزائه بسوء فعله فلا اخيبني
 اليوم ولا تصرفني بغير حاجتي ولا تحبين شئ مني و

وَفَادَتِي فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي وَأَتَّبَعْتُ بَدَنِي وَقَطَعْتُ
 الْمَقَارِاتِ وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا خَوْلْتَنِي وَاثْرْتُ
 مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي وَلَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَانِكَ فَعُدَّ بِحُكْمِكَ عَلَى جَهْلِي
 وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
 ﴿زِيَارَةُ قُبُورِ شُهَدَاءِ أَحَدِ رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ﴾

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
 مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ
 الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارِ
 رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَاللَّهِ السَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى
 الدَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ أَحْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ
 وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَّيْتُمْ عَنِ اللَّهِ

وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ
 عَلَى مِنْهَا جَرَسُ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ
 وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ
 وَمَوْضِعِ الْكَرَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ
 وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حَرَبُ اللَّهِ
 وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
 الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَى
 مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ آيَتَكُمْ
 يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِرِيَاةِكُمْ إِلَى اللَّهِ
 مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ
 عَلِيمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى مَنْ
 قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِرِيَاةِكُمْ
 وَتَيْبَتِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ
 بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ

وَتَحَنُّنُ بِكُمْ لِاحِقُونَ ﴿﴾ (زیارتِ وداع) ﴿﴾ (۱۹۹)

ہر گاہ خواستی از مدینہ بیرون آئی غسل کن برو نزد قبر پیغمبر صلی اللہ
علیہ وآلہ و زاریت آن بزرگوار راجعا اور پس وداع کن آنحضرت را و بگو
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ
وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَلْتُ
عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ
فَاِنْ تَوَقَّفْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَانِّي اَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلٰى
مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَنْ
مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ﴿﴾
و حضرت صادق علیہ السلام در وداع ^(عند الحجلة) قبر پیغمبر بیوس بن یعقوب
فرموده بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ لِاجْعَلَهُ
اللَّهُ اٰخِرَ تَسْلِيْمِي عَلَيْكَ ﴿﴾

دعاء حضرت امام حسین علیه السلام
در روز عرفه

شرو و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند کہ عشر روز عرفہ در

عَرَافَاتٍ وَرَحْمَةً أَنْخَضَتْ بُوْدُ بَرِّهَا زَجْمَهُ خَوْدِ بَرِّهَا أَمْدَنْدَا كَرُوْمِي أَرْهَلِي بَيْتٍ وَفَرَنْدَانٍ وَشَبْعَانَا
 بِأَهَابِ نَدْلٍ وَخُشُوعِ بَرِّ رَجَابِ حَبِّ كَوْهٍ إِسَادَنْدٍ وَدُؤْمِبَارِ كَوَابُوكِبِهِ كَرْدَانِدَنْدُ دَسْمَهَارَا
 بَرَابَرِ دُرِّ دَاشَنْدٍ مَانِدِ مَكِينِي كِه طَعَامِ طَلْبِدِ وَابْنِ دَعَا رَا خَوَانِدَنْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ
 لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَضْمِهِ ضَمِيحٌ وَلَا لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَضْمِهِ ضَمِيحٌ
 وَأَجْنَاسِ الْبَدَائِعِ وَأَنْفَرَنْ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تُضَيِّعُ عِنْدَهُ
 الْوَدَائِعُ جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِي كُلِّ فَانِعٍ وَدَائِمُ كُلِّ ضَارِعٍ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكَتَابِ
 الْجَمَامِعِ بِالنُّورِ الشَّاطِعِ وَهُوَ اللَّذَّعَوَانِ سَامِعٌ وَلِلْكَرْبَانِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ دَافِعٌ وَ
 لِلجِبَابِ دَافِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ بَعْدَهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ
 اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَتَهَمِدُ
 بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّبًا لَكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ مَرْدِي إِسْتَدَّأْتَنِي بِمَعْنِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ
 شَيْئًا مَذْكَورًا خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ أَيْتَا رَبِّ الْمُنُونِ وَ
 أَخْلَقْتَنِي لِدُهُورِ وَالسِّنِّ فَلَمْ أَزَلْ ظَالِمًا مِنْ صُلْبِي إِلَى رَيْحٍ فِي تَقَادُيرِ مِنَ الْأَبْتَامِ
 الْمَاضِيَةِ وَالْفُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تَخْرِجْنِي لِرَافِقِكَ بِي وَأَلْطَفْتَ لِي بِإِحْسَانِكَ إِلَيَّ
 فِي رِوَالَةِ أَيْمَتِهِ الْكَمَرِ الَّذِينَ تَفَضَّلُوا عَهْدَكَ وَكَذَبُوا رُسُلَكَ لَكَ أَنْخَرْتَنِي
 لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ بَسْرَتِي وَفِيهِ آتَانِي قَبْلَ أَنْ يَكُونَ رِوْفَتِي فِي
 جَيْلِ ضَعْفِكَ وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ فَأَسْتَدْعِي خَلْفِي مِنْ مَنِي بُمْنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلْمَانِ
 ثَلَاثِ بَيْنِ لَحْمٍ وَرِيمٍ وَجِلْدٍ تَهْتَدِي خَلْفِي لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي ثُمَّ
 أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا نَامًا سَوِيًّا وَحَضَيْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا
 صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبَنًا مَرْتَبًا وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي
 الْأَمَهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزَّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ
 فَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا سَمِعْتِ نَاطِقًا بِالْكَلامِ أَمَمْتِ عَلَيَّ

سَوَائِحِ الْأَنْعَامِ وَدَيْبِيِّ أَيْدِي كُلِّ غَايِمٍ حَتَّى إِذَا اكْمَلْتَ فِطْرَتِي وَأَعْتَدَ لِي
 مَرْبِي أَوْجِبْتَ عَلَيَّ جُحْتِكَ بِأَنَّ الْأَهْمَنِي مَعْرِفَتِكَ وَرَوْعَتِي بِعَجَابِ حِكْمَتِكَ
 وَأَبْغَضْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَتَهَمَّنِي لِشُكْرِكَ وَ
 ذِكْرِكَ وَأَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِيَادَتَكَ وَفَتَمَّنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَ
 بَشَّرْتَ لِي قَبْلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْعْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلَطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَ
 مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تُرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَ يُدُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَائِرِ وَمَنْوَعِ
 الرِّيَاسَاتِ نِعْمَتِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَمَمْتَ عَلَيَّ
 جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّعَمِ لَمْ تَمْنَعْ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى
 مَا يُفْرِي بِي إِلَيْكَ وَوَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّ بِي لَدَيْكَ فَإِنْ رَعَوْتِكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتِكَ
 أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتِكَ شُكْرْتَنِي وَإِنْ شُكْرْتِكَ زِدْتَنِي كُلَّ ذَلِكَ إِكْمَالًا لِأَنْعَمَتِكَ
 عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَبِحَانِكَ بُحَانِكَ مِنْ مُبْدِي مُعِيدٍ حَمِيدٍ مُنْقَذٍ
 أَنْوَاؤِكَ وَعَظْمَتِكَ الْأُولَى فَامْنِ بِعَيْكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَذِكْرًا أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ
 أَقْوَمُ هِيَ شُكْرًا وَهِيَ بَارِي أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ يَبْلُغَ عَلَيْهَا
 الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَرَبَّاتٍ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ
 لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالشَّرِّ وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِّقِهِ إِيْمَانِي وَعَقْدِي عَنِّي مَا يُفْرِي بِي
 وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِكَ وَبَاطِنِ مَكُونِ صَمِيرِي وَعَلَاوِي مُجَارِي نُورِ بَصَرِي أَنَا بِ
 صَفْحَةِ جَبِينِي وَخَوْفِ مَسَارِي تَضَيُّ حَلَارِيفِ مَارِنِ غِرْنِي فِي مَسَارِي سَبَاحِ نَهْمِي
 وَمَا ضَمْتُ وَأَطْفَعْتُ عَلَيْهِ شَفَائِي وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَبِ حَنْكِ فِي وَفْقِي
 وَمَنَابِتِ أَضْرَابِي وَمَسَاعِي مَطْعَمِي وَمَشْرِئِي وَحَالِ الْيَوْمِ رَاسِي وَبَلْوَعِ فَارِغِ حَسَابِلِ عَمَلِي
 وَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ نَامُورُ صَدْرِي وَحَسَابِلِ جَبَلِي وَبِنِي قِيَابِطِ عَجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَاحِ حَوْشِي

فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ نَفْسِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ
 انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَارِنِي فِيهِ مَا رِي وَمَارِي فِي أَفْرِيدِكَ عَنِّي اللَّهُمَّ اكْثِرْ
 كَرَمِي وَانصُرْ عَوْرَتِي وَانصُرْ لِي خَطِيئَتِي وَانصُرْ لِي طَائِفَتِي فَكَلِّ رَهَابِي وَاجْعَلْ لِي
 بِاللَّهِ الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيئًا
 بَصِيرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْفًا سَوِيًّا رَحْمَةً لِي فَكَذَلِكَ عَنْ خَلْفِي عَنَّا
 رَبِّ يَا رَبِّ انِّي فَعَدَلْتُ فِطْرَتِي رَبِّ يَا رَبِّ انِّي فَاخْشَيْتُ صُورَتِي رَبِّ يَا اخْشَيْتُ
 إِلِيَّ وَفِي نَفْسِي عَاقِبَتِي رَبِّ يَا كَلَّافِي وَوَقَفْتَنِي رَبِّ يَا انصُرْتَنِي عَلَى هَدْيِي رَبِّ
 يَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ اعطَيْتَنِي رَبِّ يَا اطعمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ يَا اغْنَيْتَنِي وَ
 أَفْنَيْتَنِي رَبِّ يَا اعْتَنَيْتَنِي وَأَعَزَّنِي رَبِّ يَا البَسْتَنِي مِنْ شِرْكِ الصَّالِحِينَ وَبَسْرْتَنِي
 لِي مِنْ مَنَعِكَ الْكَافِرِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَنْ عِيَالِهِمْ وَأَعِيَالِ الْبُحْرَانِ وَصُرْفِي
 اللَّيَالِي وَالْأَيَّامَ وَيَجْعَلْ مِنْ أَمْوَالِ الدُّنْيَا وَكِرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ
 فِي الْأَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَكَفَيْتَنِي وَمَا أَخَذْتُ فَوَقَيْتَنِي وَمَا خَرَسْتُ فَوَقَيْتَنِي
 سَفَرِي فَاحْفَظْنِي فِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُقْنِي وَفِي مَارِزْتَنِي فَبَارِكْ لِي فِي نَفْسِي
 فَذَلَّلْنِي وَفِي عَيْنِ التَّامِرِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْبَحْرِ وَالْأَنْزِلِ فَسَلِّمْ لِي وَبِدُنُوبِي فَلَا تَقْضِنِي
 وَبِسِرِّي فَلَا تُخْرِجْنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تُبْنِلْنِي وَبِعَمَلِكَ فَلَا تُسَلِّمْ لِي إِلَى غَيْرِكَ فَلَا تُكَلِّمْ
 إِلَهِي إِلَّا مَنْ تَكَلَّمَ إِلَيَّ قَرِيبًا فَتَقَطِّعْنِي أُمَّ لِي بِعَيْدِي فَجَهَنَّمِي أُمَّ إِلَى الْمُتَضَعِّضِينَ لِي
 وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي شَكْوَاؤُكَ غَرَبِي وَبُعْدُ دَارِي هَوَانِي عَلَى مَنْ تَلَكَّنْ
 أَمْرِي إِلَهِي فَلَا تُحِلِّلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تُكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَا لِي سِجَانَتِكَ
 غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْ بَعِثْتَ لِي فَانصُرْ لِي بِأَرْبَابِ نُبُورِي وَجِهَتِكَ الَّتِي أَشْرَفْتَ لَهَا الْأَرْضَ
 وَالسَّمَوَاتِ وَكَيْفَ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلِّ بِهَذَا أَمْرًا لِأَوْلَادِي وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا يُنْبِتَنِي

عَلَىٰ غَضَبِكَ وَلَا تَنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَىٰ لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ رَضِيَ قَبْلَ ذَلِكَ
 لِإِلَهِ الْآلَاءِ أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْرِعِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّكَ لَهُ الْبُرُودَ
 وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ آمِنًا يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعَامَ بِفَضْلِهِ
 يَا مَنْ آخَضَ الْجَزِيلَ بِكُرْمِهِ يَا عَدْنِي فِي شِدْقِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَابِي
 فِي كُرْبِي يَا وَليِّي فِي نَعْيِي يَا إِلَهِي يَا إِلَهَ الْآبَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَرَبَّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْإِلَهِ الْمُتَمَجِّينَ
 مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزُّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كَهْفِ عَصَى وَطَهٍ وَنَسِ وَالْقُرْآنِ
 الْحَكِيمِ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَعْبُدُنِي الْمَذَاهِبُ فِي عَمَلِهَا وَتَصْبِقُ بِهَا الْأَرْضَ رُجُومًا وَتُولَا
 رَحْمَتَكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُفِيلٌ عَثْرَتِي وَلَوْلَا اسْتِرْكَائِي لَكُنْتُ مِنَ
 الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُوَيْدِي بِالنَّصْرِ عَلَىٰ أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ
 الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالنُّمُورِ وَالرِّقْعَةِ فَأَوْلِيَانَهُ بِعِزِّهِ وَيَغْتَرُونَ بِأَمْرِ جَعَلْتَهُ
 لَهُ الْمُلُوكَ مِنْ الْمَدْلَىٰ عَلَىٰ أَعْنَاقِهِمْ فَهَمُّ مِنْ سَطْوَاتِهِ خَائِفُونَ بِعِلْمِ خَائِنَةِ الْأَعْمُرِ
 وَمَا تُخْفِي الضُّدُورَ وَغَيْبَ نَائِبِيهِ الْأَزْمِنَةَ وَالذُّمُورَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا
 هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَلُوكِ
 سَدَّ الْهَوَاةَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا
 مَفِيضَ الرِّزْقِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقِيرِ وَخَرَجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ
 مَلِكًا يَا زَادَهُ عَلَى الْمُغْرَبِ بَعْدَ أَنْ ابْتَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَطِيمٍ يَا كَاتِبَ
 الصِّرِّ وَالْبَلَوَىٰ عَن أَنْوَابِ رَمِيكَ بَدَىٰ إِبْرَاهِيمَ عَن ذُرْبِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِيهِ
 وَقَنَاءِ عَمْرِؤِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكْرِيَّا قَوْهَبَ لَهُ بِحُجَّتِي وَلَمْ يَدْعُ قَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ
 أَخْرَجَ بُونَسَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ يَا مَنْ قَلَى الْجَمْرَ لِجِبْتِ إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِي رَعْوَتِهِ

وَجُودَهُ مِنَ الْمُفْرَقِينَ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ بَدَنِ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَزِمَ جِلْدَ
 عَلَى مِنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْفِهِ يَا مَنْ اسْتَفْعَدَ الشَّجَرَةَ مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُرُودِ وَقَدْ غَدَقَ
 فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادَوْهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ
 يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيَّ يَا بَدِيَّ لَا يَدْبَحُ لَكَ بِإِذْنِكَ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ لَكَ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ لَكَ
 الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قِيلَ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَجِبْ مَوْجِعَ عَذَابِ
 خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْهُ وَرَأَى عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَهْزُبْ يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ
 رَزَقَنِي فِي كِبَرِي يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدَكَ لَا تَمُوتُ نِعْمَةً لَا يُجَازِيهَا مِنْ عَارِضِي بِالْحَجْرِ
 وَالْأَحْسَانِ وَعَارِضُهُ بِالْأَسَانَةِ وَالْعِصْبَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأَمِينِ يَا مَنْ دَعَاكَ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرِيَانَا فَكَانِي وَجَائِعًا
 فَاشْبَعَنِي وَعَظْشَانًا فَارْوَانِي وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَتَرَفَّنِي وَجِدًّا فَكَفَّرَنِي
 وَغَائِبًا فَارْتَدَّنِي وَمُعْلًا فَاعْتَنَانِي وَمُنْصِرًا فَفَصَّرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَكِلْنِي وَأَمْسَكَ
 عَنِ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْدَأَنِي فَالْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَشْرَةَ وَنَفْسَ كَرْمِي وَ
 أَجَابَ دَعْوَتِي وَسَأَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبِي وَنَصَّرَنِي عَلَى عَدُوِّي
 وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنْكَ وَكَرَاهِيَّتِكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ
 أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي جَمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ
 أَنْتَ الَّذِي كَلَّمْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي قَفَّ أَنْتَ الَّذِي عَطَيْتَ
 أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ
 أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَرَّتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ
 أَنْتَ الَّذِي آقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ
 أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَهَيْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي

عَاقِبَتِ ابْنِ الدَّيْ كَرَمَتْ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتْ فَلَكَ الْحَمْدُ زَانِمًا وَلَكَ التَّكْوِينُ
 وَاصْبًا أَبَدًا فَرَأَى يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا إِلَهِي أَنَا الَّذِي آسَأْتُكَ يَا إِلَهِي
 أَخْطَأْتُ يَا إِلَهِي هَمَمْتُ يَا إِلَهِي جَحَلْتُ يَا إِلَهِي غَفَلْتُ يَا إِلَهِي سَهَوْتُ
 يَا إِلَهِي اغْتَمَدْتُ يَا إِلَهِي تَعَمَّدْتُ يَا إِلَهِي عَدَدْتُ يَا إِلَهِي أَخْلَفْتُ يَا إِلَهِي
 الَّذِي تَكَلَّمْتُ يَا إِلَهِي قَرَّرْتُ يَا إِلَهِي اعْتَرَفْتُ بِجَمِيعِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي فِي أَمْرِي
 بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا إِلَهِي لَأَنْصُرُكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ وَالْمَوْفِيُّ
 مِنْ عَمَلِ صَالِحِيهِمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي وَسَبْدِي يَا إِلَهِي فَصَبْرًا
 وَهَيْبَتِي فَارْتَكِبْ فِيكَ مَا صَبَحْتُ لَأَذْأَبْرَأْتَهُ لِي يَا إِلَهِي فَاغْتَدِرْ وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانصُرْ
 نِيَابَتِي يَا إِلَهِي اسْتَفْبِلَكَ يَا مَوْلَايَ أَيُّهَا بَصْرِي يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
 الْبَسْ كُلَّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَبَتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالسَّبِيلُ
 عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرَوْنِي وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ
 أَنْ يَعْزِزُونِي وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَلَوْ أَطْلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا أَطْلَعْتُ
 عَلَيْكَ مَعْنِي زَانِمًا أَنْظِرُونِي وَلِرَفْضُونِي وَفَطْعُونِي يَا إِلَهِي أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ
 يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَصِيرٌ لَا ذُو بَرَأةٍ يَا إِلَهِي فَاغْتَدِرْ وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانصُرْ
 وَلَا حِجَابٌ فَاجْتَبِجْ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ نَوْءٌ وَمَا عَنِي الْجُجُودُ وَلَا
 تَحَدِيْتُ يَا مَوْلَايَ بِتَفَعُّلِي كَيْفَ وَأَنْتَ ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ يَا إِلَهِي
 عَمَّا دَعَمْتُ بَيْنَنَا غَيْرِي شَيْءٌ أَنْتَ سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِرِ الْأُمُورِ وَأَنْتَ الْحَكِيمُ
 الْعَدْلُ الَّذِي لَا جُجُودَ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مُهْرَبِي فَإِنْ تَعَدَّيْتَنِي
 يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ جُحُودِي عَلَيَّ وَإِنْ تَعَفَّتْ عَنِّي فَبِحَبْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحَّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
 الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّائِبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّينَ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ
 مِنَ الْمُسْتَجِيبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَكْتَبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 بِنِعْمَتِكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ اللَّهُمَّ هَذَا إِنْسَانِي عَلَيْكَ مُجِدِّدًا وَخَلَائِجِي
 لِيَذْكُرَكَ مُوَحَّدًا وَأَقْرَابِي بِالْإِلَافِ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُفِرًّا إِنِّي لَرَأْحِصُهَا
 لِكُرْهِيهَا وَسُبُوعِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَفَادِيرِهَا إِلَى حَارِبٍ مَا لَمْ يَزَلْ يَهْتَدِي بِهِ
 مَهَامُنْدُ خَلْقَتِي وَبِرَأْيِي مِنْ أَوَّلِ الْعُسْرِ مِنَ الْأَعْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَيْفِ الْفَقْرِ وَ
 تَسْبِيبِ الْبُسرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَضَرُّعِ الْكُرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ
 وَلَوْ قَدَّرْتَنِي عَلَى قَدْرٍ ذَكَرْتَنِيكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَّرْتَنِي
 وَلَا مُمْ عَلَى ذَلِكَ تَفَدَّسْتُ وَتَعَالَيْتُ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تَخْصِي الْأَوْكَ
 وَلَا يَبْلُغُ تَنَاؤُكَ وَلَا تَكْفِي تَعَاؤُكَ صَبْرٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا نِعْمَتٌ
 وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ بِنِعْمَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَجِبُّ الْمَضْطَرَّ وَ
 تَكْفِي التَّوَهُ وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ وَتُعْفِي الْمُتَعِيمَ وَتُعْفِي الْفَقِيرَ وَتَجْمُرُ الْكَبِيرَ وَ
 تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا قَوْفَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ
 الْكَبِيرُ بِأَمْطَلِ الْمَكْبَلِ الْأَبِيرِ بِأَرْزَقِ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ بِأَعِصَمَةِ الْخَائِفِ الْمُنْجِرِ
 بِأَمْنِ الْأَشْرِكِ لَهُ وَلَا وَدِيرَ صَبْرٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَيْشَةِ أَفْضَلَ
 مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوْلِيهَا وَالْآهَ تَجِدُ رُهَا وَبَلِيَّتِي

تَصْرِفُهَا وَكَرْبَةً تَكْتُمُهَا وَرَعْوَةً تَمُومُهَا وَحَسَنَةً تَنْفَعُهَا وَسِيئَةً تَنْفَعُهَا
 اِنَّكَ لَطِيْفٌ بِمَا نَشَاءُ خَيْرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَقْرَبُ مِنْ دُعَى وَ
 اَسْرَعُ مِنْ اَجَابٍ وَاَكْرَمُ مِنْ عَفَى وَاَوْسَعُ مِنْ اَعْطَى وَاَنْمَعُ مِنْ سُئِلَ بِاَرْحَمِ الدُّنْيَا
 وَاَلْاٰخِرَةِ وَرَجَّعَهُمَا لِبَسِّكَ كَشَلِكُ مَسُوْلٍ وَّلَا يُوَاكُ مَا مَوْلٌ دَعَاكَ فَاَجَبْتَنِىْ وَ
 سَأَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَنِىْ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَجَيْتَنِىْ وَوَدَّعْتُكَ بِكَ فَجَبَيْتَنِىْ وَفَرَعْتُ
 اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِىْ اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلٰى اِلٰهِ
 الطَّيِّبِيْنَ الظَّاهِرِيْنَ اَجْمَعِيْنَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهِنِّئْنَا عَطَايَكَ وَاكْبُنَا لَكَ
 شَاكِرِيْنَ وَّلَا لِاَنَّكَ ذَاكِرِيْنَ اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ قَلْبَكَ
 وَوَدَّ رَفْعَهُرَّ وَعَصَى فَتَرَ وَاَسْتَغْفِرُ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِيْنَ الرَّاجِعِيْنَ وَ
 مِنْهٰى اَمَلِ الرَّاجِعِيْنَ يَا مَنْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَّوَسِعَ الْمُسْتَعِيْلِيْنَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً
 وَحِلْمًا اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتُوَجَّهُ اِلَيْكَ فِيْ هَذِهِ الْعَيْشَةِ الَّتِيْ شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ
 نَبِيِّكَ وَرَسُوْلِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَمِيْنِكَ عَلٰى وَحْيِكَ الْبَشِيْرِ النَّذِيْرِ
 السِّرَاجِ الْمُبِيْرِ الَّذِيْ اَنْعَمْتَ بِهِ عَلٰى الْمُسْلِمِيْنَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعٰلَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ
 فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّالْحَمْدِ كَمَا مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيْمُ فَصِّلْ عَلَيْهِ
 وَعَلٰى اِلٰهِ الْمُنْتَجِبِيْنَ الطَّيِّبِيْنَ الظَّاهِرِيْنَ اَجْمَعِيْنَ وَتَعَدَّ نَابِعْفُوْلِكَ عَنَّا فَاِنَّكَ
 تَحْتِ الْاَصْوَاتِ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اَللّٰهُمَّ فِيْ هَذِهِ الْعَيْشَةِ نَصِيْبًا
 مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَضِيْمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُوْرٍ يَهْدِيْ بِهٖ وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا وَبَرَكَةً تَنْزِلُهَا
 وَعَافِيَةً تَجَلِّلُهَا وَرِزْقًا يَبْسُطُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا فِيْ هَذَا الْوَقْتِ
 مُنْجِحِيْنَ مُفْلِحِيْنَ مَبْرُوْرِيْنَ غَائِبِيْنَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْفَائِضِيْنَ وَلَا تُخْلِئْنَا مِنْ
 رَحْمَتِكَ وَلَا تُخْرِئْنَا مَا تُوَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُوْمِيْنَ

وَلَا يُفْضِلُ مَا تُوْمَلُهُ مِنْ عَطَايِكَ فَاطِئِينَ وَلَا تَزِدْنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُقًا
 يَا أَجْرَدَ الْأَجْرَدِينَ وَآكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَبَيْتِكَ الْحَرَامِ أَيْمِينَ
 فَاصْبِرْ فَاغْتِنَا عَلَى مَنَائِكُمْ وَأَكْبَلْنَا جَنَانًا وَعَفُفْنَا عَنَّا وَعَافَيْنَا فَقَدْ مَدَدْنَا
 إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا فِي بَدَلِهِ الْأَعْرَافِ مَوْسُومَةَ اللَّهِ فَاغْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَيْشَةِ مَا
 سَأَلْنَاكَ وَآكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ نَافِدًا
 فَيُنَاحِكُكَ مِحْطُ بِنَا عِلْمِكَ عَدْلٌ فَيُنَافِضُنَا وَإِنْ أَقْبِرْنَا لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا
 مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَدَوَامِ الْبُخْرِ
 وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْعِبْ وَلَا تَهْلِكْ مَعَهُ الْهَالِكِينَ وَلَا تُصِرْفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ
 رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذِهِ الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاغْطِنَهُ
 وَشَكَرَكَ فَرَزْنَهُ وَثَابَ إِلَيْكَ فَجِيلُهُ وَتَوَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا تَعَفُّوهُمَا
 لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَنَفِنَا وَسَدِّدْنَا وَأَقْبَلْ نَصْرَ عَنَّا يَا خَيْرَ مَنْ
 سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجَفُونَ وَلَا لَخْطُ الْعُيُونِ
 وَلَا مَا اسْتَفْرَجَ فِي الْمَكُونِ وَلَا مَا انطَوْنَ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ الْآخِلِ ذَلِكَ
 قَدْ أَخْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ سُجَّانُكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَهْوَى الظَّالِمُونَ
 عَلَوْا كِبِيرَاتِ السَّمْعِ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا
 بِسْمِ جَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَ
 الْأَنْفَارِ وَالْأَبَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ
 مِنْ دِيْنِكَ الْحَلَالِ وَعَافِي فِي بَدَنِي وَرَيْبِي مِنْ خَوْفِي وَعَافِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
 اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسُدْ رَيْبِي لَا تَقْدَحْ عَنِّي أذْرَهُ عَنِّي شَرَفْتَهُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 مِنْ خَوْفِي خَوْفِي ابْنِي سَمَانَ بَلَدَكَ وَانْدَهَيْتَهُ بَارِكْتَ بِمِعْرَافَتِهِ مَا نَدَّرْتُكَ بِسْمِ

بندگت یا آنمغ الشامعین یا ابصر الشاظرین و یا أسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین
 صل علی محمد و آل محمد السادة المباهین و اسئلك اللهم حاجتی الی ان اعطینيها ان
 یضربنی ما تمنعنی و ان تمنعنیها لم یمنعنی ما اعطیني انئلك فکالك رفیبی من انالی
 اله الا انت وحدک لا شریک لک لک الملک و لک الحمد و انت علی کل شیء قدير و یا رب یا
 رب من مکرهت میگفت یا رب و کسانکه روز انحضرت بودند تمام گوش زاده بودند بد غایه انحضرت و
 اکفا کرده بودند باین گفتن پس صد هایشان بلند شد بگریستن با انحضرت تا غروب کرد افتاب بار
 کردند و روانه جانب مشرق الحرام شدند و گوید که کفعمی غایه عرفه افام حسین علیه السلام زاد ربلد
 الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این دعای شریفه موافق روایت کفعمی
 نموده و لکن سید بن طاوس در اقبال بغداد یا رب یا رب یا رب این زیارتی را ذکر فرموده
 الهی انا الفقیر فی غنای تکف لا اکون فقیرا فی فقری الهی انا الجاهل فی علی
 تکف لا اکون جهولا فی جهلی الهی ان اخیلاف نذیرک و سرعة طوائف مغایرک
 منعا عبادک العارفين بک عن التکون الی عطاء و الباس منک فی بلا الهی
 منی ما یلیق بلوئی منک ما یلیق بکرمک الهی و صفت نفک باللطیف الرافیة
 لی قبل و جور ضعیفی اقم تمنعنی منهما بعد و جور ضعیفی الهی ان ظهرت المحاسن
 منی فی فضلیک و لک المنة علی و ان ظهرت المساوی منی فبعدک و لک
 النجاة علی الهی کف تکلیفی و قد تکفلت لی و کف اصام و انت الناصر لی ام
 کف آخیب و انت النجی بی ما انا اتوسل الیک یفقری الیک و کف اتوسل
 الیک بما هو محال ان یصل الیک ام کف اشکو الیک حالی و هو لا یخفی علیک
 ام کف اترجم بمضالی و هو منک و ز الیک ام کف تحیب املی و هی قد قد
 الیک ام کف لا تخسین احوالی و بک قامت الهی ما الطغفک بی مع عظیم جهلی
 ما ارحمک بی مع قسیم فعلی الهی ما اقر بک منی و ابعدهنی عنک و ما اراقتک بی

فَمَا الَّذِي تَجِبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عِلَّتْ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنْقِلَاتِ الْأَطْوَارِ إِنْ مَرَادَكَ
 مِنِّي أَنْ تَتَّعِزَّ بِالنَّسَبِ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ إِلَهِي كَلِمَا أَخْرَسَنِي لَوْ بِنُطْقِ
 كَرَمِكَ وَكَلِمَا ابْتَسَنِي وَأُضَافِي أَطْعَمَنِي مِنْكَ إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَابِسُهُ مَسَائِدِي
 فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ
 دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمِثْلُكَ الْفَاهِمَةُ لَمْ تَبْرُكْ لِدَيْهِ مَقَالِ
 مَقَالًا وَلَا لِدَيْهِ حَالِ حَالًا إِلَهِي كَرَمٌ طَاعَةٌ بَيْنَهُمَا وَحَالُهُ شِدَّةٌ هَاهُمْ أَعْمَادُ
 عَلَيْهِمَا عَدْلُكَ بَلْ أَفَالَيْهِ مِنْهَا فَصَلِّكَ إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدْمِ الطَّاعَةُ
 مِنِّي فَعِلَّا جَزْمًا فَتَدَامَتْ حُبَّتُهُ وَعَزَمْنَا إِلَهِي كَيْفَ أَعِزُّرُ وَأَنْتَ الْفَاهِمُ وَكَيْفَ لَا
 أَعِزُّرُ وَأَنْتَ الْأَمْرُ إِلَهِي تَدْبِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْعَلْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ
 تُوصِلُنِي إِلَيْكَ كَيْفَ يُسَدِّدُ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وَجُودِهِ مُقْتَضٍ إِلَيْكَ أَنْ تَكُونَ لِغَيْرِكَ
 مِنَ الظُّهُورِ مَا لِلنَّسَلِ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ مَنِي غَيْبَتِي حَتَّى تَخْتِجَ إِلَى دَلِيلِ
 بَدَلُ عَلَيْكَ وَمَنِي بَعْدَكَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ عَيْبَتِي عَنْ
 الْأَثَارِ عَلَيْهِمَ أَرْبَابًا وَخَيْرَتِ صَفْقَةٍ عَبْدٌ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ جُنُودِكَ نَصِيْبًا إِلَهِي
 أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِنُوزِ الْأَنْوَارِ وَهَذَا يَدِ الْأَسْبَابِ حَتَّى
 أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتَ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونِ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا وَمَرْفُوعِ الْعَيْنِ
 عَنِ الْأَعْيَادِ عَلَيْهِمَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَهِي هَذَا ذَلِي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا
 حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُضُوءَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَامْنُنْ
 بِبُورِكَ إِلَيْكَ وَأَمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْرُوجِ
 وَصُنِّي بِسِرِّكَ الْمَصُونِ إِلَهِي حَقِيقِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَلِكِ أَهْلِ
 الْجَذْبِ إِلَهِي آخِئْنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَأَوْفِقْنِي

عَلَى مَرَاكِبِ اضْطِرَارِي الْهِمَى أَخْرَجْتَنِي مِنْ ذَلِّ نَفْسِي وَطَهَّرْتَنِي مِنْ شَكِي وَشَرِكِي قَبْلَ
 حُلُولِ رَمْسِي بِكَ أَنْصُرْ فَإِنَّهُ لِي وَعَلَيْكَ أَنْوَكُلُ فَلَا تَكِلْنِي وَإِيَّاكَ أَنْسَلُ فَلَا
 تُخَيِّبْنِي وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تُخَيِّرْ مِنِّي وَبِحَبَابِكَ أَنْتَبُّ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِيَابِكَ
 آقِفْ فَلَا تُنْظِرْ ذِي الْهِمَى نَعْدَسَ رِيضَانِكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْهِ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ
 عَلَيْهِ مِنِّي لِي لِي أَنْتَ لِنَفْسِي بِيَابِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ التَّعَرُّعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ
 غَنِيًّا عَنِّي لِي لِي أَنْ الْفَضَاءَ وَالْقَدْرَ وَمَنِّي وَإِنَّ الْهَوَى يَوْمَانِ الشَّهْوَةَ أَسْرَفِي
 فَكُنْ أَنْتَ التَّصِيرَ حَتَّى تُنْصِرَنِي وَبِصِرْتِي وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَنْتَفِي بِكَ
 عَنْ طَلْبِي أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِي وَإِيَّاكَ حَتَّى عَرَفْتُكَ وَوَحَدُّكَ
 وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْبَارَ عَنْ قُلُوبِي بِحَبَابِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوا سِوَاكَ وَلَا يَلْجَأُوا
 إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ الْمَوْجِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ
 اسْتَبَانَ لَهُمُ الْعَالَمُ مَا نَا وَجَدْنَا مِنْ فَعْدِكَ وَمَا الَّذِي فَعَدْنَا مِنْ وَجَدِكَ لَقَدْ
 خَابَ مَنْ رَضِيَ مِنْكَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَعِيَ عَنْكَ مُتَمَوْلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ
 وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْأَخْسَانَ وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ
 الْأَمْنِيَّانِ بِمَا مِنْ آذَانِ أَجْنَانَهُ حَلَاوَةَ الْمَوَاتِنَةِ فَعَامُوا بِئِنَّ بَدِيدَهُ مَمْلُوفِينَ
 وَبِمَنْ أَلْبَسَ وَإِيَّاكَ مَلَابِسَ هَيْبَةٍ فَعَامُوا بِئِنَّ بَدِيدَهُ مُتَغَفَّرِينَ أَنْتَ الَّذِي
 قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَارِي بِالْأَخْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ
 بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الظَّالِمِينَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ مُرْتَابًا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الشُّفْعَانِ
 الْهِمَى طَلْبِنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى آصِلَ إِلَيْكَ وَاجِدِنِي بِعَيْنِكَ حَتَّى آقِيلَ عَلَيْكَ الْهِمَى
 وَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يَرُؤِي لِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ
 فَقَدْ رَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ وَقَدْ آوَصَعْتَنِي عَلَى كَرَمِكَ عَلَيْكَ الْهِمَى كَيْفَ

تَجِبُ أَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَمَانٍ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي أَلَمْ كَيْفَ اسْتَعِزُّوْا فِي الذِّكْرِ أَرَأَيْتَ
 أَمْ كَيْفَ لَا اسْتَعِزُّوْا بِكَ تَسْتَبِي أَلَمْ كَيْفَ لَا اسْتَعِزُّوْا بِكَ أَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرَاءِ أَفْنِي
 أَمْ كَيْفَ أَفْقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ اعْتَبَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعْرِفَتَ
 لِكَلْبِي فَمَا جِئْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي تَعْرِفَتَنِي فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَتَيْهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي
 ذَاتِهِ فَحَفَّتْ الْأَنْوَارُ بِالْأَنْوَارِ وَوَحَوَّتْ الْأَعْيَانُ بِحُطَاكِ أَفَالَا إِلَهَ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ
 اجْتَبَى فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ
 فَحَقَّقَتْ عَظَمَتَهُ الْأَنْوَارُ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَأَنْتَ
 الرَّؤُوفُ لِلْحَاضِرِ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لَهُ وَحْدَهُ وَبِالْجَمَلِ كَيْفَ تَوْفِيقُ يَا بَدِ
 وَابْنِ دَرْدَا وَرَعْفَاتُ بَاشَدِ أَعْمَالِ بِيَارْدَادِ وَبِشَرِّ بِنِ اَعْمَالِ دَرَابِزِ دَرْدَا اسْتَدْرَجَتْ
 بِتَامِ سَالِ اِبْنِ رُوْزِ شَرِيفِ مِيْمَةَ رَعَا اِسْتَانِي اِرْدُو دَعَا اِزْ بَرَايِ بَرَادَرَانِ مُوْمِنِ اِرْزَنْدُو رُ مَرْدُو
 بِيَارِ بَابِدِ كَرُو دَرُو اِبْتِ وَارِدُو دَرِ خَالِ عِبْدَاللّٰهِ بِنِ جَنْدِ بَرُو دَرِ مَوْقِفِ عَرْفَاتِ رَعَا اِبْرَاهِيْمِ
 بَرَادَرَانِ مُوْمِنِ خُوْدِ مَشْهُوْرَاتِ وَرُو اِبْتِ زِيْدِي رُو دَرِ خَالِ ثَعْلَبِ اَلْفُذْرِ مَعُوْتِي بِنِ رَهْبِ مَوْ
 رِدَعَايِ دَرِ رَحِي بِكَلِ اِزْ اَتْمَا مَوْ كِي دَرِ اَفَا قِ بُو دِنْدِ وَرُو اِبْتِ اِرْ اِرْ حَضْرَتِ طَارِفِ عَلَيْهِ رُو
 اِبْتِكَا رِ شَابِي سَهْ مَلَا حِظْ وَ دَرِ اِرْ اِسْتِ وَ رِجَا اِثْ اِزْ بَرَادَرَانِ دِيْنِي اَنْكِهْ اَلْقَدَا بَابِ بَرْدُو اِزْ اِرْ اِنْمُو
 وَ مُوْمِنِي زَادُو دَرِ غَا بَرِ خُو دِ اِبْتَانِ نُو دُو دَرِ اِبْنِ كَمَا رُو دَرِ اِبْتِ اِرْ اِنْمَا مِ شَمْرُو دَرِ خَالِ اِبْرَاهِيْمِ
 وَ مَنَا اِنْدَعَايِ مِهْرُ مَوْ مَوْ نَفْرِي اِبْتِ وَ بِيُو اِنِ دَرِ اِبْنِ رُو زِيَارِ اِسْتَامِ سَهْ رَا دَرِ اِخْرُو دَرِ عَرَفَاتِ
 بِرَانِ بَارِبِ اِنِ زُو اِبْتِ لَ اِنْفَرُكَ وَ اِنِ مَغْفِرَتِكَ لِي لَا تَنْفُصِكَ فَ اَعْطِنِي مَا لَا
 تَنْفُصِكَ وَ اَغْفِرْ لِي مَا لَا يَصْرُكَ وَ اِبْتَانِ اِسْتَامِ اَللّٰهُمَّ اَلْاَغْفِرْ لِي مَغْفِرَتِي اِعْنَدَكَ اِنَّكَ لَ اَعْلَمُ
 عِنْدِي فَ اِنِ اَنْتَ لَ اَرْزُقْنِي بِعَبِي وَ نَصِي قُلَا اَغْفِرْ لِي اِسْمَ الْمَصَابِي اَعْلَى مُصِيبَتِهِ

دعاء حضرت

امام زین العابدین علیه السلام

در روز عید اضحی و جمعہ

① اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مَبَارَكٌ مَبْمُونٌ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ
مُجْتَمِعُونَ فِي قَطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ الشَّامِلُ مِنْهُمْ وَ
الطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي
هَوَائِهِمْ، فَاسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا

اسألك

سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ② وَسَأَلْتُكَ
اللَّهُمَّ رَبَّنَا يَا نَزَّكَاتُ الْمُلْكِ، وَكَأَنَّكَ أَهْلُ الْعَمَلِ، لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،
بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَهْمَا قَمَّتْ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ : مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ
بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ
هُدِيَهُمْ بِإِذْنِكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ
تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي
وَنَصِيبِي مِنْهُ ③ سَأَلْتُكَ اللَّهُمَّ يَا نَزَّكَاتُ الْمُلْكِ وَ
الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَجَبِيَّتِكَ وَصِفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الظَّاهِرِينَ الْأَخْبَارِ
صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى حُصَانِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ تُشْرِكَكَ
فِي صَلَاحٍ مِنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلِهَامُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَدَّتْ حَاجَتِي، وَإِلَيْكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فِضْرِي فَأَقْبِ وَمَسْكِنِي، وَإِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْثُونٌ مِنِّي بِعَمَلِي، وَلَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَبْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَيَفْضْرِي إِلَيْكَ، وَغِيَاكَ عَنِّي، فَإِنِّي لَأُصِيبُ خَيْرًا قَطًّا لِأَمِينِكَ، وَلَمْ يُصْرِفْ عَنِّي سَوْءٌ قَطًّا أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَلَا أَرْجُو الْأَمْرَ آخِرِي وَدُنْيَايَ سِوَاكَ ۝ اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّبْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَأَعَدَّتُ لَوْ فَادَتْ إِلَى مَخْلُوقِي رَجَاءً رَفِدَهُ وَتَوَافَيْتُ بِهِ وَطَلَبْتُ نَبِيَّهُ وَجَاءَتْ زِينَتُهُ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَأَنَّكَ الْيَوْمَ تَهَيَّبْتَنِي وَتَعَبَّبْتَنِي وَاعْتَدَدْتَنِي وَاسْتَعْدَدْتَنِي، جَاءَتْ عَفْوَتِي وَرَفِدَتِي وَطَلَبَتْ نَبِيَّتِي وَجَاءَتْ زِينَتِي ۝ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبِ لِيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي، يَا مَنْ
 لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَرَأَيْتُكَ
 ثِقَةً مَبْنِي بِعَمَلِ صَالِحٍ قَدَّمَ مِنْهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوفٍ
 رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ۝ أَثْبُتْكَ مُفِرًّا بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ
 إِلَى نَفْسِي، أَثْبُتْكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ
 بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى
 عَظِيمِ الْجُرْمِ إِنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ
 ۝ يَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمَ
 يَا عَظِيمَ، يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَعُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ، وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، وَ
 تَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ ۝ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ
 لِخَلْفَائِكَ، وَأَصْفِيَاءِكَ، وَمَوَاضِعِ أَمْنَاتِكَ فِي
 الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَرَوْهَا

وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ ، وَلَا يُجَاوِزُ
 الْحُكْمُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شَيْئْتَ ، وَلِذَا
 أَنْتَ أَعْلَمُ بِغَيْرِ مُتَاهِمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِأَرَادَتِكَ حَتَّى
 غَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَضِينَ
 بِرَوْنِ حُكْمِكَ مُبَدَّلًا ، وَكُتَابِكَ مُنْبُذًا ، وَقَرَأَتُكَ
 مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ مُشْرُوكَةً
 ① اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
 وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَأَشْبَاعِهِمْ وَأَنْبَاءِهِمْ ② اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ ،
 كَسَلُوا أَيْكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَاءِكَ
 إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَعِجْلِ لَفْرَجِ وَالرَّوْحِ وَالصَّخْرَةِ
 وَالْمُتَكِينِ وَالتَّائِبِينَ لَهُمْ ③ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي
 مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ ، وَالتَّصَدِيقِ
 بِرَسُولِكَ ، وَالْأُمَّةِ الَّذِينَ حَمَمْتَ طَاعَتَهُمْ مِنْ بَحْرِنِ

ذَلِكَ

ذَلِكَ بِهِ وَعَلَىٰ يَدَيْهِ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ
 لَيْسَ بِرُدُّ غَضَبِكَ إِلَّا حُلْمُكَ ، وَلَا بِرُدُّ سَخَطِكَ
 إِلَّا عَفْوُكَ ، وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ ، وَ
 لَا يُجِيبُنِي مِنْكَ إِلَّا النَّصْرُ الْإِلَهِيُّ بَيْنَ يَدَيْكَ ،
 فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ
 لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْفُدُورِ الَّتِي بِهَا تُجِيءُ مَوَاتِ الْعِبَادِ ،
 وَبِهَا تُنْشَرُ مَبْتِئَاتُ الْبِلَادِ ﴿۱۴﴾ وَلَا تُهْلِكْنِي يَا إِلَهِي غَمًّا
 حَتَّىٰ تَسْتَجِيبَ لِي ، وَتُعَرِّفَنِي الْأَجَابَةَ فِي دُعَائِي وَإِذْفَنِي
 طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَىٰ مُنْتَهَىٰ أَجَلِي ، وَلَا تُثْمِتْ بِي
 عَدُوِّي ، وَلَا تُتَمَكِّنْهُ مِنْ عُنْفِي ، وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ
 ﴿۱۵﴾ إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي بَضَعْتَنِي ، وَإِنْ وَضَعْتَنِي
 مِنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي ، وَإِنْ أَكْرَمْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يُهِنُّنِي
 وَإِنْ أَهْنَيْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي ، وَإِنْ عَدَّ بَنِيَّ مِنْ
 ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي ، وَإِنْ أَهْلَكَ كُنْفِي مِنْ ذَا الَّذِي يَبْرِئُنِي

لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ بِسَأَلِكَ عَنْ أَمْرِي، وَقَدْ عَلِمْتُ
 أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نَفْسِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا
 يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَإِنَّمَا يَخْتِجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ
 وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلَنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا
 وَلَا لِنَفْسِكَ نَصَبًا، وَتَهْلِيْنِي، وَنَفْسِي، وَأَقْلَبْنِي
 عَشْرِي، وَلَا تَبْتَلِيْنِي بِبَلَاءٍ عَلَى آثَرِ بَلَاءٍ، فَتَدْرِي
 ضَعْفِي وَفَلَا حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ ۝ اَعُوذُ بِكَ لِلَّهِمَّ
 الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي
 ۝ وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِهِ، وَأَجِرْنِي ۝ وَأَسْأَلُكَ آمِنًا مِنْ عَذَابِكَ، فَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآمِنِي ۝ وَأَسْتَهْدِيكَ، فَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنِي ۝ وَأَتُنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْصُرْنِي ۝ وَأَتَرْجِمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَاللَّهِ، وَارْحَمَنِي ۝۱۶ وَاسْتَكْفِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ
 وَارْحَمَنِي ۝۱۷ وَاسْتَرْزُقَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ، وَارْحَمَنِي
 ۝۱۸ وَاسْتَعِينُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ، وَارْحَمَنِي ۝۱۹ وَ
 اسْتَغْفِرْكَ لِما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ
 وَارْحَمَنِي ۝۲۰ وَاسْتَعْصِمَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ،
 وَارْحَمَنِي، فَإِنَّ لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنْي إِنْ شِئْتَ
 ذَلِكَ ۝۲۱ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ، وَاسْتَجِبْ لِي خَمِيعَ
 مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ
 أَرِدُهُ وَقَدِيرُهُ وَاقْضِهِ وَأَمْضِهِ، وَخَرِّ لِي فِيهَا تَقْضَى
 مِنْهُ، وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَأَسْعِدْنِي
 بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسِعَةً مَا عِنْدَكَ
 فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَصَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْأَخْرَةِ وَنَعِيمِهَا
 * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

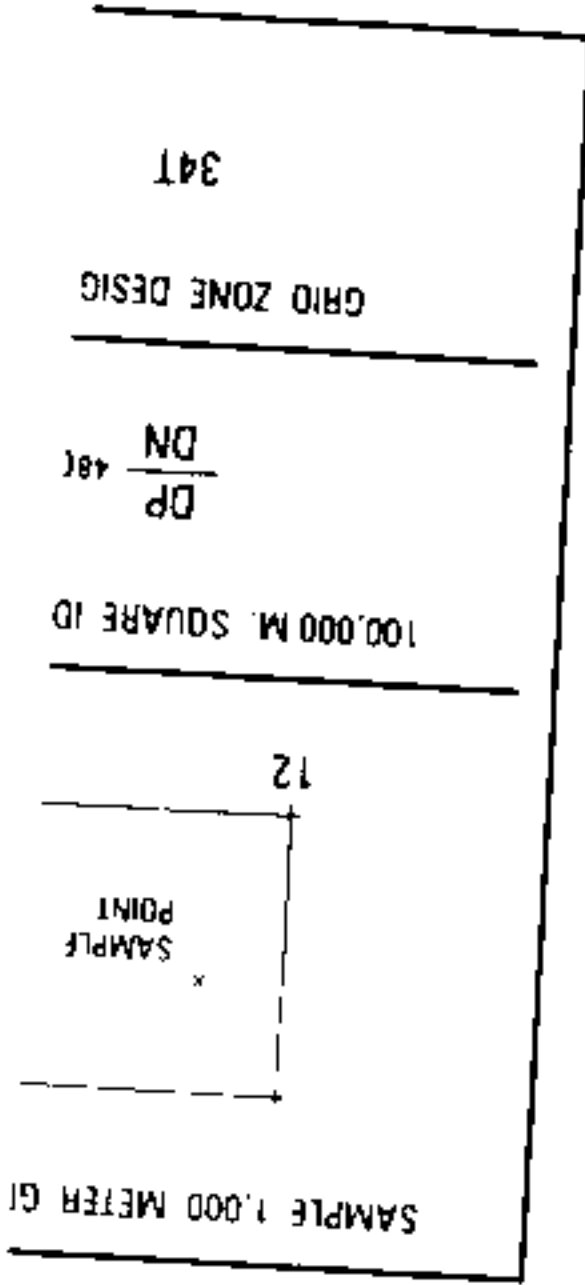
صفحہ	عنوان
۲	فضیلت حج
۴	حج تمتع
۶	دستور عمرہ تمتع
۶	احرام عمرہ و مستحبات آن
۱۲	مکروہات احرام
۱۴	موافقت احرام
۲۱	نذر احرام پیش از میقات
۲۳	واجبات احرام
۲۷	کارہائیکہ بر محرم حرام است
۴۴	طواف عمرہ
۴۴	مستحبات داخل شدن بحرم
۴۷	مستحبات وارد شدن بمکہ
۴۸	مستحبات داخل شدن بمسجد الحرام
۵۵	احکام طواف عمرہ تمتع
۵۷	شرائط طواف

صفحہ	عنوان
۶۱	واجبات طواف
۶۷	مستحبات و مکروہات طواف
۷۳	نماز طواف
۷۵	مستحبات نماز طواف
۷۷	سعی
۷۸	واجبات سعی
۸۷	مستحبات سعی
۸۹	تقصیر
۹۲	مسائل حج تمتع
۹۴	احرام حج
۹۶	مستحبات احرام حج
۹۹	وقوف بعرفات
۱۰۳	مستحبات و قوف بعرفات
۱۱۳	وقوف بمشعر
۱۱۷	مستحبات و قوف بمشعر
۱۲۳	اعمال منی

صفحہ	عنوان
۱۲۳	رمی جمرہ عقبہ
۱۲۵	مستحبات رمی
۱۲۶	قربانی
۱۲۳	مستحبات طہریاتی
۱۲۴	حلق یا التقصیر
۱۲۷	مستحبات حلق و التقصیر
۱۲۷	واجبات بعد از اعمال منی
۱۴۰	مستحبات طواف زیارت
۱۴۲	ماندن در منی در شبہای تشریق
۱۴۳	رمی جمرات
۱۴۶	مستحبات منی
۱۴۸	مستحبات بازگشت بمکہ
۱۵۱	دستور عمرہ مفردہ
۱۵۱	طواف وداع
۱۵۲	آداب تشریف بمدینہ و زیارت حضرت ابراہیم علیہ السلام
۱۵۶	سوال و جواب
	زیارت حضرت رسول (ص) و ائمہ یقین و سایر زیارات و دعاء
	عرفہ و قربان در آخر کتاب

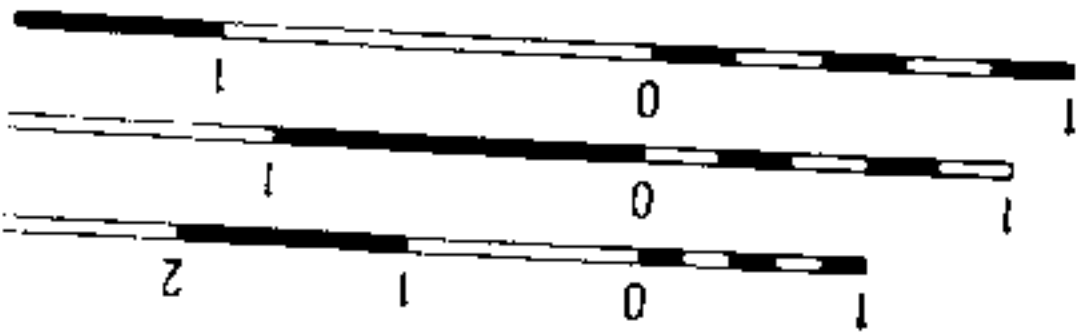


USERS SHOULD REFER CORRECTIONS, A
 COMMERCIAL 314-260-5032, DSN
 ATTN: COD, MAIL 5



summer pasture shelters
 spa
 hill, mountain, spur, ridge
 hill, mountain, peak, ridge
 hill
 spring
 church
 mountain, peak
 mountain, peak
 farm
 hill, mountain, promontory
 mountains
 mountain, ridge
 mountain
 ruin
 ridge
 ridge
 mountain
 mountain
 monastery
 bridge
 mountain, mountains
 plain
 stream
 stream
 station
 mountain, peak
 mountain
 hill
 forest lodge
 spring
 hill, mountain, peak

GLOSSARY



64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 40 73

سائک حج

مطابق بافتاوی

حضرت حجۃ الاحلام والمسلمین آیۃ اللہ العظمی

آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی

متع اللہ المسلمین بطول بقائه الشریف



سوال الکریم ۳۸۹

حاج سید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ وَرَحْمَةِ رَسُوْلِکَ وَرَحْمَةِ اُمَّتِکَ

وَبِاَسْمَائِکَ وَبِاَسْمَائِیْ وَفَاخِیْرَةِ اَسْمَائِکَ